هزارواژهٔ شیمی

(۱)

مجموعهٔ هزارواژه‌ها

۷

هزارواژهٔ شیمی

(۱)

برگرفته از فرهنگ واژه‌های مصوّب
فرهنگستان زبان و ادب فارسی ۱۳۷۶-۱۳۹۱

فرهنگستان زبان و ادب فارسی

گروه واژه‌گزینی

نشر آثار / تهران ۱۳۹۲

فهرست مطالب

پیشگفتار	هفت
مقدمه	نُه
همکاران علمی	سیزده
نشانه‌های اختصاری	شانزده
فرهنگ واژه‌های مصوّب شیمی به ترتیب الفبای فارسی	۱–۱۴۱
فهرست واژه‌ها به ترتیب الفبای لاتینی	1-37

بسم‌الله الرّحمن الرّحیم

پیشگفتار

هزارواژه نام عمومی فرهنگ‌هایی تخصصی است که از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی منتشر می‌شود. ممارست طولانی در کار واژه‌گزینی که به یافتن و ساختن ده‌هاهزار واژهٔ فارسی در برابر لغات و اصطلاحات بیگانه انجامیده است، گروه واژه‌گزینی را قادر ساخته تا دفترهایی با بیش از هزار واژهٔ مصوّب در بعضی از رشته‌های علمی انتشار دهد.

امید است انتشار این دفترها دسترسی استادان و پژوهشگران و نویسندگان و مترجمان هر رشته را به معادل‌های فارسی و لغات و اصطلاحات بیگانهٔ همان رشته آسان‌تر سازد و الگویی به دست آنان دهد تا خود نیز به همین سبک و سیاق واژه‌گزینی کنند. همچنین امید است با انتشار ***هزارواژه***ها، پاسداری از زبان فارسی در عرصهٔ علم و فنّاوری و اهتمام به یافتن معادل‌های فارسی به‌صورت یک فرهنگ درآید تا همگان به یاری فرهنگستان بشتابند.

فرهنگستان آرزومند است روزی فرارسد که زبان فارسی، زبان علم شود و این آرزوی محالی نیست. بی‌گمان اگر بخواهیم می‌توانیم، چنان‌که تاکنون، خواسته‌ایم و توانسته‌ایم.

غلامعلی حداد عادل
رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی
و مدیر گروه واژه‌گزینی
اسفند نودویک

مقدمه

گروه واژه‌گزینی در طول هجده سال فعالیت خود نزدیک بـه چهـل‌هـزار واژه را در حوزه‌های مختلف علمی به تصویب رسانده است. در طی این سال‌ها متخصصان بسیاری با گروه همکاری داشـته‌انـد کـه در بعضـی از حوزه‌ها این همکاری همچنان ادامه دارد. در این مـدت تعـداد واژه‌هـای مصوّب برخی از گروه‌های تخصصـی از مـرز هـزار واژه فراتـر رفـت و تدوین فرهنگ‌های موضوعی واژه‌های مصوّب در این حوزه‌ها ضـروری می‌نمود. ازایـن‌رو، گـروه واژه‌گزینـی درصـدد برآمـد تـا فرهنـگ‌هـایی موضوعی با عنوان ***هـزارواژه*** تـدوین و بـه جامعـهٔ علمـی عرضـه کنـد. نخستین فرهنگ ***هزارواژه*** در برخی حوزه‌هـا شـامل بـیش از هـزار واژه است، زیرا حاصل چند سال تلاش گروه‌های واژه‌گزینی تخصصی اسـت که اکنـون در یـک مجلـد منتشـر مـی‌شـود. گـروه واژه‌گزینـی بنـا دارد ازاین‌پس، گذشتن مصوّبات هر حـوزه از مـرز هـزار واژه، فرهنـگ آن را منتشر کنـد. شـیوهٔ کـار واژه‌گزینـی در فرهنگسـتان در مقدمـهٔ دفترهـای مختلف فرهنگ واژه‌هـای مصـوّب فرهنگسـتان توضـیح داده شـده و در دفترک اصول و ضوابط واژه‌گزینی نیز شرح داده شده است.

همان‌طور که در فرهنگ‌های واژه‌های مصوّب فرهنگستان ذکر شـده است، واژه‌های مصوّب مندرج در هر فرهنگ در زمـان انتشـار، مصـوّب مقدماتی تلقی می‌شوند و برای مدت تعیین‌شده از سـوی شـورای عـالی فرهنگستان، ازطریق دفتر ریاست جمهوری به مؤسسات و مراکـز دولتـی ابلاغ می‌شوند. واژه‌های فرهنـگ حاضـر نیـز هنـوز بـه تصـویب نهـایی نرسـیده اسـت و چنانچـه پیشـنهاد بهتـری از سـوی متخصصـان و صاحب‌نظران عرضه شـود، فرصـت بررسـی و تغییـر آنهـا وجـود دارد.

امیدواریم اهل فن، با راهنمایی‌ها و پیشنهادهای خود ما را در این راه یاری دهند.

مجموعهٔ حاضر واژه‌های مصوّب فرهنگستان در حوزهٔ شیمی است. گروه واژه‌گزینی شیمی در سال ۱۳۷۶ همکاری خود را با فرهنگستان زبان و ادب فارسی آغاز کرد. در طی سال‌های گذشته این گروه با اشتیاق به معادل‌گزینی برای واژه‌های بیگانه همت گمارده و تلاش کرده است هماهنگ و همگام با فرهنگستان در این امر ملی مشارکت کند. و این همکاری هم‌چنان ادامه دارد.

ذکر چند نکته در مورد این فرهنگ ضروری است. اختصاص واژه‌ها به گروه‌های تخصصی در فرهنگ‌های واژه‌های مصوّب فرهنگستان براساس روند تشکیل گروه‌ها و زمان بررسی واژه‌ها در مقاطع مختلف بوده است. ازاین‌رو، خاستگاه برخی از واژه‌های این مجموعه ممکن است رشته‌های دیگر باشد، ولی ازآنجاکه در زمان بررسی آنها گروه‌های ذی‌ربط در فرهنگستان تشکیل نشده بود، این واژه‌ها در حوزهٔ شیمی بررسی شد. همچنین، برای افزایش بهره‌وری و صرفه‌جویی در وقت و هزینه، معمولاً واژه‌های مشترک چند حوزهٔ مرتبط فقط ازطریق یکی از گروه‌های تخصصی در شورای واژه‌گزینی مطرح می‌شود و در فرهنگ واژه‌های مصوّب فرهنگستان با برچسب همهٔ گروه‌های مرتبط می‌آید. این واژه‌ها در فرهنگ‌های موضوعی هریک از این گروه‌ها به‌تنهایی نیز درج می‌شود.

فرهنگستان در برابر برخی از واژه‌های بیگانه، ضمن پذیرفتن لفظ بیگانه، یک برابرنهاد فارسی نیز در کنار آن به تصویب رسانده است، به این امید که این معادل فارسی به‌تدریج جای لفظ بیگانه را بگیرد. برخی از حوزه‌های علمی واژهٔ فارسی را پذیرفته‌اند و برخی همچنان اصرار بر به کار بردن لفظ بیگانه دارند. در مواردی که لفظ فارسی پذیرفته شده است، در تعریف‌ها صرفاً همان معادل به کار رفته و در مواردی که نپذیرفته‌اند، لفظ بیگانه در کنار لفظ فارسی آمده و با خط مورب از هم جدا شده‌اند.

همکارانی که نام آنها در فهرست همکاران علمی فرهنگستان آمده است در تصویب همهٔ واژه‌ها مشارکت نداشته‌اند، اما ازآنجاکه واژه‌ها از دفتر اول تا پایان دفتر دهم در یک جا گرد آمده است، لازم دیده شد نام تمامی کسانی که با ما در مقاطع مختلف همکاری داشته‌اند در کنار هم ذکر شود. استادان و همکاران ما در شوراهای هماهنگی در هماهنگ و یکدست کردن واژه‌های هر حوزه زحمات بسیاری متقبل شده‌اند که به دلیل تنوع این شوراها از ذکر نام ایشان خودداری شده است. این استادان هریک نمایندهٔ یک گروه تخصصی هستند و نام آنها در ردیف اعضای گروه‌های تخصصی ذکر شده است.

در واژه‌گزینی برای واژه‌های فرهنگ حاضر همهٔ همکاران گروه واژه‌گزینی در طی سال‌های گذشته همکاری داشته‌اند که از آنها سپاسگزاری می‌نماید. حاصل کار آنها به همت همکاران بخش تدوین و حروف‌نگاری گروه واژه‌گزینی مدون شده است که خالصانه و صمیمانه با ما همکاری کردند و جا دارد در اینجا از ایشان قدردانی شود: آقای مهدی حریری که مسئولیت واحد تدوین فرهنگ و سرویراستاری فرهنگ‌های مصوّب فرهنگستان بر عهدهٔ ایشان است و با تجربه و دقت و دانش خود ما را یاری کردند؛ آقای محمدرضا پارسایار نیز در تدوین و ویرایش سه دفتر در سال‌های گذشته همکار و همراه ما بوده‌اند؛ خانم گیتی قریب که علاوه بر ویرایش فنی، در تنظیم امور اجرایی بخش تدوین و رفع مشکلات فنی کار کوشیده‌اند؛ خانم‌ها عفت امانی، لیدا خِمَّر و مینا سعادتی، همکاران دقیق و دلسوز واحد تدوین، که زحمت ویراستاری فنی و نمونه‌خوانی فرهنگ‌ها را بر عهده داشته‌اند؛ همچنین همکاران ما در بخش حروف‌نگاری خانم‌ها مهدیه برآبادی، معصومه حیدری، اکرم زرمحمدی، زهرا ساقی‌شیویاری، لیدا محمدی، مهناز مسیبی که با صبر و حوصله در حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی فرهنگ‌های مصوّب زحمات فراوانی را تقبل کردند. ویرایش فنی و حروف‌نگاری فرهنگ حاضر با تلاش و

همکـاری خـانم‌هـا مینـا سـعادتی و زهـــرا ســـاقی شـیویاری و اکـرم زرمحمدی و مهناز مسیبی صورت گرفته است کـه جـا دارد جداگانـه از ایشان تشکر شود.

در پایـان سـپاس خـود را از پژوهشـگر ارشـد گـروه واژه‌گزینـی، خانم فـرزانه سخـایی ابراز می‌دارد که با وجود مسئولیت‌های فراوانی که در گروه واژه‌گزینی بر عهده دارند، در تفکیک رایانه‌ای واژه‌های مصـوّب و تنظیم فرهنگ حاضر از هیچ فداکاری دریغ نکردند. امید است با تمهیـداتی که صورت گرفته است بتوانیم چنـدین فرهنـگ ***هـزارواژه*** در حـوزه‌هـای مختلف در هر سال به جامعهٔ علمی کشور عرضه کنیم.

گروه واژه‌گزینی
اسفند نودویک

همکاران علمی

اعضای پیوستهٔ فرهنگستان زبان و ادب فارسی (شورای فرهنگستان):
مرحوم استاد احمد آرام، استاد عبدالمحمد آیتی، دکتر منوچهر امیری*، مرحوم دکتر قیصر امین‌پور، دکتر حسن انوری، دکتر نصرالله پورجوادی، مرحوم دکتر احمد تفضلی، دکتر یدالله ثمره، مرحوم دکتر حسن حبیبی (رئیس فرهنگستان و مدیر گروه واژه‌گزینی از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ و از ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷)، دکتر غلامعلی حداد عادل (رئیس فرهنگستان و مدیر گروه واژه‌گزینی از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳ و از ۱۳۸۷ تاکنون)، مرحوم دکتر جواد حدیدی، استاد بهاءالدین خرمشاهی، مرحوم دکتر محمد خوانساری، مرحوم استاد محمدتقی دانش‌پژوه، دکتر محمد دبیرمقدم، دکتر حسن رضائی باغ‌بیدی، دکتر علی رواقی، دکتر بهمن سرکاراتی، استاد اسماعیل سعادت، استاد احمد سمیعی (گیلانی)، دکتر دادخدا سیم‌الدین (عضو تاجیک)، مرحوم دکتر محمدجان شکوری (عضو تاجیک)، دکتر علی‌اشرف صادقی، مرحوم دکتر طاهره صفارزاده، دکتر محمود عابدی، استاد کامران فانی، مرحوم دکتر حمید فرزام، فضل‌الله قدسی* (عضو افغان)، دکتر بدرالزمان قریب، دکتر سیدفتح‌الله مجتبایی، دکتر مهدی محقق، مرحوم استاد سیدمحمد

* از اعضای پیشین شوراها یا همکاران سابق گروه واژه‌گزینی فرهنگستان هستند.

محیط طباطبایی، استاد هوشنگ مرادی کرمانی، دکتر حسین معصومی همدانی، مرحوم دکتر مصطفی مقربی، مرحوم دکتر عبدالقادر منیازف (عضو تاجیک)، دکتر محمدعلی موحد، استاد ابوالحسن نجفی، دکتر سلیم نیساری، مرحوم دکتر غلام سرور همایون (عضو افغان)، دکتر محمدجعفر یاحقی، دکتر محمدحسین یمین* (عضو افغان)

اعضای شوراهای واژه‌گزینی:

اعضای پیوسته: مرحوم استاد احمد آرام، دکتر منوچهر امیری*، دکتر نصرالله پورجوادی*، دکتر یدالله ثمره، مرحوم دکتر حسن حبیبی (رئیس فرهنگستان و مدیر گروه واژه‌گزینی از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ و از ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷)، دکتر غلامعلی حداد عادل (رئیس فرهنگستان و مدیر گروه واژه‌گزینی از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۳ و از ۱۳۸۷ تاکنون)، مرحوم دکتر جواد حدیدی، استاد بهاءالدین خرمشاهی، مرحوم دکتر محمد خوانساری، دکتر علی رواقی*، دکتر بهمن سرکاراتی*، استاد اسماعیل سعادت، استاد احمد سمیعی (گیلانی)، دکتر علی‌اشرف صادقی، مرحوم دکتر طاهره صفارزاده، استاد کامران فانی، دکتر مهدی محقق*، مرحوم استاد محمد محیط طباطبایی، استاد هوشنگ مرادی کرمانی، دکتر حسین معصومی همدانی، مرحوم دکتر مصطفی مقربی، استاد ابوالحسن نجفی، دکتر سلیم نیساری

سایر اعضا: دکتر ژاله آموزگار (عضو وابستهٔ فرهنگستان)، دکتر حسن ابراهیم‌زاده*، دکتر محمدابراهیم ابوکاظمی، مهندس محمدرضا افضلی، مهندس محمدرضا بهاری، دکتر محمد بی‌جن‌خان*، نسرین پرویزی، مصطفی‌کمال پورتراب، دکتر علی پورجوادی، دکتر احمد جلالی*، دکتر عباس حرّی (عضو وابستهٔ فرهنگستان)، دکتر محمدرضا حیدری خواجه‌پور*، مرحوم دکتر هاراطون داویدیان، دکتر محمد دبیرمقدم*، دکتر علی درزی*، دکتر محمدتقی راشدمحصل، دکتر مهدی رحیمیان*، دکتر هوشنگ رهنما (عضو وابستهٔ فرهنگستان)، دکتر زهره زرشناس، دکتر حسین سامعی*، دکتر قطب‌الدین صادقی، دکتر علاءالدین طباطبایی (عضو وابستهٔ فرهنگستان)، دکتر لطیف کاشیگر (عضو وابستهٔ فرهنگستان)، سیامک کاظمی، مهندس علی کافی، دکتر ایران کلباسی، دکتر ارسلان گلفام*، دکتر رضا منصوری (عضو وابستهٔ فرهنگستان)، دکتر مهشید میرفخرایی، دکتر شهین

نعمت‌زاده، ابراهیم نقیب‌زادهٔ مشایخ، دکتر رضا نیلی‌پور*، دکتر اسماعیل یزدی

هیئت فنی: نسرین پرویزی (معاون گروه)، دکتر سیدمهدی سمائی، دکتر علاءالدین طباطبایی، دکتر شهین نعمت‌زاده (مشاوران گروه)

مسئول تدوین فرهنگ و سرویراستار: مهدی حریری

پژوهشگران گروه واژه‌گزینی:

نسرین پرویزی، مریم توسلی، مهنوش نشاط مبینی تهرانی (نمایندهٔ فرهنگستان در چند گروه و شورای هماهنگی تا سال ۱۳۸۵)، نغمه جواهری‌فر*، فرشید سمائی (نمایندهٔ فرهنگستان در شورای هماهنگی از سال ۱۳۸۵ از ۱۳۸۹)، الهام شمسائی*، محمود ظریف (نمایندهٔ فرهنگستان در چند گروه و شورای هماهنگی از سال ۱۳۸۹)، آویشن محضری، شکوه‌السادات میرفارسی (نمایندهٔ فرهنگستان و شورای هماهنگی از سال ۱۳۸۵)، اسلام هورن

اعضای گروه تخصصی:

دکتر علی پورجوادی، مرحوم دکتر قاسم خدادادی، دکتر عبدالرضا سلاجقه*، دکتر منصور عابدینی*، دکتر اعظم رحیمی، دکتر غلامعباس پارسافر، مرحوم دکتر محمدنبی سربلوکی، دکتر علی عباسیان

همکاران فنی

ویراستار فنی: مینا سعادتی

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: زهرا ساقی شیویاری، اکرم زرمحمدی، مهناز مسیبی

نشانه‌های اختصاری

اختـ.	**صورت اختصاری**	*abbr.*	**صورت اختصاری واژهٔ بیگانه**
متـ.	**مترادف**	*syn.*	**مترادف واژهٔ بیگانه**
		*	**توضیح**

فرهنگ واژه‌های مصوّب شیمی

به ترتیب الفبای فارسی

آ، ا

آبپوشی hydration[1]
پوشاندن یون‌های موجود در یک محلول به‌وسیلهٔ مولکول‌های آب

آبپوشیده hydrated[1]
ویژگی یونی که شمار معینی مولکول آب در فضای هم‌آرایی (coordination surrounding) خود داشته باشد

آب‌جانشینی aquation
تشکیل همتافتی که در آن مولکول‌های آب جانشین تمام یا تعدادی از گروه‌های هم‌آرا می‌شوند

آبدار hydrated[2]
ویژگی ترکیبی که دارای یک یا چند مولکول آب باشد

آبدار کردن hydration[2]
وارد کردن مولکول‌های آب در یک ترکیب جامد که به‌صورت مجتمع در کنار آن ترکیب قرار می‌گیرد

آب‌دوست hydrophilic
ویژگی ماده‌ای که میل به جذب آب دارد

آبدهی hydration[3]
وارد کردن مولکول آب در یک مولکول دیگر برای تشکیل مولکولی با ساختار جدید

آب‌زدایی dehydration
خارج کردن مولکول آب از ترکیبی مانند الکل

آب‌ژل hydrogel
کلوئیدی که از ترکیب فاز پراکنده (کلوئید) با فاز پیوسته (آب) تشکیل می‌شود و محصولی ژل‌مانند و گران‌رو تولید می‌کند

آب سبک soft water
آبی که غلظت نمک‌های محلول فلزات دو یا چندظرفیتی آن از حد معینی کمتر باشد

آب‌سُل hydrosol
سامانه‌ای کلوئیدی که در آن، محیط پراکنش آب است

آب سنگین heavy water
آبی که هیدروژن‌های موجود در مولکول آن از نوع هیدروژن سنگین اتمی با هستهٔ متشکل از یک پروتون و یک نوترون هستند

آب‌کافت hydrolysis
گسسته شدن یک مولکول در واکنش با آب به‌طوری‌که بخشی از مولکول به هیدروکسیل آب و بخش دیگر آن به یون هیدروژن آب بپیوندد

آب‌کافت‌شدنی hydrolyzable
قابلیت شکافته شدن یک مولکول در واکنش با آب

آب‌کافتی hydrolytic
مربوط به واکنشی که در آن یون‌های هیدورژن و هیدروکسیل آب با یک ترکیب دیگر، دو گونهٔ شیمیایی متفاوت ایجاد کند

آب کانی‌زدوده
demineralized water
آبی که بخش عمدهٔ کاتیون‌ها و آنیون‌های آن زدوده شده است

آب‌گریز[1] hydrophobe
ماده‌ای که میل به جذب آب ندارد

آب‌گریز[2] hydrophobic
ویژگی ماده‌ای که میل به جذب آب ندارد

آب مقید bound water
آبی که بخشی از یک سامانه مانند بافت یا خاک است و تا دمای حدود ۲۰- درجهٔ سلسیوس بلور یخ در آن تشکیل نمی‌شود

آرایش الکترونی
electron configuration
توزیع الکترون‌ها بین اوربیتال‌های اتمی یک عنصر

آرایشمندی tacticity
وقوع نظم در پیکربندی بسپارهایی که واحدهای تکرارشوندهٔ آنها قابلیت ایجاد نظمی فضاشیمیایی دارند

آزمون آزمقیاس
bench-scale testing
آزمون مواد یا روش‌ها یا فرایندهای شیمیایی در مقیاس کم

آزمون حل‌پذیری solubility test
آزمونی که در آن توانایی یک ماده را در آمیخته شدن همگن با مادهٔ دیگر می‌سنجند

آزمون شاهد blank test
آزمایشی بدون نمونهٔ اصلی مورد اندازه‌گیری

آس‌مایه mill-base
مخلوطی که از آسیا کردن رزین و حلاّل و رنگ‌دانه و افزودنی‌ها به دست می‌آید و از آن برای ساخت مادهٔ پوششی رنگ‌دانه‌دار استفاده می‌کنند

آسیای کلوئیدساز colloid mill
دستگاهی دارای چرخانهٔ پرسرعت و ایستانه که در آن نامیزه‌سازی بین این دو بخش انجام می‌شود

آفت‌کُش pesticide
ماده‌ای که آفت‌های گیاهی و جانوری را از بین می‌برد

آلودگی pollution
وارد شدن ماده‌ای در آب یا خاک یا هوا که کیفیت طبیعی آنها را تحت تأثیر قرار دهد و موجب آزار حواس بینایی یا چشایی یا بویایی یا شنوایی شود یا سلامتی را به خطر اندازد

آلومین alumina
آلومینیم اکسید طبیعی (Al_2O_3)

آلیاژ alloy
فراورده‌ای فلزی که دارای دو یا چند عنصر به‌صورت محلول جامد یا به‌صورت مخلوطی از فازهای فلزی باشد

آلی‌سُل organosol
سامانه‌ای کلوئیدی که در آن، محیط پراکنش یک مایع آلی است

آموکسایش ammoxidation, oxyamination, ammonoxidation
فرایندی که در آن مخلوطی از پروپیلن- آمونیاک و اکسیژن در مجاورت یک کاتالیزگر به مادهٔ دیگری مانند آکریلونیتریل تبدیل می‌شود

آمونیاکافت ammonolysis
گسسته شدن یک پیوند با افزودن آمونیاک

آمونیاک‌دار شدن ammoniation[1]
آمایش یا ترکیب شدن با آمونیاک

آمونیاک‌دار کردن ammoniation[2]
آمایش یا ترکیب کردن با آمونیاک

آب سبکن ammonification
افزودن آمونیاک یا ترکیبات آمونیاکی به مواد دیگر

آمیزه compound[1]
مخلوطی که از اختلاط یک بسپار مذاب مانند لاستیک یا پلاستیک با مواد دیگر به‌کمک یک مخلوط‌کن به دست آید

آمیزهٔ پاک‌سازی purge compound, flushing compound, cleaning compound
آمیزه‌ای که به‌صورت خاص برای تمیز کردن درون ماشین‌آلات فراوری تهیه می‌شود

آمیزه‌ساز compounder
دستگاهی که در آن فرایند آمیزه‌سازی صورت می‌گیرد

آمیزه‌سازی compounding
فرایندی که در آن از اختلاط یک بسپار مذاب با مواد دیگر، آمیزه به دست آید

آنتالپی enthalpy
مجموع انرژی درونی یک سامانه به‌علاوهٔ حاصل‌ضرب حجم سامانه در فشاری که محیط بر این سامانه وارد می‌کند

آنتروپی entropy
۱. معیاری برای نمایش تصادفی بودن یا بی‌نظمی هر دستگاه بسته ۲. ویژگی یک سامانهٔ ترمودینامیکی که تغییرات دیفرانسیلی آن از تقسیم تغییرات مقدار گرمای انتقال‌یافته به سامانه در فرایندی برگشت‌پذیر بر دما به دست می‌آید ۳. در یک فرایند هم دما، گرمای افزوده‌شده یا کاسته‌شده تقسیم بر دما

آندش anodizing
فرایندی برق‌کافتی که در آن لایه‌ای پایدار را که عموماً اکسیدی و دارای خواص محافظتی یا تزیینی است بر سطح فلز می‌نشانند

آنزیم ← زی‌مایه

آنزیم دگرریختار
← زی‌مایهٔ دگرریختار

آنیون anion
یونی که بار منفی دارد

آنیون حلاّل lyate ion
آنیونی که از حذف پروتون از مولکول حلاّل به دست می‌آید

آنیون‌دار کردن anation
نشاندن یک لیگاند آنیونی مانند Cl^- به جای یک لیگاند بدون بار، مانند H_2O در یک واکنش شیمیایی

آنیونی anionic
مربوط به آنیون

آویز سولفیدی pendant sulphidic
گروهی شیمیایی بر پایهٔ گروه‌های سولفیدی که در کائوچوی طبیعی پخت‌شده با گوگرد وجود دارد

آویز سیرنشده pendant unsaturation
زنجیری جانبی در یک بسپار که دارای پیوند دوگانه است

آهکی شدن calcification
تجمع کلسیم‌کربنات یا سنگ آهک در خاک که با کاهش رطوبت همراه است

آهن سفید galvanized iron
ورقهٔ آهن روی‌اندودشده

اَبَراشباع‌شدگی
← اَبَرسیرشدگی

اَبَراشباع‌شده ← اَبَرسیرشده

اَبَرسیرشدگی supersaturation
وضعیتی که در آن مقدار مادهٔ حل‌شده در محلول بیش از حدِ انحلال‌پذیری حلاّل باشد
مت. **اَبَراشباع‌شدگی**

اَبَرسیرشده supersaturated
ویژگی محلولی که مقدار مادهٔ حل‌شده در آن بیش از حدِ انحلال‌پذیری حلاّل باشد
مت. **اَبَراشباع‌شده**

اَبَرمولکول supramolecule
مجموعه‌ای از دو یا چند مولکول چندعاملی که به‌کمک برهم‌کنش‌های غیراشتراکی بین‌مولکولی به یکدیگر متصل شده‌اند

اتر تاجی crown ether
واحد مولکولی متشکل از حلقه‌ای با سه موضع اتصال یا بیشتر که می‌توانند به یک عنصر مهمان در مرکز یا نزدیک به مرکز متصل شوند

اتصال attachment
تبدیل یک واحد مولکولی فقط با تشکیل یک پیوند دومرکزی به واحد مولکولی دیگر، بی‌آنکه در پیوندهای جزء مورد عمل تغییری روی دهد

اتصال عرضی cross link
شاخه‌ای که به‌طور اشتراکی یک زنجیر بسپار را به زنجیر دیگر متصل می‌کند

اتم atom
تک‌ساختاری که واحد اساسی هر عنصر شیمیایی است

اتم دستوار chiral atom
اتمی با چهار گروه متفاوت در مولکول‌هایی که با تصویر آینه‌ای خود قابل انطباق نیستند

اتمی شدن atomization
فرایندی که در طی آن براثر شکسته شدن پیوندها، اتم‌ها آزاد می‌شوند

اتم یونیده ionized atom
اتمی که بار منفی یا مثبت دارد

اثر الکتروکوچی
electrophoretic effect
اثر بازدارنده بر حرکت مشخصهٔ یک یون در یک محلول برق‌کاف براثر شیو پتانسیل که ناشی از حرکت یون‌های محیط در جهت مخالف است

اثر انگشت fingerprint
شاهدی برای وجود یا هویت ماده‌ای که به روش طیف‌نمایی به دست می‌آید

اثر ایزوتوپی isotope effect
اثر مربوط به تفاوت جِرم ایزوتوپ‌های یک عنصر که واکنش آنها روی ثابت‌های سرعت و تعادل مشاهده می‌شود

اثر چنگاله‌ای chelate effect
اثر افزایش پایداری همتافت چنگاله‌ای در مقایسه با همتافت تک‌دانهٔ مشابه

اثر ده‌وگیر captodative effect
اثری بر روی پایداری رادیکال کربن‌مرکز که با مجموعهٔ اثرهای مربوط به گروه‌های جانشین الکترون‌کشنده و الکترون‌دهندهٔ متصل به کربن معین می‌شود

اثر فوتوالکتریک
photoelectric effect
پدیدهٔ خروج الکترون از ماده براثر تابش الکترومغناطیسی با بسامد کافی بر سطح آن

اثر همترازکنندگی
levelling effect
تأثیر حلاّلی که قدرت اسیدهایی با اسیدینگی متفاوت را یکسان می‌نمایاند

اجاق سبدی heating mantle
وسیله‌ای مناسب برای گرم کردن واپاییدهٔ ظرف‌های واکنش، شامل المنت (element) گرم‌کننده‌ای که با پارچهٔ بافته‌شده از الیاف شیشه پوشانده شده است

احتراق ← سوختن

احتمال اشغال
occupation probability
احتمال قرار گرفتن مجموعه‌ای از ذرات کوانتومی در ترازی با انرژی معین

اختلاف پتانسیل
potential difference
کاری که در برابر نیروها میان هر دو نقطه الکتریکی باید انجام داد تا بار الکتریکی واحد از نقطه‌ای به نقطهٔ دیگر

ارتعاش پیچشی
torsional vibration,
angular vibration

حرکت یک میله حول محور بلند خود در جهت حرکت عقربه‌های ساعت و خلاف آن

ارتعاش جنبانکی
wagging vibration

نوعی ارتعاش مولکولی که در آن دو پیوند از بیرون صفحه به آن سوی صفحه حرکت می‌کنند

ارتعاش خمشی
bending vibration

ارتعاشی که نتیجهٔ تغییر زاویهٔ بین پیوندهاست

ارتعاش رقاصکی
twisting vibration

نوعی ارتعاش مولکولی که در آن گروه‌ها به‌صورت برون‌صفحه‌ای، ولی در جهت عکس هم، مانند رقاصک ساعت حرکت می‌کنند

ارتعاش قیچی‌وار
scissoring vibration

نوعی ارتعاش مولکولی که در آن طول دو پیوند در یک صفحه افزایش می‌یابد و در همان زمان اتم مرکزی در همان صفحه در جهت مخالف حرکت می‌کند و درنتیجه دو پیوند همانند تیغه‌های قیچی به هم نزدیک می‌شوند

ارتعاش کششی
stretching vibration

ارتعاشی که نتیجهٔ جابه‌جایی یعنی بلند و کوتاه شدن طول پیوندها در درون مولکول نسبت به وضعیت تعادلی آنهاست

ارتعاش کششی متقارن
symmetrical stretching vibration

نوعی ارتعاش کششی که در آن طول دو پیوند هم‌زمان بلند و کوتاه می‌شود

ارتعاش کششی نامتقارن
unsymmetrical stretching vibration,
antisymmetrical stretching vibration,
asymmetrical stretching vibration

نوعی ارتعاش کششی که در آن طول دو پیوند در زمان‌های متفاوت بلند و کوتاه می‌شود

ارتعاش گهواره‌ای
rocking vibration

نوعی ارتعاش مولکولی که در آن دو گروه، هم‌زمان در یک صفحه، مانند گهواره به طرفین حرکت می‌کنند

اَریخت amorphous

ویژگی یک جامد غیرمتبلور

اُزون ozone
یکی از شکل‌های اکسیژن به رنگ آبی با بویی تند به فرمول O_3

اُزون‌زن ozonator
دستگاهی که اُزون را به آب اضافه می‌کند

اُزون‌ساز ozonizer, ozone generator
دستگاهی که اکسیژن را به اُزون تبدیل می‌کند

اُزونش ozonization
فرایند آمایش یا آغشته‌سازی یا ترکیب کردن با اُزون

اُزون شدن ozonation[2]
ترکیب مولکول اکسیژن با اتم اکسیژن و تشکیل اُزون در جوّ زمین

اُزون‌کافت ozonolysis
واکنش آلکن‌ها با اُزون برای تشکیل اُزونید

اُزونید ozonide
ماده‌ای که از واکنش ترکیبات سیرنشده با اُزون پدید می‌آید

اسپین spin
تکانهٔ زاویه‌ای ذاتی یک ذرهٔ بنیادی یا هسته

اسپینل وارون inverse spinel
اسپینلی که در آن یون‌های سه‌ظرفیتی موضع‌های چهاروجهی و هشت‌وجهی و یون‌های دوظرفیتی موضع‌های هشت‌وجهی را اشغال می‌کنند

استحکام کششی tensile strength
بیشترین تنش کششی تحمل‌پذیر برای هر ماده بی‌آنکه گسیخته شود

استخراج extraction
جداسازی یک جزء از مخلوط با انحلال‌پذیری گزینشی

استخراج با حلاّل solvent extraction
جداسازی مواد شیمیایی مختلف، با قدرت انحلال متفاوت، به‌کمک فرایند انحلال انتخابی (selective solvent action)

استخراج‌کُن extractor
دستگاهی که عمل استخراج با آن انجام می‌شود

استخراج مایع ـ مایع liquid-liquid extraction
فرایندی که در آن اجزای محلول مایع در تماس با مایعی نامحلول جدا می‌شود

استخراج متقاطع
crosscurrent extraction

نوعی استخراج مایع- مایع ناپیوسته که در آن حلاّل به نمونهٔ موجود در قیف جداساز افزوده و سپس هم زده می‌شود تا فاز استخراجی در یک جا جمع و بیرون کشیده شود

استخراج ناهم‌سو
countercurrent extraction,
countercurrent separation

نوعی استخراج مایع ـ مایع که در آن حلاّل و خوراک (feed) مخالف جهت یکدیگر جریان می‌یابند

استر ester

ترکیبی که از واکنش الکل با اسید آلی با حذف مولکول آب حاصل شود

استری شدن esterification

واکنش الکل با اسید که به تشکیل استر منجر می‌شود

استوانهٔ مدرج
graduated cylinder

استوانهٔ شیشه‌ای مدرج برای برداشتن حجم معینی از مایعات

استیک‌اسید یخی
glacial acetic acid

شکل بسیار خالص و غلیظ استیک‌اسید که با آب و الکل امتزاج‌پذیر است و در۱۶/۶ درجهٔ سلسیوس ذوب می‌شود و در ۱۱۸ درجهٔ سلسیوس جوش می‌آید

اسید ـ بازِ مزدوج
conjugate acid-base pair

دو گونهٔ شیمیایی که ازطریق به دست آوردن یا از دست دادن یک پروتون با یکدیگر ارتباط داشته باشند

اسید چرب fatty acid

ترکیبات آلی شامل زنجیر هیدروکربن با گروه کربوکسیل انتهایی

اسید چرب استری‌شده
esterified fatty acid,
free fatty acid

محصول ترکیب اسید چرب آزاد با یک مولکول الکلی دیگر مثل گلیسرول

اسید چرب ضروری
essential fatty acid

اسید چربی که بدن قادر به ساختن آن نباشد یا نتواند به مقدار مورد نیاز آن را بسازد و درنتیجه لازم است در رژیم غذایی وجود داشته باشد

اسید چندپروتونی
polyprotic acid

اسیدی با بیش از یک پروتون اخراج‌شدنی

اسید چندعاملی polybasic acid
اسیدی با بیش از یک هیدروژن جایگزین‌شونده

اسید دوپروتونی diprotic acid
اسیدی که در آن دو اتم هیدروژن یونش‌پذیر در مولکول وجود دارد

اسید سخت hard acid
یک اسید لِویس با قطبش‌پذیری پایین و اندازهٔ کوچک و حالت اکسایش مثبت بالا و فاقد الکترون‌های لایهٔ خارجی که به‌سادگی برانگیخته شوند

اسیدینگی acidity
میزان اسیدی بودن یک محلول

اشباع ← سیرشدگی

اشباع‌شدگی ← سیرشدگی

اشباع‌شده ← سیرشده

اشباع‌نشدگی ← سیرنشدگی

اشباع‌نشده ← سیرنشده

اصل الکترون‌خنثایی
electron neutrality principle
اصلی که براساس آن در ترکیبات خالص و محلول‌های برق‌کاف حاصلِ‌جمع بارهای مثبت و منفی صفر است

اصل بناگذاری aufbau principle
اصلی که براساس آن ترتیب قرار گرفتن عناصر بر پایهٔ افزایش متوالی یک پروتون و یک الکترون به اتم قبل توصیف می‌شود

اصل جمع‌پذیری
additivity principle
فرضیه‌ای که براساس آن هریک از چند مشخصهٔ یک واحد مولکولی سهمی جداگانه و جمع‌پذیر در خاصیت ترکیب مورد نظر دارد

اصل طرد پائولی
Pauli exclusion principle, exclusion principle
اصلی که براساس آن در یک اتم هرگز نمی‌توان دو الکترون داشت که هر چهار عدد کوانتومی آنها یکسان باشد

اصل عدم قطعیت
uncertainty principle
اصلی که براساس آن دقت زیاد در اندازه‌گیری یک کمیت به خطا در اندازه‌گیری کمیت همیوغ آن می‌انجامد

اصل موازنهٔ تفصیلی
principle of detailed balancing

اصلی که براساس آن در یک واکنش تعادلی با تعداد اختیاری اجزای سازنده و مسیرهای واکنش، تعداد اتم‌هایی که در واحدهای مولکولی مربوط به خود در هر مسیر مشخص در واکنش رفت‌وبرگشت شرکت دارند، برابر است؛ ازاین‌رو، مسیر واکنش برگشت نیز باید از هر نظر عکس مسیر رفت باشد

اصل هم‌الکترونی
isoelectronic principle

اصلی که بنا بر آن مولکول‌هایی که تعداد الکترون‌ها و تعداد اتم‌هایشان، به‌جز هیدروژن، یکسان است، شکل هندسی مشابه دارند

اُفت مویینه‌ای
capillary depression

اُفت کناره‌های گنبدی مایع در لوله درصورتی‌که دیوارهٔ لوله خیس نباشد

اُفت‌وخیز fluctuation

انحراف هر کمیت از مقدار میانگین آن که معمولاً بین دو مقدارِ حدی کمینه و بیشینه تغییر می‌کند

افزودنی additive

ماده‌ای که برای بهبود کارایی فراوردهٔ نهایی به مادهٔ دیگر می‌افزایند

اُکسایش oxidation

واکنشی که در آن ترکیبات یا بنیان‌ها الکترون از دست می‌دهند

اُکسایش دمابالا

← خوردگی دمابالا

اُکسایشی oxidative

مربوط به اکسایش

اُکسنده oxidant, oxidizer, oxidizing agent

ماده‌ای که مادهٔ دیگر را اُکسید می‌کند

اُکسنده‌های نورشیمیایی
photochemical oxidants

هر نوع مادهٔ شیمیایی که در برابر نور یا انرژی تابشی دیگر به عنوان اکسنده در واکنش اکسایش شرکت کند

اکسید اسیدی acid oxide

ترکیب اکسیژن‌دار یک نافلز

القای بی‌تقارنی
asymmetric induction

شکل‌گیری یک انانتیومر (enantiomer) یا دیاستریوایزومر (diastereoisomer) که به علت تأثیر القایی دستوارهٔ مبنا بیش از دیگر انواع همپارها امکان‌پذیر است

الکترود electrode
عنصر رسانایی که از راه آن جریان الکتریکی به محیط وارد یا از آن خارج شود

الکترود استاندارد هیدروژن
standard hydrogen electrode, standard referencen half-cell
الکترود پلاتین در یک مولار اسید در مجاور گاز هیدروژن در فشار یک بار

الکترود کمکی
auxiliary electrode, secondary electrode
الکترودی که جریان را به الکترود مورد آزمایش منتقل می‌کند

الکترود مرجع
reference electrode
الکترود قطبش‌ناپذیری که پتانسیل‌های تکرارپذیر بالایی تولید می‌کند و در اندازه‌گیری pH. و آنالیز قطبش‌نگاری به کار می‌رود

الکترورنگی electrochromism
قابلیت ماده از لحاظ تغییر رنگ در مجاورت بارهای الکتریکی و بازگشت به رنگ اولیه در نبود بارها

الکتروسالار electrocratic
ویژگی پراکنه‌ای که براثر دافعه‌های ایستابرقی/ الکترواستاتیکی پایدار می‌شود

الکتروشیمی ← برق‌شیمی

الکتروشیمیایی ← برق‌شیمیایی

الکتروکوچ electrophoresis, cataphoresis, ionophoresis
فرایند الکتروشیمیایی که در آن ذرات کلوئیدی یا درشت‌مولکولی با بار الکتریکی مشخص تحت تأثیر جریان الکتریکی در محلول کوچ می‌کنند

الکتروکوچ مویینه‌ای
capillary electrophoresis
روشی در جداسازی که در آن با وارد کردن نمونه در لولهٔ مویین و استفاده از ولتاژ بالا اجزا را از یکدیگر جدا می‌کنند

الکترومغناطیسی
electromagnetic
مربوط به پدیده‌هایی که در آنها الکتریسیته و مغناطیس به هم وابسته‌اند

الکترومنفی electronegative[1]
ویژگی الکترودی که می‌تواند پتانسیل منفی را در یک پیل الکتریکی کسب کند

الکترون electron
ذرهٔ بنیادی پایداری که بار منفی دارد و جزء سازندهٔ همه اتم‌هاست

الکترون‌خواهی electron affinity
تمایل یک اتم به کسب الکترون که با تغییر انرژی همراه است

الکترون‌دوست[1] electrophile
واکنشگری که با پذیرفتن یک زوج‌الکترون پیوندی از یک گروه دیگر با آن تشکیل پیوند می‌دهد

الکترون‌دوست[2] electrophilic
ویژگی واکنشگری که با پذیرفتن یک زوج‌الکترون پیوندی از یک گروه دیگر با آن تشکیل پیوند می‌دهد

الکترون‌دوستی electrophilicity
قدرت نسبی یک واکنشگر الکترون‌دوست

الکترون رسانش
conduction electron
الکترونی که انرژی آن در نوار رسانش جسم جامد قرار دارد و می‌تواند براثر میدان الکتریکی آزادانه به حرکت درآید

الکترون ظرفیت
valence electron
الکترون متعلق به خارجی‌ترین پوستهٔ اتم

الکترون‌کشان[2] electronegative
خصلت اتمی که تمایل به جذب الکترون و کسب بار منفی جزئی داشته باشد

الکترون‌کشانی
electronegativity
توانایی نسبی اتم در پیوند شیمیایی برای جذب الکترون‌های مشترک

الکترون‌وانهاده[1] electrofugal
گروه ترک‌کننده‌ای که زوج‌الکترون پیوندی را با خود حمل نمی‌کند

الکترون‌وانهاده[2] electrofuge
ویژگی گروه ترک‌کننده‌ای که زوج‌الکترون پیوندی را با خود حمل نمی‌کند

الکترون‌های درونی
core electrons
الکترون‌هایی که تمام ترازهای انرژی یک اتم، غیر از تراز ظرفیت را پر می‌کنند

الکترون‌های نامستقر
delocalized electrons
الکترون‌هایی که متعلق به هیچ اتم مستقلی نیستند و در تمام مولکول در نزدیکی اتم‌های مختلف پراکنده‌اند

الکل تقلیبی ← الکل واسرشته

الکل دوآتشه rectified spirit
نوعی محلول الکل و آب که ۹۵ درصد حجمی آن اتیل‌الکل است و از طریق تقطیر به دست می‌آید

الکل‌ژل alcogel
ژلی که فاز مایع آن الکل است

الکل واسرشته denatured alcohol
اتیل‌الکلی که دارای ترکیب سمی مانند متیل‌الکل است
مترـ .**الکل تقلیبی**

امتزاج‌پذیری miscibility
قابلیت حل شدن دو مایع در یکدیگر

امتزاج‌ناپذیر immiscible
ویژگی مایعاتی که در یکدیگر حل نمی‌شوند

امتزاج‌ناپذیری immiscibility
غیرقابل‌حل بودن دو مایع در یکدیگر

انبساط expansion
افزایش طول یا سطح یا حجم یک جسم بدون تغییر جِرم آن

انبساط گرمایی thermal expansion
افزایش اندازهٔ جسم یا ماده براثر افزایش دما

انبوهش aggregation
شکل‌گیری گروهی از قطرات یا ذرات یا حباب‌ها یا مولکول‌ها در کنار هم

انبوهه aggregate
گروهی از گونه‌های مختلف مانند قطرات یا حباب‌ها یا ذرات یا مولکول‌ها که به‌نحوی کنار هم گرد آمده‌اند

انبیق alembic
نوعی ظرف تقطیر شامل دو بخش که با یک لوله به هم وصل شده‌اند

انتقال‌به‌آبی blueshift, hypsochromic shift
انتقال یک نوار طیف به طولِ‌موج‌های کوتاه‌تر درنتیجهٔ جانشینی یک گروه در مولکول یا درنتیجهٔ تغییر در شرایط فیزیکی

انتقال‌به‌سرخ redshift, bathochromic shift
انتقال یک نوار طیفی به طولِ‌موج‌های بلند یا بسامدهای کمتر در نتیجهٔ جانشینی گروهی در یک مولکول یا تغییر در شرایط محیطی

انتقال زنجیر chain transfer

جدا شدن یک اتم از مولکولی دیگر به‌وسیلهٔ پایانهٔ رادیکالی درحال‌رشد که به رشد آن پایانه خاتمه می‌دهد و هم‌زمان موجب رشد یک رادیکال جدید می‌شود

انتقال گرما heat transfer

فرایندی که در آن گرما، در سطوح مرزی، از یک سامانه یا محیط به سامانه یا محیط دیگر منتقل می‌شود

انرژی ارتعاشی
vibrational energy

اختلاف انرژی مربوط به دو حالت یک مولکول دواتمی هنگامی که در یک حالت، از چرخش آن و در حالت دیگر، از ارتعاش آن صرف نظر می‌شود

انرژی پیوند bond energy

مقدار میانگین انرژی گسستن پیوند خاص یک مولکول در حالت گازی

انرژی درونی internal energy

مجموع انرژی‌های جنبشی و ذاتی تک‌تک ذرات و انرژی برهم‌کنش میان آنها در هر سامانهٔ ترمودینامیکی

انرژی رزونانس
resonance energy

تفاوت بین انرژی پتانسیل گونهٔ مولکولی و ساختار سهیم دارای کمترین انرژی پتانسیل

انرژی زوج‌شدگی الکترون
electron pairing energy

انرژی لازم برای زوج شدن دو الکترون با اسپین‌های مخالف، در یک اوربیتال اتمی

انرژی فعال‌سازی
activation energy

مقدار انرژی لازم، افزون بر انرژی حالت پایه، که باید به یک سامانهٔ مولکولی یا اتمی اضافه شود تا انجام یک فرایند خاص امکان‌پذیر گردد

انعقاد coagulation

ناپایدار شدن و مجتمع شدن اولیهٔ ذرات معلق ریز و کلوئیدی موجود در آب پس از افزودن مواد شیمیایی مناسب

انقباض contraction

کوتاه شدن طول یا کاهش حجم

انقباض لانتانوئیدی
lanthanoid contraction,
lanthanide contraction

پدیده‌ای در عناصر خاک‌های کمیاب که در آن به علت وارد شدن الکترون‌ها در لایهٔ 4f عدد اتمی افزایش و شعاع اتمی عناصر سری لانتانوئید کاهش می‌یابد

اوربیتال orbital

تابعی موجی برای توصیف حالت انرژی مجاز الکترون در یک اتم یا مولکول

اوربیتال پادپیوندی antibonding orbital

فضایی که وجود الکترون در آن سبب تضعیف پیوند شود

اوربیتال پیوندی bonding orbital

فضایی که الکترون‌های پیوندی در آن قرار می‌گیرند

اوربیتال مرزی frontier orbital

هریک از دو اوربیتالی که یکی از آنها بالاترین اوربیتال مولکولی اشغال‌شده و دیگری پایین‌ترین اوربیتال مولکولی اشغال‌نشده است

اوربیتال مولکولی molecular orbital

تابع موجی بیان‌کنندهٔ موقعیت الکترون در مولکول

اوربیتال هیبریدی hybridized orbital

اوربیتالی که از ترکیب دو یا چند اوربیتال اتمی حاصل می‌شود

ایزوتوپ isotope

یکی از دو یا چند اتمی که عدد اتمی یکسان، اما عدد جِرمی متفاوت دارند

ب

باران اسیدی acid rain
بارانی که حاوی اسیدهای حاصل از واکنش‌های شیمیایی در جوّ زمین است

بار بنیادی elementary charge
بار الکتریکی الکترون؛ یکای بنیادی بارالکتریکی که برابر است با بار الکترون یا پروتون

بار قراردادی formal charge
بار فرضی موجود بر روی اتم در مولکول یا یون که بر مبنای تعداد الکترون‌های ظرفیت اتم منهای جمع تمام الکترون‌های غیرمشترک و نیمی از الکترون‌های ظرفیتِ مشترک محاسبه می‌شود

باریکهٔ مرجع reference beam
یکی از دو باریکه در دستگاه‌های طیف‌سنج دوباریکه‌ای که به‌عنوان مرجع به کار می‌رود

باز base
هر مادهٔ شیمیایی اعم از یونی یا مولکولی که بتواند از جسم دیگری پروتون بپذیرد

بازپیوندش colligation
تشکیل پیوند اشتراکی ازطریق ترکیب مجدد دو رادیکال

بازتاب reflection
بازگشت پرتو یا موج صوتی یا گرما در برخورد به سطح مشترک دو محیط

بازجوش‌آور reboiler
واحد گرمایشی کمکی برج جداسازی که گرمای بخش زیرین برج را تأمین می‌کند

بازدارندگی inhibition
کاهش سرعت یک واکنش کاتالیزشده (catalyzed reaction) با استفاده از مادهٔ بازدارنده

بازدارندگی دگرریختاری
allosteric inhibition

کاهش فعالیت کاتالیزکنندگی (catalyzing activityt) یک زی‌مایه/ آنزیم با اتصال یک عامل مؤثر در موضعی متفاوت با موضع فعال زی‌مایهٔ دگرریختار/ آنزیم دگرریختار

بازدارنده inhibitor

ماده‌ای که یک واکنش شیمیایی را متوقف می‌کند یا به تأخیر می‌اندازد

بازده پیوندزنی
grafting efficiency

در هم‌بسپارش پیوندی، نسبت مقدار تکپار پیوندخورده بر روی یک زنجیر به کل مقدار تکپار بسپارشده

باز سخت hard base

یک باز لوِیس یا دهندهٔ الکترون که قطبش‌پذیری بالا و الکتروکشانی پایین دارد و به‌آسانی اکسید می‌شود و دارای اوربیتال‌های خالی یا پایین‌تر از سطح تراز عادی است

بازلاستیک ← لاستیک احیاشده

بازینگی basicity

میزان بازی بودن یک محلول

بافر buffer

محلولی شامل یک اسید ضعیف و نمک همان اسید یا باز قوی

باکتری‌کُش bacteriocide

ماده‌ای که موجب از بین رفتن باکتری‌ها می‌شود

بالاترین اوربیتال مولکولی اشغال‌شده
highest occupied molecular orbital

اوربیتالی در یک مولکول که بالاترین تراز انرژی در صفر مطلق است

باما HUMO

بالامیدان upfield

میدان مغناطیسی قوی‌تری که برای ظاهر شدن نشانک/ سیگنال تشدید مغناطیسی هستهٔ خاص نسبت به مرجع باید اعمال شود

بالون حجم‌سنجی
volumetric flask

ظرفی آزمایشگاهی که عمدتاً برای تهیهٔ حجم‌های معینی از محلول به کار می‌رود

باما ← بالاترین اوربیتال مولکولی اشغال‌شده

برانگیخته excited

ویژگی هر سامانه که در حالت پایه نباشد

برانگیخته‌پار excimer
مولکولی دو اتمی که در سطحی بالاتر از حالت پایه قرار دارد

برانگیخته‌تافت exciplex
همتافت برانگیخته‌ای متشکل از الکترون‌دهنده و الکترون‌پذیرنده که در حالت پایه تفکیک می‌شوند

برانگیزش excitation
فرایندی که در آن اتم یا مولکول، براثر تابش الکترومغناطیسی یا برخورد، انرژی می‌گیرد و به حالتی با انرژی بیشتر می‌رود

برانگیزش برخوردی
collision excitation
فرایندی که در آن ذره‌ای باردار با اتم موجود در گاز برخورد می‌کند و تراز انرژی آن را بالا می‌برد

برانگیزنده exciting
ویژگی موج الکترومغناطیسی‌ای که موجب افزایش انرژی ذره شود

برج آکنده packed tower, packed column
برج مخصوص جذب یا جداسازی مواد، که برای افزایش سطح تماس، با ذرات ریزی پر می‌شود و در آن مایعِ درحال‌ریزش و شارهٔ بالارونده در مجاورت هم قرار می‌گیرند

برج تقطیر ← ستون تقطیر

برجذب ← برجذبش

برجذب‌اتم adatom
اتمی که بر سطح یک ماده جذب می‌شود

برجذب‌ذره adparticle
اتم یا مولکول یا خوشه‌ای از اتم‌ها یا مولکول‌ها که بر سطح بلور قرار گرفته است

برجذب سوانگاشتی
chromatographic adsorption
نوعی برجذب که در آن مواد مختلف تمایل دارند از یک جریان متحرک گاز یا مایع یعنی فاز متحرک به فاز جامد، با سرعت‌های متفاوت جذب شوند

برجذبش adsorption
چسبیدن یا گیر افتادن مولکول‌های گاز یا مایع در سطح جسم جامد یا مایع
مت. **برجذب، جذب سطحی**

برجذبش شیمیایی
← برجذب شیمیایی

برجذبش فیزیکی
← برجذب فیزیکی

برجذب شیمیایی Chemisorption, chemical adsorption

نوعی برجذبش که نیروهای جذب سطحی در آن از نوع نیروهای مؤثر در تشکیل پیوندهای شیمیایی است

مت. **برجذبش شیمیایی**

برجذب فیزیکی physisorption, physical adsorption

نوعی برجذبش که نیروهای درگیر در آن از نوع لاندن/ وان‌دروالس هستند

مت. **برجذبش فیزیکی**

برجذبنده adsorbent

ماده‌ای که مواد دیگر را برجذب می‌کند

برجذبیده adsorbate, adsorbing agent

ماده‌ای که جذب سطح مادهٔ دیگر می‌شود

برج سینی‌دار tray tower

ستونی عمودی شامل تعدادی سینی، برای ایجاد تماس بین مایع پایین‌رونده و بخار بالارونده

برخش کفی

← جزءجزء کردن کفی

برخش ← جزءجزء کردن

برخشگر fractionator

وسیله‌ای مانند ستون تقطیر که خوراک ورودی را به دو یا چند برخه یا اجزای سازنده تقسیم می‌کند

برق‌شیمی electrochemistry

شاخه‌ای از شیمی که به مطالعهٔ تغییرات شیمیایی مربوط به عبور جریان برق از درون محلول یا مذاب می‌پردازد

مت. **الکتروشیمی**

برق‌شیمیایی electrochemical

ویژگی هر پدیدهٔ شیمیایی که با عبور جریان برق سروکار داشته باشد

مت. **الکتروشیمیایی**

برق‌کاف electrolyte

ترکیبی شیمیایی که به حالت مذاب یا به‌صورت محلول در حلاّل معین، معمولاً آب، جریان برق را هدایت کند

برق‌کافت electrolysis

روشی برای انجام واکنش‌های شیمیایی با عبور دادن جریان برق از درون محلول برق‌کاف یا نمک مذاب

برق‌کافتی electrolytic

مادهٔ قابل‌تجزیه به‌وسیلهٔ جریان برق

برق‌کاف دوخصلتی ampholyte, amphoteric electrolyte

نوعی برق‌کاف که هم‌زمان دارای خاصیت اسیدی و بازی است

برگشت‌پذیر reversible
ویژگی فرایندی که توانایی برگشت داشته باشد

برگشت‌پذیری reversibility
گرایش فرایندهای طبیعی به برگشت به تعادل

برون‌دوستی exophilicity
تمایل ساختاری کل یا جزئی از یک مولکول برای خروج یا عدم نفوذ در یک فاز

برهم‌کنش اسپین ـ اسپین
spin-spin interaction
برهم‌کنشی که سبب سمت‌گیری اسپین الکترون‌ها به یکدیگر می‌شود

برهم‌کنش بینِ‌اتمی
interatomic interaction
نیروی بین اتم‌ها در بلور یا مولکول

برهم‌کنش بینِ‌مولکولی
intermolecular interaction
تأثیر متقابل دو یا چند مولکول

برهم‌کنش درون‌مولکولی
intramolecular interaction
تأثیر متقابل دو یا چند اتم یا گروه اتمی درون یک مولکول

برهم‌کنش دوقطبی ـ دوقطبی
dipole-dipole interaction
برهم‌کنش بینِ‌مولکولی یا درون‌مولکولی مولکول‌ها یا گروه‌هایی که گشتاور دوقطبی الکتریکی دائمی دارند

برهم‌کنش نانَزدآور
anagostic interaction
برهم‌کنش یک فلز سیرنشدهٔ همارای مرکزی با یکی از پیوندهای لیگاند خود که در آن شرایطی ازقبیل طول پیوند و زاویه نمی‌تواند لیگاند را به فلز مرکزی نزدیک‌تر کند

برهم‌کنش نَزدآور
agostic interaction
برهم‌کنش یک فلز سیرنشدهٔ همارای مرکزی با یکی از پیوندهای لیگاند خود که در آن، لیگاند به فلز مرکزی نزدیک‌تر می‌شود

بسامد بهنجار
normal frequency
بسامد ارتعاش‌های طبیعی هر سامانه یا سازه

بَسپار polymer
درشت‌مولکولی که از مولکول‌های ساده با جِرم مولکولی کم ساخته شود
مت. پلیمر

بسپار آرایشمند tactic polymer
بسپاری با ساختار فضایی منظم

بسپار آویزیونی
pendant ionic polymer

بســـپاری یـــونی کـــه در آن یـــون پیوندخورده از زنجیرهٔ اصـلی آویـزان است

بسپار افزایشی
addition polymer

بسپاری کـه بـا افـزایش مولکـول‌هـای تکپار سیرنشده به یکدیگر بدون تشکیل فراوردهٔ جانبی به وجود آید

بسپار بی‌آرایش
atactic polymer

بسپاری که واحـدهای تکرارشـوندهٔ آن در طول زنجیر آرایش یکسانی ندارند

بسپار تک‌سوآرایش
isotactic polymer

بسپاری که دست‌کم یکی از گـروه‌هـای واحـد تکرارشـوندهٔ زنجیـر آن در یـک طـرف زنجیـر قـرار گرفتـه اسـت و پیکربندی یکسانی دارد

بسپار دوسوآرایش
syndiotactic polymer

بســـپاری کـــه گـــروه‌هـــای جـــانبی تکرارشوندهٔ آن به‌صـورت متنـاوب در طرفین زنجیر، یعنی بالا و پایین صفحهٔ زنجیر، قرار دارند

بسپار زیا living polymer

بسپاری که مواضع فعال بسـپارش آن با وجود مصـرف شـدن همـهٔ تکپارهـا باقی می‌مانند

بسپار زیست‌چسب
bioadhesive polymer

مادهٔ بسپاری طبیعی که توانایی اتصال به سطح بافت‌های زنده را دارد
مت. **بسپار زی‌چسب**

بسپار زی‌چسب
← بسپار زیست‌چسب

بسپارش polymerization

۱. عمل به هم پیوستن دو یا چند تکپـار برای تولید یـک بسـپار ۲. هـر واکـنش شیمیایی که سبب به هم‌پیوستگی دو یا چند تکپار شود

بسپارش‌پذیر polymerizable

ماده‌ای با قابلیت بسپار شدن

بسپارش پُفکی
popcorn polymerization

جـــدا شـــدن ذرات بســـپار کوچـــک و غیرشفاف در هنگام بسپارش رادیکالی

بسپارش تعلیقی
suspension polymerization, proliferous poly merization

بسپارشی که در آن تکپارها بـه‌وسـیلهٔ همـزن مکـانیکی در فـاز مـایع پراکنـده می‌شوند

بسپارش توده‌ای
bulk polymerization, mass polymerization

بسپارشی که در آن فقط تکپار و آغازگر بسپارش شرکت دارند

بسپارش حلقه‌گشا
ring-opening polymerization

بسپارشی که ازطریق گشوده شدن یک تکپار حلقوی انجام می‌شود و درنتیجه بسپاری به دست می‌آید که واحدهای تکراری آن با اتصالاتی یکسان به هم وصل شده‌اند

بسپار شدن polymerize[1]

به هم پیوستن دو یا چند تکپار برای تولید یک بسپار

بسپارش فضاویژه
stereospecific polymerization

فرایندی که به تشکیل بسپاری با مرتبهٔ معینی از آرایش مولکول‌ها در فضا، مانند پلی‌پروپیلن تک‌سوآرایش، منجر می‌شود

بسپارش گرمایی
thermal polymerization, self initiation polymerization

بسپارشی که بدون استفاده از آغازگر و فقط با گرما آغاز می‌شود

بسپارش میانایی
interfacial polymerization

نوعی بسپارش مرحله‌ای که در فصل مشترک یک محلول آبی از یک تکپار و یک فاز آلی امتزاج‌ناپذیر از تکپاری دیگر رخ می‌دهد

بسپارش نامیزه‌ای
emulsion polymerization

نوعی واکنش بسپارش که در یکی از فازهای یک نامیزه انجام می‌شود

بسپارش یونی
ionic polymerization

نوعی فرایند بسپارش که در آن یون‌ها مراکز فعال درحال‌رشد هستند

بسپار کردن polymerize[2]

به هم پیوسته کردن دو یا چند تکپار برای تولید یک بسپار

بسپار گرماسخت
thermosetting polymer

بسپاری با وزن مولکولی کم یا زیاد که می‌توان با پخت یا شبکه‌ای کردن آن، پلاستیک شبکه‌ای یا لاستیک ولکانیده به دست آورد

بسپار یونی ionic polymer, polyion

بسپاری که در طول زنجیر خود بارهای ایستابرقی/ الکترواستاتیکی دارد که با بارهای یون‌های مخالف خنثی می‌شوند

بس‌پراکندگی polydispersity

پهنای توزیع وزن مولکولی یک بسپار

متـ. **شاخص بس‌پراکندگی**

polydispersity index, polymolecularity index

بس‌پراکنده polydisperse

ویژگی بسپاری که مولکول‌های آن وزن‌های مولکولی متفاوت دارند

بِشِر beaker

ظرف استوانه‌ای بلند و دهان‌گشاد لبه‌دار با دیوارهٔ نازک

بلور crystal

عنصر یا ترکیب شیمیایی جامد همگن با آرایش اتمی منظم که ممکن است شکل آن نیز از سطوح هندسی منظم تشکیل شده باشد

بلور تنگ‌چین

close-packed crystal

ساختاری بلوری متشکل از لایه‌های موازی که در هر لایهٔ آن یک اتم با شش اتم همسان در تماس است

متـ. **شش‌گوش تنگ‌چین**

closed-packed hexagona

بلورشناختی ← بلورنگاشتی

بلورشناسی ← بلورنگاری

بلورک crystallite

جسم بسیار ریزی با ترکیب کانی‌شناختی نامشخص که شکل بلوری آن کامل نشده باشد و نور را قطبیده نکند؛ این اجسام نشان‌دهندهٔ مرحلهٔ آغازین بلوری شدن ماگما یا شیشه هستند

بلور مکعبی تنگ‌چین

cubic close-packed crystal

آرایش خاصی از چهار لایهٔ تنگ‌چین که می‌توان آن را به ساختار مکعبی مرکزوجهی تبدیل کرد

بلورنگاری crystallography

مطالعه و بررسی بلورها، شامل نحوهٔ شکل‌گیری و ساختار و ویژگی‌های فیزیکی و طبقه‌بندی براساس شکل

متـ. **بلورشناسی**

* بلورشناسی مصوب فرهنگستان اول است

بلورنگاشت crystallogram

تصویر نقش پراش پرتوهای ایکس در یک بلور

بلورنگاشتی crystallographic

مربوط به بلورنگاری یا بلورشناسی

متـ. **بلورشناختی**

بلوروار crystalloid

بلوری بسیار ریز که نور را قطبیده کند، اما شکل بلوری یا خواص نوری قابل‌تشخیص نداشته باشد

بلورین crystalline
مربوط یا شبیه به بلور یا مرکب از بلورها

بلورینگی crystallinity
میزان جهت‌گیری زنجیره مولکول‌های بی‌نظم در طول زنجیره بسپار به‌صورت طرح‌های تکرارشَونده که کم‌وزیاد بودن آن بر استحکام و سختی و انعطاف‌پذیری در دمای پایین و مقاومت گرمایی بسپار اثر می‌گذارد

بِنزول gasohol
مخلوطی از اتانول و بنزین

بهره yield
نسبت درصد محصول به‌دست‌آمده از یک واکنش به مقدار نظری محاسبه‌شدهٔ آن

بهرهٔ نوری optical yield
نسبت خلوص نوری محصول واکنش به خلوص نوری واکنش‌دهنده یا پیش‌ماده (precursor) یا کاتالیزگر (catalyst)، در آن دسته از واکنش‌های شیمیایی که شامل محصولات و واکنش‌دهنده‌های دستوار هستند

بهساز builder
نوعی افزودنی که در شوینده‌ها به کارمی‌رود تا قدرت تمیزکنندگی عاسف (عامل سطح‌فعال) را افزایش دهد

بی‌تقارنی asymmetry
وضعیتی که در آن جسم هیچ نظمی ندارد و با هیچ عنصر تقارنی، مانند نقطه و محور و صفحه، نمی‌توان بخشی از آن را متناظر با بخش دیگری در نظر گرفت

بیش‌پختگی overcure
حالتی ناشی از پخت مجدد نمونه یا قرار گرفتن آن در دمای خیلی زیاد یا دمای مناسب اما طولانی‌مدت، که به کاهش مقاومت محصول در برابر پیرشدگی منجر می‌شود

بیش‌ولتاژ overvoltage, overpotential
ولتاژی بیشتر از حد متعارف یا ازپیش‌تعیین‌شده که سامانه برای عمل کردن به آن نیاز دارد

بی‌نظمی disorder
انحراف از ساختار منظم در اشغال مواضع شبکه در بلوری که بیشتر از یک عنصر دارد

بینِ‌مولکولی intermolecular
ویژگی هر پدیده‌ای که شامل انتقال یا برهم‌کنش بین دو یا چند واحد مولکولی است

بینِ‌هالوژنی interhalogen
ویژگی ترکیبی شیمیایی که بین دو هالوژن شکل می‌گیرد

پ

پاداُزوننده anti-ozonant

ترکیبی شیمیایی که مانع تخریب مواد براثر گاز اُزون موجود در هوا می‌شود یا فرایند تخریب مواد را کند می‌کند

پاداُکسنده antioxidant

ماده‌ای بازدارنده برای جلوگیری از اُکسایش

پاداُکسندهٔ غیرلکه‌زا
nonstaining antioxidant

پاداکسنده‌ای که بسپار یا مادهٔ مجاور بسپار را که از آن محافظت می‌کند، چه در ابتدا و چه پس از تخریب، رنگی نمی‌کند

پاداُکسندهٔ لکه‌زا
staining antioxidant

پاداکسنده‌ای که محصولات اکسایش آن رنگی و اغلب زرد است و بنابراین باعث رنگی شدن بسپار یا مادهٔ مجاور بسپاری می‌شود که از آن محافظت می‌کند

پادساعت‌گَرد counterclockwise

ویژگی آنچه حرکت آن در جهت مخالف حرکت عقربه‌های ساعت است

پادفِرّومغناطیس
antiferromagnetism

خاصیت برخی مواد مغناطیسی که در آنها گشتاورهای مغناطیسی اتمی پادموازی هستند و همدیگر را خنثی می‌کنند

پادفرّومغناطیسی
antiferromagnetic

مربوط به خاصیت مواد پادفرّومغناطیس

پادمتقارن antisymmetric

ویژگی تابعی که اگر متغیر آن تغییر علامت دهد، خود تابع نیز تغییر علامت می‌دهد

پارچهٔ صافی filter cloth
پارچه‌ای که با آن عمل صافش انجام می‌شود

پاشش dispersion[1]
تجزیهٔ بسامدهای گوناگون موج مرکب به مؤلفه‌های آن براثر سرعت‌های متفاوت موج در محیط انتشار

پاک‌سازی purging
جانشین کردن ماده‌ای به جای مادهٔ درون یک محفظه به‌نحوی‌که محفظه عاری از مادهٔ اولیه شود

پاک‌سازی‌شده purged
در فرایندهایی نظیر قالب‌گیری تزریقی، ویژگی استوانکی که محتوای آن به بیرون پرانده شده است تا مواد ناخواسته را از استوانک بزداید

پالایش refining
زدودن ناخالصی‌ها از ترکیبات شیمیایی یا استخراج مواد از مخلوط‌ها

پالایشگاه refinery
سامانه‌ای برای پالایش موادی مثل نفت خام و گاز طبیعی

پالایش گریزانه‌ای
centrifuge refining
جداسازی جامدها یا ذرات ریز از حامل‌های مایع، به‌وسیلهٔ گریزانه

پاما ← پایین‌ترین اوربیتال مولکولی اشغال‌نشده

پایانش termination
مرحلهٔ اتمام واکنش زنجیری در پی غیرفعال شدن یا از بین رفتن واسطهای واکنشگر

پایدارکنندهٔ کف
foaming agent,
foam booster, foamer,
whipping agent,
aerating agent
هر ماده‌ای که به پایداری کف کمک کند

پایین‌ترین اوربیتال مولکولی اشغال‌نشده
lowest unoccupied molecular orbital
اوربیتالی در یک مولکول که پایین‌ترین تراز انرژی خالی در صفر مطلق است
مترـ. **پاما** LUMO

پایین‌میدان downfield
میدان مغناطیسی ضعیف‌تری که برای ظاهر شدن نشانک/ سیگنال تشدید مغناطیسی هستهٔ خاص نسبت به مرجع باید اعمال شود

پتانسیل شیمیایی الکترونی
electronic chemical potential
کمیتی که تمایل الکترون‌ها را به گریز از گونه‌ها در حالت پایه نشان می‌دهد

پتانسیل نیم‌پیل half-cell potential

در پیل‌های الکتروشیمیایی، پتانسیل الکتریکی حاصل از واکنش کلی پیل که می‌توان آن را به‌صورت حاصلِ‌جمع پتانسیل‌های دو نیم‌پیل مربوط به آند و کاتد در نظر گرفت

پتروشیمی petrochemistry

شاخه‌ای از شیمی که به مطالعهٔ تغییرات فراورده‌های نفتی و گاز طبیعی و تبدیل آنها به فراورده‌های مفید و مواد اولیه صنایع شیمیایی می‌پردازد

پخت[۱] curing[1]

فرایندی شیمیایی که در آن بسپارها یا چندپارها به هم متصل می‌شوند تا شبکه‌ای بسپاری تشکیل دهند

پخت[۲] ← ولکانش

پخت تکمیلی ← پس‌پزی

پخت ناقص ← ناپختگی

پذیرنده acceptor

ویژگی گونه‌ای شیمیایی که زوج‌الکترون می‌گیرد

پراکنش dispersion[2], dispersing

فرایندی که در آن ذرات یک ماده در ماده‌ای دیگر پراکنده می‌شود

پراکنش‌یار ← عامل پراکنش

پراکنه dispersion[3]

سامانه‌ای دوفازی که فاز پراکندهٔ آن به‌صورت ذرات کوچک در فاز پیوسته توزیع می‌شود

پراکنهٔ آبی aqueous dispersion

پراکنه‌ای که فاز پیوستهٔ آن آب همراه یا بدون مواد حل‌شده در آن است

پراکنهٔ غیرآبی non-aqueous dispersion

پراکنه‌ای که در آن یک بسپار در مایعی آلی و فرّار، که حلاّل بسپار نیست، توزیع می‌شود

پرتوزا radioactive

ویژگی ماده‌ای که از خود یک یا تعدادی از تابش‌های آلفا و بتا و گاما را نشر دهد

پرتوزایی radioactivity

خاصیت موادی که تابش‌های آلفا و بتا و گاما را نشر دهند

پرتوشیمی radiochemistry

شاخه‌ای از شیمی که در آن به مطالعهٔ ترکیبات پرتوزا و یونش می‌پردازند

پرتوکافت radiolysis

استفاده از تابش‌های یونده برای ایجاد واکنش‌های شیمیایی

پرروغن long oil
ویژگی رزینی که محتوای روغن آن زیاد است

پروتگان proteome, protein-genome
مجموعهٔ کامل پروتئین‌های موجود در یک یاخته یا اندامک یا زیریاخته یا زیراندامک و جز آن در زمانی معین

پروتگان‌شناسی proteomics
دانش بررسی و مطالعهٔ پروتگان

پروتون‌دار شدن protonation[1]
افزوده شدن یک پروتون به یک گونهٔ شیمیایی

پروتون‌دار کردن protonation[2]
افزودن یک پروتون به یک گونهٔ شیمیایی

پس‌پزی postcuring
مرحلهٔ نهایی پخت برخی از محصولات متـ. **پخت تکمیلی**

پس‌پیوندش backbonding, back donation
فرایندی که در آن الکترون‌ها از یک اوربیتال اتمی در یک اتم به اوربیتال پادپیوندی پی در اتمی دیگر یا لیگاند حرکت می‌کنند

پلاستیک پودری powdered plastic
رزین یا پلاستیکی به‌صورت پودر بسیار ریز که در پوشانش بسترسیال و قالب‌گیری چرخشی و دیگر روش‌های تفجوشی به کار می‌رود

پُلُغ زدن bumping
جوشش ناگهانی یک مایع براثر گرمایش شدید که در نتیجهٔ آن حباب‌هایی شکل می‌گیرد که فشاری بیش از فشار جوّ دارند

پل نمک salt bridge
پلی از محلول یک نمک، معمولاً پتاسیم‌کلرید، که بین دو نیم‌پیل از یک پیل گالوانی قرار داده می‌شود

پلی‌اتیلن بسیارکم‌چگالی very low density polyethylene, VLDPE
پلی‌اتیلن با چگالی ۰/۹۰۰ تا ۰/۹۱۵ g/cm^3

پلی‌اتیلن پرچگالی high-density polyethylene, HDPE
پلی‌اتیلن با چگالی ۰/۹۴۰ تا ۰/۹۶۰ g/cm^3

پلی‌اتیلن فراسنگین ultra high molecular weight polyethylene, UHMWPE
پلی‌اتیلن خطی‌ای که با بسپارش زیگلر–ناتا تولید می‌شود و دارای میانگین وزن مولکولی بین ۱ تا ۵ میلیون است

پلی‌اتیلن فراکم‌چگالی
ultra low density polyethylene, ULDPE

هم‌بسپاری اتیلنی با هم‌تکپارهای الفینی سنگین‌تری نظیر ۱ــ بوتن و ۱ــ اکتن با چگالی در حدود ۸۶۰/ تا ۹۰۰/ g/cm^3

پلی‌اتیلن کم‌چگالی
low-density polyethylene, LDPE

پلی‌اتیلن با چگالی حدود ۹۱۲۰/ تا ۹۲۵۰/ g/cm^3

پلی‌اتیلن میان‌چگالی
medium-density polyethylene, MDPE

پلی‌اتیلن با چگالی ۹۲۵٪ تا ۹۴۰٪ g/cm^3

پلیمر ← بَسپار

پنبهٔ نسوز asbestos

کانی سیلیکاتی لیفی‌شکلی که در برابر گرما مقاوم و ازنظر شیمیایی بی‌اثر است

پودر پوشانش
powder coatings, powder coating material, coating powders

نوعی مادهٔ پوششی صددرصد جامد که به‌صورت پودر خشک به کار می‌رود و پس از پخت در دمای بالا ذوب می‌شود و فیلم (film) پیوسته‌ای تشکیل می‌دهد

پوشانش coating

فرایند تشکیل دادن پوشه بر سطح

مترـ **پوشش‌دهی**

پوش‌رنگ paint

پراکنه‌ای از رنگ‌دانه در محملی رزینی که پس از پوشانش سطح و خشک یا پخته شدن، فیلم (film) جامدی ایجاد می‌کند

پوش‌رنگ رسانا
conducting paint

ماده‌ای پوششی که به دلیل دارا بودن رنگ‌دانه‌های فلزی یا کربنی رسانا، فیلم (film) رسانای الکتریکی ایجاد می‌کند

پوش‌رنگ روغن‌پایه oil paint

ماده‌ای پوششی که روغن خشک‌شونده یا ورنی روغنی یا رزین اصلاح‌شده با روغن، جزء تشکیل‌دهندهٔ فیلم (film) آن است

پوش‌رنگ مقاوم‌به‌اسید
acid-resistant paint

ماده‌ای پوششی که در شرایط معینی در برابر اسید مقاوم است

پوش‌رنگ مقاوم‌به‌قلیا
alkali-resistant paint

ماده‌ای پوششی که در شرایط معینی در برابر مواد قلیایی مقاوم است

پوشش تبدیلی شیمیایی chemical conversion coating

پوشش غیرفلزی حفاظتی یا تزیینی سطح فلز که براثر واکنش شیمیایی یک فلز با محیطی خاص ایجاد می‌شود؛ این پوشش را معمولاً پیش از مادهٔ پوششی آلی می‌نشانند

پوشش‌دهی ← پوشانش

پویایی‌شناسی مولکولی molecular dynamics

شاخه‌ای از شیمی‌فیزیک که موضوع آن بررسی سازوکارهای مولکولی آن دسته از فرایندهای ابتدایی فیزیکی و شیمیایی است که سرعت واکنش را واپایش می‌کنند

مترـ **دینامیک مولکولی**

پیپت pipette

لوله‌ای مدرج که برای برداشتن حجم معینی از مایعات به کار رود

پیش‌بسپار prepolymer

مولکولی پیش‌ساخته با ساختار و جرم مولکولی مشخص و آماده برای بسپار شدن

پیش‌بسپار کاتوره‌ای random prepolymer

پیش‌بسپاری که از واکنش مخلوطی از تکپارها (که معمولاً یکی از آنها شمارِ عاملیِ بزرگ‌تر از دو دارد) ازطریق بسپارش مرحله‌ای به دست می‌آید، اما این واکنش را می‌توان پیش از تشکیل شبکه و ژل شدن با سرد کردن متوقف کرد

پیش‌دستوار prochiral

ویژگی مولکولی نادستوار که قابلیت تبدیل شدن به یک مولکول دستوار را در یک مرحلهٔ بی‌تقارن‌سازی دارد

پیش‌دستوارگی prochirality

خاصیت هندسی یک مولکول نادستوار که قابلیت تبدیل شدن به یک مولکول دستوار را در یک مرحلهٔ بی‌تقارن‌سازی دارد

پیکربندی configuration

ترتیب یا نحوهٔ قرار گرفتن اتم‌ها یا گروه‌ها در یک مولکول

پیل cell[1]

وسیله‌ای شامل محلول برق‌کاف و دو الکترود که ولتاژ معینی تولید می‌کند

پیل سوختی fuel cell

نوعی پیل گالوانی که در آن براثر اُکسید شدن سوختی مثل متانول، برق تولید می‌شود

پیل غلظتی concentration cell

پیل برق‌کافتی که در آن اجزای دو محفظهٔ آند و کاتد یکسان است، اما غلظت‌های متفاوت دارند

پیل قطبش‌نگاشتی
polarographic cell

ابزاری برای تجزیهٔ قطبش‌نگاشتی یک محلول برق‌کاف

پیل گالوانی galvanic cell

نوعی پیل برق‌کافتی که با واکنش شیمیایی انرژی الکتریکی تولید می‌کند

پیوند bond

جاذبه‌ای که اتم‌های یک مولکول را متصل به هم نگه دارد

پیوند اشتراکی covalent bond

پیوندی که در آن هریک از اتم‌های شرکت‌کننده در پیوند، یک الکترون به اشتراک می‌گذارد

پیوند اشتراکی یک‌سویه
covalent coordinate bond

پیوندی که در آن زوج‌الکترونِ پیوندی، تنها به‌وسیلهٔ یکی از اتم‌های شرکت‌کننده در پیوند تأمین می‌شود

پیوند پی π-bond

پیوند شیمیایی حاصل از هم‌پوشانی جانبی اوربیتال‌های اتمی

پیوند چندمرکزی
multicenter bond

پیوندی بین سه اتم و گاهی بیشتر که تنها شامل یک زوج‌الکترون است

پیوند چهارمرکزی دوالکترونی
four-center two-electron bond

نوعی پیوند شیمیایی چندمرکزی که در آن چهار اتم، دو الکترون را میان خود به اشتراک می‌گذارند

پیوند سه‌گانه triple bond

پیوندی که از اشتراک سه زوج الکترون، بین دو اتم به وجود می‌آید

پیوند سه‌مرکزی
three-center bond

نوعی پیوند در مولکولی که بین سه اتم آن یک زوج الکترون مشترک است

پیوند سه‌مرکزی چهارالکترونی
three-center four-electron bond

نوعی پیوند شیمیایی چندمرکزی که در آن سه اتم، چهار الکترون را میان خود به اشتراک می‌گذارند

پیوند سه‌مرکزی دوالکترونی
three-center two-electron bond

نوعی پیوند شیمیایی چندمرکزی که در آن سه اتم، دو الکترون را میان خود به اشتراک می‌گذارند

پیوند سیگما sigma bond

پیوند شیمیایی حاصل از هم‌پوشانی سربه‌سر اوربیتال اتمی

پیوند ظرفیت valence bond

پیوندی که میان الکترون‌های دو یا چند اتم تشکیل می‌شود

پیوند فلزی metallic bond

نوعی پیوند شیمیایی که در تمام فلزها وجود دارد و حاصل دریایی از الکترون‌های ظرفیت است که به‌طور آزاد در سراسر شبکهٔ فلزی در حرکت‌اند

پیوند نامستقر
delocalized bond

نوعی پیوند مولکولی که در آن چگالی الکترون بین چندین اتم یا بر روی کل مولکول پخش شده است

پیوندە binder

رزین یا مادهٔ چسبناکی که از آن برای نگه داشتن ذرات در کنار هم و ایجاد یکنواختی و استحکام مکانیکی و پیوند آنها به سطح استفاده می‌شود

پیوندهای دوگانهٔ مجزا
isolated double bonds

پیوندهای دوگانه‌ای که فاصلهٔ بین کربن‌های حامل آنها بیش از یک پیوند ساده است

پیوندهای دوگانهٔ هم‌جوار
cumulated double bonds,
cumulative double bonds
twinned double bonds

پیوندهای دوگانه‌ای که دست‌کم سه کربن پشت‌سرهم را در یک ساختار به هم پیوند می‌دهند

پیوند هیدروژنی
hydrogen bond

نوعی برهم‌کنش ایستابرقی/الکترواستاتیکی میان مولکول‌هایی که در آن، اتم هیدروژن به اتم الکترون‌کشان متصل شده است

پیوند یکسویه dative bond,
coordinate bond,
coordinate valence

پیوند شیمیایی بین دو اتم که در آن، یکی از دو اتم، زوج الکترون مشترک را تأمین می‌کند

پیوند یونی ionic bond

نوعی پیوند شیمیایی که در آن یک یا چند الکترون به‌طور کامل از یک اتم به اتم دیگر منتقل می‌شوند

ت

تابش‌پزی radiation curing
ایجاد اتصال عرضی و پخت بسپاری به‌کمک تابش فرابنفش یا ریزموج یا باریکه‌های الکترونی

تاف ← ترکیبات آلی فرّار

تبادل ایزوتوپ
isotope exchange
واکنشی شیمیایی که در آن فراورده‌ها و واکنش‌دهنده‌ها ازنظر شیمیایی یکسان، ولی ازنظر ترکیب‌بندی ایزوتوپی متفاوت هستند

تبادلگر یون ion exchanger
ماده‌ای جامد یا مایع متشکل از یون‌های مثبت و منفی که با یون‌های مشابه قابل مبادله است

تبادل یون ion exchange
تعویض یون‌های آزاد یک محلول با یون‌های هم‌بار موجود در یک جامد یا مایع

تبخیر vaporization
تبدیل شدن مایع به گاز یا بخار، براثر افزایش دما یا کاهش فشار محیط یا ترکیبی از این دو فرایند

تبخیرکُن چرخان
rotary evaporator, rotavap
دستگاهی برای خارج کردن آرام و مؤثر مقدار زیادی حلاّل فرّار از محلول یک ترکیب آلی که داخل ظرفی چرخان قرار گرفته است، به روش تبخیر در فشار کاهیده

تبخیر واگشتی
retrograde evaporation
تبخیر فاز مایع یک مخلوط هیدروکربن در ناحیهٔ بحرانی و در تماس با فاز بخار آن، هنگامی که فشار در دمای ثابت افزایش یابد یا دما در فشار ثابت کاهش یابد

تبدیل[۱] conversion

۱. تغییر شیمیایی واکنش‌دهنده‌ها به فراورده‌ها ۲. تغییر شکل همپارها به یکدیگر

تبدیل[۲] reforming

فرایندی که در آن نفت به فراورده‌های فرّارتر که عدد اکتان بالاتری دارند تغییر یابد

تبدیلگر reformer

دستگاهی که فرایند تبدیل در آن صورت گیرد

تثبیت نیتروژن
nitrogen fixation,
dinitrogen fixation

تبدیل نیتروژن جوّ به یک ترکیب مفید ازطریق فرایندهای شیمیایی یا قوس الکتریکی

تجزیه decomposition

واکنشی که در آن از یک واکنش‌دهنده دو یا چند فراورده پدید آید

تجزیهٔ دستگاهی
instrumental analysis

اندازه‌گیری یک جزء سازنده یا آشکارسازی یک واکنش کمّی یا تغییر در خواص یک سامانه با استفاده از سنج‌افزار

تجزیهٔ قطبش‌نگاشتی
polarographic analysis

نوعی الکتروتجزیه (electroanalysis) که در آن جریان را در پیل برق‌کافتی به‌صورت تابعی از پتانسیل اعمالی می‌سنجند

تجزیهٔ یون‌ریزکاوندی
ion-microprobe analysis

روشی برای تعیین ترکیب‌درصد سطح جامدات که در آن نمونه با یک باریکهٔ نازک (حدود ۲ میکرومتر قطر) از یون‌های پرانرژی بمباران می‌شود و یون‌های کنده‌شده و پرتاب‌شده از سطح با طیف‌سنجی جِرمی شناسایی می‌شوند

تجمع association

تلفیق مولکول‌های یک ماده با یکدیگر یا با مواد دیگر برای شکل‌دهی گونه‌های شیمیایی‌ای که با نیروهایی ضعیف‌تر از پیوندهای شیمیایی گرد هم آمده‌اند

تخمیر سرکه‌ای
acetic fermentation

اکسایش الکل و تبدیل آن به استیک‌اسید به‌وسیلهٔ استوباکتر (acetobacter)

تراز ارتعاشی vibrational level

تراز انرژی هستهٔ اتم که ناشی از نوسان نوکلئون‌های درون هسته است متـ. **حالت ارتعاشی** vibrational state

تراز انرژی energy level
مقدار مجاز انرژی سامانهٔ کوانتومی

تراز پایه ← حالت پایه

ترازو balance[1]
دستگاهی برای اندازه‌گیری جرم یا وزن

تراشهٔ رنگ‌دانه‌ای pigment chip
پراکنهٔ غلیظی از رنگ‌دانه در بسپار به شکل تراشه

تراکم‌پذیری compressibility
قابلیت تغییر حجم براثر تغییر فشار

تراوش permeation
عبور مولکول‌ها یا اتم‌ها یا یون‌ها از محیط متخلخل یا تراوا

تراوش تبخیری pervaporation
نوعی جداسازی غشایی که در آن محلول در تماس با غشای نیم‌تراوا قرار می‌گیرد و جزء سازندهٔ معینی از محلول براثر تبخیر از آن عبور می‌کند

تراوشگر permeator
دستگاهی غشایی که عمل تراوش در آن انجام می‌شود

تراوندگی permeance
شار تراوش براساس واحد نیروی محرکه

تراویده permeate
شاره‌ای که در فرایند صافش غشایی، از غشا خارج می‌شود

ترکیب compound[2], chemical compound
جسمی متشکل از دو یا چند عنصر در نسبت‌های معین که با هم پیوند شیمیایی داشته باشند

ترکیب آلی‌فلزی
organometallic compound
ترکیبی که در آن پیوند کربن- فلز وجود دارد

ترکیبات آلی
organic compounds
ترکیب‌هایی که بر زنجیرها یا حلقه‌های کربن استوارند و هیدروژن و در مواردی اکسیژن یا نیتروژن یا عنصر دیگری را در بر دارند

ترکیبات آلی فرّار
volatile organic compounds
مواد شیمیایی آلی که در دما و فشار معمولی به‌آسانی تبخیر می‌شوند
VOCs /ختـ .تاف

ترکیبات هم‌رده
homologous compounds
دسته‌ای از ترکیب‌های آلی که تفاوت هریک از آنها با ترکیب بلافصل خود در یک واحد CH_2 است

ترکیب با کمبود الکترون
electron-deficient compound

ترکیبی که در آن برای تشکیل پیوندهای شیمیایی، الکترون‌های کمتری، در مقایسه با آنچه لازم است، وجود دارد

ترکیب‌بندی composition

انواع و مقدار اجسام ساده‌تری که یک ماده را تشکیل دهند

ترکیب حلقه‌کربنی
carbocyclic compound

ترکیبی حلقوی که تمام اتم‌های حلقهٔ آن کربن‌اند

ترکیب خطی اوربیتال‌های اتمی linear combination of atomic orbitals, LCAO

استفاده از عملیات ریاضی در ساخت تابع‌های موجی برای اوربیتال‌های مولکولی که در آن اوربیتال‌های مولکولی از اوربیتال‌های اتمی به دست می‌آید

ترکیب خوشه‌ای
cluster compound

ترکیبی که در آن گروهی از اتم‌های فلز به‌وسیلهٔ پیوندهای فلز- فلز به یکدیگر متصل می‌شوند

ترکیب درون‌شبکه‌ای
interstitial compound

ترکیبی که در آن یون‌ها یا اتم‌های یک مادهٔ نافلز فضاهای خالی حفره‌گون را در شبکهٔ بلوریِ فلز پر می‌کنند

ترکیب درون‌گیر
inclusion compound

ترکیبی که در آن گونهٔ مهمان از هر طرف در احاطهٔ گونه‌های تشکیل‌دهندهٔ شبکهٔ بلور است

ترکیب دوتایی
binary compound

ترکیبی متشکل از دو عنصر که هریک از آنها ممکن است یک یا چند اتم داشته باشند

ترکیب ساندویچی
sandwich compound

همتافتی که در آن یون فلز واسطه بین دو لیگاند مسطح قرار می‌گیرد و با آنها ازطریق چگالی الکترون `پی تشکیل پیوند می‌دهد

ترکیب قفسی cage compound, clathrate

ترکیبی چندحلقه‌ای که به شکل قفس است

ترکیب نم‌گیر
hygroscopic compound

ماده‌ای که قابلیت جذب آب از هوای محیط را دارد

ترکیب نیم‌ساندویچی
half-sandwich compound

همتافتی که در آن یون فلز واسطه فقط با یک لیگاند مسطح ازطریق چگالی الکترون پی تشکیل پیوند می‌دهد و دیگر لیگاندهای متصل به فلز، یک یا دودندانه هستند و با فلز تشکیل پیوند سیگما می‌دهند

ترکیب هم‌آرا
coordination compound

ترکیبی که یک فلز و هستهٔ مرکزی آن و تعدادی یون یا گروه‌های مولکولی، لیگاند آن باشند

تسهیم نامتناسب
disproportionation

جابه‌جایی اتم‌ها یا الکترون‌های ظرفیتِ بین اتم یا یون‌های یکسان به‌گونه‌ای‌که محصولات متفاوت حاصل شود

تشخیص مولکولی
molecular recognition

تشخیص یک مولکول یا اتم به وسیلهٔ مولکول دیگر و پاسخ‌دهی مولکول اول به مولکول تشخیص داده شده

تشدید resonance[1]

فرایندی که در آن بسامد تابش الکترومغناطیسی حاصل از یک منبع با بسامد جهش‌های الکترونی یا مغناطیسی یک نمونه مطابقت کند

تشدید پادفِرّومغناطیسی
antiferromagnetic resonance

تشدید مغناطیسی در مواد پادفِرّومغناطیسی هنگامی که در میدان مغناطیسی چرخان قرار می‌گیرند

تشدید مغناطیسی هسته
nuclear magnetic resonance

پدیده‌ای که در آن بعضی از هسته‌ها در میدان مغناطیسی ایستا انرژی مربوط به میدان بسامد رادیویی را در بسامدهای مشخصی جذب می‌کنند

تشکیل پیوند bonding

اتصال اتم‌ها به هم برای تشکیل مولکول یا نمک بلورین

تصعید sublimation

تبدیل شدن جامد به گاز یا بخار

تعادل شیمیایی
chemical equilibrium

شرایطی که در آن سرعت رفت یک واکنش شیمیایی با سرعت برگشت آن برابر است

تعادل فازی phase equilibria

ارتباط تعادلی بین فازهای مختلف یک مادهٔ شیمیایی در فشار و دما و ترکیب‌بندی‌های مختلف

تعادل گرمایی
thermal equilibrium

حالتی که در آن دمای تعادل اجزای سامانه، یکسان و با دمای محیط سازگار باشد

تعلیق suspension[1]

فرایند اختلاط ذرات ریز جامد یا مایع در یک مایع یا گاز به‌صورت معلق

تعلیقه suspension[2]

مخلوطی از ذرات ریز جامد یا مایع که در یک مایع یا گاز معلق باشد

تعیین مقدار ← مقدارسنجی

تغییرپذیری lability

کیفیتی ناظر بر سهولت جانشینی گروه‌های متصل در همتافت‌ها و مولکول‌ها

تَف‌بسپار pyropolymer

بسپاری که از تَف‌کافت یک بسپار پیش‌ماده (precursor) حاصل می‌شود

تَف‌سنج pyrometer

سنج‌افزاری برای اندازه‌گیری دما به‌خصوص زمانی که دما فراتر از محدودهٔ دماسنج‌های جیوه‌ای باشد

تَف‌سنجی pyrometry, pyrometrics

اندازه‌گیری دماهای زیاد با توجه به تابش گسیل‌شده به‌کمک تَف‌سنج

تفکیک dissociation

جدا شدن اجزای یک مولکول به‌طور خودبه‌خود یا براثر تابش

تقارن تبادلی
exchange symmetry

تقارنی که به موجب آن نتیجهٔ عمل تبدیل، برگشتن به پیکربندی اولیه است

تقطیر برخشی

← تقطیر جزءجزء

تقطیر پیوسته
continuous distillation

یکی از روش‌های جداسازی که در آن خوراک به‌طور پیوسته به ظرف وارد می‌شود و جوش می‌آید تا تقطیر شود

تقطیر جزءجزء
fractional distillation

جداسازی اجزای محلول با تقطیر

مترـ **تقطیر برخشی**

تقطیر غشایی
membrane distillation

نوعی فرایند تقطیر که در آن فازهای مایع و گاز با غشای متخلخل از هم جدا می‌شوند

تقطیر فشاری
pressure distillation
فرایند تقطیری که در فشاری بیشتر از فشار جوّ انجام شود

تقطیرگر stillman
متصدی دستگاه تقطیر

تقطیر مولکولی
molecular distillation
فرایند تقطیری که در آن مواد در خلأ زیاد و دمای کم تقطیر می‌شوند، بی‌آنکه صدمه‌ای به ترکیب آنها وارد شود

تقطیر ناپیوسته
batch distillation
یکی از روش‌های جداسازی که در آن، برخلاف تقطیر پیوسته، خوراک از ابتدای عملیات درون ظرف قرار دارد

تکانهٔ زاویه‌ای اسپینی
spin angular momentum
تکانهٔ زاویه‌ای ذاتی ذره که ناشی از اسپین آن است

تکپار monomer
مولکولی که با مولکول‌های دیگر تشکیل بسپار دهد

تکپار سوم termonomer
یکی از تکپارهای درگیر در فرایند سه‌بسپارش

تک‌رُخی suprafacial
نوعی شیمی فضایی که در آن به‌طور هم‌زمان دو پیوند سیگما در یک سمت صفحهٔ مربوط به پیوند پی تشکیل یا شکسته می‌شوند

تَکلیس calcination
فرایندی که در آن جسمی را در دمایی پایین‌تر از دمای ذوب آن گرم می‌کنند تا تجزیهٔ شیمیایی یا انتقال فاز صورت گیرد

تکمیل finishing
فرایند فیزیکی یا شیمیایی برای ایجاد ویژگی مطلوب در منسوجات در مراحل پایانی تولید

تکه moiety
در حوزهٔ شیمی‌فیزیک ترکیبات آلی، بخشی از مولکول
مت. **تکه‌مولکول**

تکه‌مولکول ← تکه

تلخابه bittern
آب تغلیظ‌شدهٔ دریا یا شوراب حاوی برمیدها و نمک‌های منیزیم و کلسیم که سدیم‌کلرید آن گرفته شده باشد

توازن آب‌دوستی ـ چربی‌دوستی hydrophile-lipophile balance
تمایل نسبی هم‌زمان یک نامیزه‌گر (emulsifier) به دو فاز یک سامانهٔ نامیزه

توالی بازی ← توالی دِنا

توالی دِنا DNA sequence
توالی یا ترتیب خطی بازهای آدنین، سیتوزین، گوانوزین، تیمیدن که تشکیل‌دهندهٔ مولکول دِناست
مترـ **توالی بازی** base sequence
توالی نوکلئوتیدی nucleotide sequence

توالی نوکلئوتیدی ← توالی دِنا

توان power
مقدار کار انجام‌شده یا مقدار انرژی قابل‌تبدیل در واحد زمان

توان‌افزا booster, detergent booster
ماده‌ای افزودنی برای بهبود عملکرد شوینده‌ها که معمولاً بر پایهٔ ترکیبات آلی است

توان تعلیق‌کنندگی suspending power
در محلول‌های دارای عامل سطح‌فعال، اثربخشی برخی مواد مشخص که به تعلیق ذرات نامحلول در حلاّل منجر می‌شود

توان کف‌زایی foaming power, increase of volume upon foaming
میزان افزایش حجم در هنگام کف‌زایی که از نسبت حجم گاز به حجم مایع موجود در کف به دست می‌آید

توری بلوری crystal grating
توری پراشی از جنس بلور برای پرتوهای گاما یا ایکس که فواصل سطوح شبکهٔ آن با یکدیگر برابر است

تولید production
عملیات مهندسی برای ساخت یک فراورده

تهی‌جا vacancy, Schottky defect
نقصی در شبکهٔ بلور که با جابه‌جایی اتم از جایگاه شبکه‌ای‌اش پدید می‌آید

تیزاب سلطانی aqua regia
مایع بسیار خورنده و دودکننده‌ای که از یک قسمت نیتریک‌اسید و سه قسمت هیدروکلریک‌اسید تشکیل شده است و با تمام فلزها ازجمله طلا و نقره واکنش می‌دهد

ث

ثابت تعادل
equilibrium constant

نسبت حاصل‌ضرب غلظت محصولات به غلظت واکنش‌دهنده‌ها که هریک به توان ضریب استوکیومتری (stoichiometry) خود رسیده باشد

ثابت جفت‌شدگی
coupling constant

برهم‌کنش هسته‌ها در تشدید مغناطیسی هسته که با نماد J نشان داده می‌شود

ثابت خودپروتون‌کافت
aqutoprotolysis constant

حاصل‌ضرب فعالیت‌ها یا به تقریب غلظت‌های گونه‌های حاصل از یک واکنش خودپروتون‌کافت یا ثابت تعادل واکنش خودپروتون‌کافت

ثابت دی‌الکتریک
dielectric constant,
relative permitivity

ملاکی برای اندازه‌گیری اثر محیط بر پتانسیل برهم‌کنش دو بار الکتریکی که ازطریق مقایسهٔ ظرفیت یک خازن در مجاورت نمونه و نیز بدون آن به دست می‌آید

ثابت زمسنجی
cryoscopic constant

ثابت معادله‌ای که نشان‌دهندهٔ میزان نزول نقطهٔ انجماد براثر حل‌کردن یک مول مادهٔ محلول در یک لیتر حلاّل است

ثابت ساختار ریز
fine-structure constant

ثابت بنیادی بدون بُعدی که تقریباً برابر با ۱/۱۳۷ است

ج

جابه‌جایی شیمیایی chemical shift

تغییر مکان قله‌های طیف تشدید مغناطیسی هسته براثر پوشیدگی الکترون‌های پیرامون آنها

جابه‌جایی هسته‌دوست

← واکنش جانشینی هسته‌دوست

جاذب sorbent

ماده‌ای که مواد دیگر جذب سطح یا داخل آن شوند

جاذبهٔ مولکولی

← ربایش مولکولی

جامد مولکولی molecular solid

جامدی که در نتیجهٔ نیروی بینِ‌مولکولی وان‌درووالسی بین مولکول‌های مجزا تشکیل می‌شود

جانشینی متقابل metathesis, double displacement, double decomposition

واکنشی که در آن دو عنصر یا گروه‌هایی از عناصر مربوط به دو مولکول جابه‌جا می‌شوند

جای‌گیری مهاجرتی migratory insertion

ترکیبی از دو فرایند مهاجرت و جای‌گیری در واکنش‌های شیمیایی

جداساز separator

دستگاه جداکنندهٔ اجزای مخلوط

جداسازی separation

جدا کردن اجزای جامد و مایع و گاز سازندهٔ مخلوط به‌کمک روش‌های مختلف، نظیر تقطیر و استخراج و جذب

جداسازی ایزوتوپی isotope separation
فرایندی که در آن ایزوتوپ‌های متفاوت یک عنصر معین را از یکدیگر جدا می‌کنند

جذب absorption
فرایندی که در آن مایع یا گاز به درون حفره‌های یک مادهٔ جامد کشیده می‌شود
متـ. **درجذبش**

جذبایی absorbency
۱. جذب شدن تابش در محیطی که تابش از آن می‌گذرد ۲. کمیتی که میزان نور یا تابش جذب‌شده در محیطی خاص را معلوم می‌کند

جذب سطحی ← برجذبش

جذبش sorption
فرایندی شامل برجذب و درجذب

جذبشی sorptive[1]
ویژگی ماده‌ای که قابلیت جذب و نگهداری مادهٔ دیگر را دارد

جذبندگی absorptance, absorptivity
نسبت انرژی جذب‌شده به انرژی تابشی

جذبیده sorbate
ماده‌ای که در یک میانا یا ماده‌ای دیگر جذب شده باشد

جِرم بحرانی critical mass
جِرم مورد نیاز برای دستیابی به یک واکنش زنجیره‌ای

جِرم‌گرفتگی fouling
نشست و تجمع ذرات بر سطوح تبادلگر گرما

جزء component
بخشی از یک مخلوط

جزءجزء کردن fractionation
جداسازی یک مخلوط در مراحل متوالی که در هر مرحلهٔ آن بخشی از مخلوط را جدا می‌سازند
متـ. **برخش**

جزءجزء کردن کفی foam fractionation
نوعی روش جداسازی که در آن با ایجاد کف و جمع‌آوری آن جزئی از یک مایع را، ترجیحاً ازطریق جذب سطحی یا برجذبش در میانای گاز ـ مایع، جدا می‌کنند
متـ. **برخش کفی**

جزء سازنده constituent
هریک از مواد موجود در یک ساختار شیمیایی یا آلیاژ

جفت‌شدگی coupling
برهم‌کنش هسته‌ها در یک مولکول

جلا luster
برّاقیت ناشی از کنار هم بودن نواحی تاریک و روشن در سطح شیء

جلادهی lustering
عملیاتی برای ایجاد جلا در نخ یا پارچه به‌کمک گرما، فشار، بخار، اصطکاک، غلتک‌کاری یا نظایر آن

جورلیگاند homoleptic
ویژگی آن دسته از ترکیبات فلزات واسطه یا گروه‌های اصلی که تنها یک نوع لیگاند دارند

جهت‌گزین regioselective
ویژگی واکنشی که همپار ساختاری واحدی را ترجیح می‌دهد و به تولید بیشتر آن در قیاس با سایر محصولات منجر می‌شود

جهت‌گزینی regioselectivity
گرایش برخی واکنش‌ها به اینکه در یک مسیر صورت گیرند، درحالی‌که می‌توانند در دو مسیر یا بیشتر انجام شوند

جیوهٔ آمونیاکی
ammoniated mercury
رسوب سفیدی که از واکنش جیوهٔ کلرید و آمونیاک پدید می‌آید و در معرض نور سیاه می‌شود

چ

چاه پتانسیل potential well

ناحیه‌ای در میدان نیروهای پایستار که انرژی پتانسیل هر ذره در آن کمتر از ناحیهٔ پیرامون است

چپ‌چرخش levorotation, levulorotation

چرخش صفحهٔ قطبش نور قطبیدهٔ مسطح در جهت پادساعت‌گرد

چربی fat

مخلوطی از لیپیدها، عمدتاً تری‌گلیسریدها، که در دمای بدن جامد هستند

چربی‌دوست lipophilic

ویژگی آن دسته از مولکول‌ها که در حلال‌های چربی‌گون به‌سهولت حل می‌شوند

چربی‌گریز lipophobe, lipophobic

ویژگی بخشی از مولکول که از حلال‌های آلی گریزان است

چربی‌گریزی lipophobicity, lipophobia

ویژگی آن دسته از ترکیبات شیمیایی که چربی‌ها را پس می‌زنند

چرخش در زاویهٔ جادویی magic angle spinning

روشی در تشدید مغناطیسی هسته‌ای حالت‌جامد برای باریک کردن خطوط طیفی

چرخش ساعت‌گَرد clockwise rotation

چرخش در جهت حرکت عقربه‌های ساعت

چرخهٔ پخت cure cycle

برنامه‌ای زمانی که در طی آن یک آمیزهٔ گرماسخت پلاستیکی یا لاستیکی در شرایط دمایی معین قرار می‌گیرد تا دارای خواص مشخصی شود

چسب adhesive

ماده‌ای چسبناک که برای اتصال دو جسم جامد به کار رود

چسب آب‌پایه
water-based adhesive, water-born adhesive

چسبی که مادهٔ چسبندهٔ آن در آب حل شده باشد

چگالش condensation

تبدیل گاز به مایع یا جامد

چگالش مویینه‌ای
capillary condensation

چگالش بخار برجذبیده در درون حفرات برجذبنده

چگالش واگشتی
retrograde condensation

چگالش فاز بخار یک مخلوط هیدروکربن در ناحیهٔ بحرانی و در تماس با فاز مایع آن هنگامی که فشار در دمای ثابت کاهش یابد یا دما در فشار ثابت افزایش یابد

چگالنده condenser

وسیله‌ای که با گرماگیری، سیالی را از حالت بخار به مایع تبدیل کند

چگالی density

مقدار کل یک ماده در واحد حجم

چگالی الکترون
electron density

تعداد الکترون موجود در حجم واحد

چندپار oligomer

بسپاری با جِرم مولکولی کم

چندپارش oligomerization

عمل تشکیل چندپارها

چنددندانه polydent, multident

گونه‌ای شیمیایی که مولکول آن بیش از دو موضع فعال دارد

چندسازه composite, composite material

ماده‌ای مرکب حاصل از تلفیق دو یا چند ماده که در آن هریک از مواد سازنده هویت خود را حفظ می‌کند و خواص محصول نهایی با خواص هریک از اجزای سازندهٔ آن متفاوت است

چنگالش chelation

فرایندی شیمیایی شامل تشکیل یک ترکیب ناجور که دارای حداقل یک کاتیون فلزی در همتافت‌ها یا یون هیدروژن است، چنان‌که کاتیون فلزی در چنگاله‌ای از پیوندهای همتافت گرفتار می‌شود

چنگاله chelate
ترکیبی ناجورحلقه که دارای حداقل یک کاتیون فلزی (در هَم‌تافت‌ها) یا یون هیدروژن است

چنگاله‌ای ← چنگالیده

چنگاله‌سنجشی chelometric
مربوط به چنگاله‌سنجی

چنگاله‌سنجی chelometry
روشی تجزیه‌ای شامل تشکیل چنگاله‌های حل‌پذیر با نسبت یک‌به‌یک در هنگام تیتر کردن (titration) یون فلزی با واکنشگرهای آمینوپلی ــ کربوکسیلات و پلی‌آمین

چنگالیده chelated
مربوط به چنگاله
متـ. **چنگاله‌ای**

چهارظرفیتی quadrivalent
اتم یا عنصر دارای چهار ظرفیت

ح

حاصلِضرب یونی ionic product

حاصلِضرب غلظت یون‌های موجود در یک محلول مشخص با توجه به ضرایب استوکیومتری (stoichiometry) آنها

حالت ارتعاشی

← تراز ارتعاشی

حالت برانگیخته excited state

حالت هر سامانهٔ کوانتومی که در حالت پایه نباشد

حالت پایا steady state

حالت سامانه‌ای که وضعیت آن در طول زمان تغییر نکند

حالت پایه ground state

پایین‌ترین حالت انرژی هر سامانهٔ کوانتومی

مت. **تراز پایه** ground level

حالت پُراسپین high-spin state

حالتی که در آن اتم فلز واسطه دارای بیشترین تعداد الکترون‌های جفت‌نشدهٔ ممکن است

حالت جامد solid state

حالت یا فاز موادی که فاصلهٔ متوسط اتم‌ها یا مولکول‌های سازندهٔ آنها نسبت به هم ثابت است

حالت شبه‌پایدار
metastable state

حالتی که در آن ماده در زیر دمای سیرشدگی در فشار معین به‌صورت بخار همگن وجود دارد

حالت فعال‌شده activated state

حالتی با انرژی زیاد که گونهٔ شبه‌پایدار برای رسیدن به حالت پایدار از آن عبور می‌کند

حالت کم‌اسپین low-spin state

حالتی که در آن اتم فلز واسطه دارای کمترین تعداد الکترون‌های جفت‌نشدهٔ ممکن است

حالت گذار transition state

وضعیتی کوتاه‌مدت، واسطهٔ بین مواد اولیه و محصولات یک واکنش پایه

حباب‌زا bubbling agent

ماده‌ای که حباب تولید می‌کند

حباب‌ساز[۱] bubbler

ابزاری برای جذب آب حل‌شده در جریان گاز

حباب‌ساز[۲] sparger, perforated pipe distributor

نوعی ابزار پخش‌کن، به‌صورت لوله‌ای با سوراخ‌هایی در فواصل معین، که در خشک‌کن‌های پاششی و تماس‌دهنده‌های مایع ـ بخار و ستون‌های پاشنده از آن استفاده می‌شود تا بخار را در مایع توزیع کند

حباب‌سازی sparging

فرایند تزریق بخار یا گاز به محلول

حجره cryptand

واحد مولکولی متشکل از مجموعه‌ای چندحلقه‌ای که یک حفرهٔ مولکولی به وجود می‌آورد که می‌تواند واحد دیگری، یعنی کاتیون یا آنیون یا مولکول خنثی، را به‌عنوان مهمان در خود نگه دارد

حجرهٔ مهماندار cryptate

محصول افزایشی تشکیل‌شده بین یک حجره و یک مهمان یعنی آنیون یا کاتیون یا گروه خنثی

حذف چنگاله‌ای cheletropic elimination

عکس واکنش چنگاله‌ای

حذف هم‌زمان concerted elimination

نوعی حذف که اغلب با شکست و تشکیل هم‌زمان پیوندها انجام می‌شود

حرکت هماهنگ ساده simple harmonic motion

حرکتی دوره‌ای و متقارن حول وضعیت تعادل که با تابعی سینوسی از زمان قابل نمایش است

حشره‌کش insecticidal

ویژگی ماده‌ای شیمیایی که از آن برای از بین بردن حشرات استفاده می‌شود

حفظ پیکربندی retention of configuration

حفظ یکپارچگی در نحوهٔ آرایش فضایی پیوندهای متصل به یک مرکز دستوار، در خلال یک تبدیل یا واکنش شیمیایی

حلاّل بی‌پروتون aprotic solvent

حلاّلی که نه پروتون تولید می‌کند و نه آن را می‌پذیرد

حلاّل‌پوشی solvation

پوشاندن یون‌های موجود در محلول با حلاّلی به‌جز آب

حلاّل‌پوشیده solvated

ویژگی یونی که تعداد معینی حلاّل مانند الکل در فضای هم‌آرایی خود داشته باشد

حلاّل‌دوست lyophilic, solvent loving

ویژگی ماده‌ای که میل به حلاّل دارد

حلاّل دوقطبی بی‌پروتون dipolar aprotic solvent

حلاّلی با ثابت دی‌الکتریک بیش از ۱۵ و گشتاور دوقطبی دائمی زیاد

حلاّل‌رنگی solvatochromism

قابلیت ماده در تغییر دادن رنگ خود براثر تغییر قطبایی حلاّل

حلاّل‌سالار lyocratic

ویژگی پراکنه‌ای که براثر نیروهای حلاّل‌پوشی پایدار می‌شود

حلاّل‌شویی leaching

استخراج ماده‌ای حل‌شدنی از جامدی حل‌شدنی ازطریق انحلال در یک حلاّل مناسب

حلاّل‌کافت solvalysis

گسسته شدن یک مولکول در واکنش با حلاّل، به‌طوری‌که بخشی از مولکول با جزء آنیونی حلاّل و بخش دیگر آن با جزء کاتیونی حلاّل پیوند ایجاد کند

حلاّل‌کوچی solvophoresis

نوعی نفوذ کوچی (diffusionphoresis) که در آن ذرهٔ حل‌شده در یک حلاّل مخلوط با شیو غلظت به سمتی کوچ می‌کند که غلظت حلاّل در آن بیشتر است

حلاّل‌گریز lyophobic, solvent hating

ویژگی ماده‌ای که میل به حلاّل ندارد

حلاّلیت‌افزا lyotrope, lyotropic agent

مادهٔ سومی که برای افزایش حل‌پذیری یک مادهٔ کم‌حل‌شونده به محلول اضافه می‌شود

حلاّلیت‌افزایی lyotropy
افزایش حل‌پذیری یک ماده در حلاّلی که به‌خوبی در آن حل نمی‌شود، با کمک یک مادهٔ سوم

حل‌پذیرسازی solubilization
فرایندی که در طی آن حل‌پذیری یک حل‌شونده با حضور یک حل‌شوندهٔ دیگر افزایش می‌یابد

حل‌پذیری solubility
توانایی یک ماده برای تشکیل یک محلول با مادهٔ دیگر

حل‌شده solute
ماده‌ای که در یک حلاّل حل شود و تشکیل محلول دهد
مت. **حل‌شونده**

حل‌شونده ← حل‌شده

حلقه‌ای شدن cyclization
تشکیل یک ترکیب حلقه‌ای از یک هیدروکربن زنجیری با ایجاد یک پیوند جدید

حلقه‌جوشی annulation
تبدیلی شامل چسبیدن یا جوش خوردن یک حلقهٔ جدید به یک مولکول ازطریق دو پیوند جدید

حلقه‌زایی cycloaddition
واکنشی که در آن دو مولکول سیرنشده به هم می‌پیوندند و ترکیبی حلقوی تشکیل می‌دهند

حلقه‌زایی دوقطبی dipolar cycloaddition
نوعی حلقه‌زایی که شامل ترکیبات ۱ و ۳- دوقطبی باشد

حلقه‌گسلی cycloelimination, cycloreversion, retroaddition, retrocycloaddition
واکنشی که در آن محصول فرایند حلقه‌زایی در واکنشی معکوس گسسته می‌شود و دو یا چند مولکول سیرنشدهٔ اولیه را پدید می‌آورد

حوضهٔ اتم atomic basin
فضایی سه‌بعدی که مرزهای آن دربرگیرندهٔ شیوراه‌های چگالی الکترون است و به هسته ختم می‌شود

خ

خاصیت جمعیتی colligative property

یکی از خواص محلول که تنها به تعداد ذره‌های جسم حل‌شده بستگی داشته باشد

خانک cell[2]

وسیله‌ای به شکل مکعب‌مستطیل، معمولاً از جنس کوارتز، که نمونهٔ مورد آزمایش در آن قرار داده می‌شود

خشکانش drying[1]

فرایند تغییر دادن مادهٔ پوششی از حالت مایع به جامد با تبخیر حلاّل‌ها یا ایجاد واکنش‌های فیزیکی ـ شیمیایی یا هر دو

مت. **خشک کردن**

خشکانه desiccator

ظرفی از جنس شیشه، با درپوشی هوابندی‌شده که با قرار دادن یک عامل آبگیر، از آن برای خشک کردن مواد شیمیایی جامد استفاده می‌شود

خشک‌ژل xerogel, dry gel

ژل خشک‌شده‌ای که ساختار متخلخل خود را حفظ کرده باشد

خشکش drying[2]

فرایند تغییر کردن مادهٔ پوششی از حالت مایع به جامد با تبخیر حلاّل‌ها یا ایجاد واکنش‌های فیزیکی ـ شیمیایی یا هر دو

مت. **خشک شدن**

خشک شدن ← خشکش

خشک کردن ← خشکانش

خشک‌کن[۱] drier[1]

دستگاهی که آب را می‌زداید

خشک‌کن[۲] drier[2], siccative

ماده‌ای که فرایند خشک شدن روغن، پوش‌رنگ، جوهر چاپ یا ورنی را سرعت می‌دهد

خصیصهٔ رنگ colour attribute

خصیصهٔ سه‌بُعدی ظاهر یک جسم یا منبع نور یا روزنه که یکی از ابعاد آن روشنی و دو بعد دیگر فام‌نابی را بیان می‌کند

خصیصه‌های فام‌نابی chromatic attributes

خصیصه‌هایی مربوط به توزیع طیفی نور که شامل فام و نابی رنگ است

خط اتصال tie line

خطی افقی که در نمودار فاز مایع ـ بخار عمود بر یک هم‌ترکیب (isopleth) است

خلوص saturation[2], colour saturation, purity

یکی از ابعاد رنگ که بیانگر میزان فاصلهٔ رنگ از یک رنگ خاکستری با همان روشنی است

مت. **نابی**

خمیر برنزی ← خمیر مفرغی

خمیر مفرغی bronze paste

خمیری که از پرک‌های ریز فلزهایی مانند آلومینیم یا مس یا آلیاژ مس در پیوستاری (medium) فرّار تشکیل می‌شود

مت. **خمیر برنزی**

خنثایش neutralization

فرایندی که در آن اسید با باز ترکیب می‌شود و نمک تولید می‌کند

خنثایی neutrality

وضعیتی بین ویژگی اسیدی و بازی محلول‌ها چنان‌که pH محلول هفت باشد

خنثی کردن neutralize

فرایند خنثی‌سازی محلول با افزودن باز به محلول اسید یا افزودن اسید به محلول باز برای رسیدن به pH هفت

خواص ضدلک antistaining properties

مقاومت سطوح در برابر نشستن لکه‌های روغن‌پایه یا آب‌پایه بر آنها

خودأُکسایش autoxidation

واکنشی أُکسایشی که خودکاتالیز و خودبه‌خودی باشد

خودانتقالی self transfer, backbiting

نوعی نوآرایی در برخی واکنش‌های بسپارش رادیکالی که در آن رادیکالی با الکترون نامزدوج در انتهای زنجیر به رادیکالی در طول زنجیر بدل می‌شود

خودپروتون‌کافت autoprotolysis
انتقال پروتون بین دو مولکول یکسان

خودپزش[۱] self curing[1]
پخت و شبکه‌ای شدن خودبه‌خود مواد بسپاری

خودپزش[۲] ← خودولکانش

خودسازمان‌دهی
self-organization
سازمان‌دهی خودبه‌خودی که براثر رسیدن برخی پارامترها به حدود معین در یک سامانه پدید می‌آید

خودشتاب‌دهی autoacceleration
افزایش سرعت بسپارش یک رادیکال آزاد با افزایش میزان تبدیل

خودولکانش self vulcanisation
ولکانشی در دمای اتاق یا بالاتر از آن که به‌کمک مادهٔ شیمیایی و بدون گرمادهی از منبع بیرونی رخ می‌دهد
متـ. **خودپزش**[۲] self curing[2]

خودهمپارش automerization
نوعی بازآرایی مولکولی که در آن محصول اصلی بدون نشانه‌گذاری ایزوتوپی از واکنش‌دهندهٔ اصلی قابل تشخیص نیست
متـ. **همپارش جای‌گشتی**
permutational isomerization

خودیونش autoionization
واکنشی که در آن دو مولکول یک ماده با هم واکنش می‌دهند تا دو یون حاصل شود

خوردگی الکتروشیمیایی
electrochemical corrosion
خوردگی سطوح فلزی که در نتیجهٔ جریان الکترون در بین نواحی آندی و کاتدی ایجاد می‌شود

خوردگی دمابالا
high-temperature corrosion
خوردگی فلز براثر قرار گرفتن در معرض گازهای اکسیدکننده در دمای بالا و درنتیجه واکنش مستقیم در مجاورت برق‌کاف
متـ. **اُکسایش دمابالا**
high-temperature oxidation

خیزش مویینگی capillary rise
پدیده‌ای که در آن کشش سطحی سبب بالا رفتن سطح مایع در فشارسنج می‌شود

خیساندن soaking
فروبردن مواد در آب یا مایع دیگر

د، ذ

داربسپار dendritic polymer

۱. بسپاری با هسته‌ای مشخص که در پیرامون آن اجزایی به‌صورت متمرکز و منظم قرارگرفته‌اند ۲. بسپاری با ساختار شاخه‌ای منظم

دارشیمی dendrochemistry

تجزیه‌وتحلیل ترکیب‌بندی شیمیایی حلقه‌های درختان برای پی بردن به میزان مواد شیمیایی طبیعی یا مصنوعی، به‌ویژه عناصر معدنی، برای شناخت تأثیر آلودگی هوا یا آب‌های سطحی یا زیرزمینی بر زیست‌بوم

درآمیختگی ایزوتوپی
isotopic scrambling

پدید آمدن نوعی توزیع تعادلی از ایزوتوپ‌ها در درون یک مجموعهٔ خاص از اتم‌های مربوط به یک گونهٔ شیمیایی

درجذبش ← جذب

درشت‌تکپار سطح‌فعال
surfactant macromonomer

تکپار آب‌گریزی که خاصیت سطح‌فعالی دارد

درون‌دوستی endophilicity

تمایل ساختاری یک جزء یا کل یک مولکول به نفوذ یا باقی ماندن در یک فاز

درون‌مولکولی intramolecular

ویژگی پدیده یا فرایندی که شامل انتقال یا برهم‌کنش بخش‌های مختلف یک واحد مولکولی باشد

دستگاه بین‌المللی یکاها
international system of units

دستگاهی از یکاها که در آن طول، زمان، جِرم، جریان الکتریکی، دما، شدت درخشش و مقدار ماده کمیت‌های اصلی‌اند و یکای آنها به‌ترتیب متر، ثانیه، کیلوگرم، آمپر، کلوین، کاندلا و مول است

دستگاه تقطیر still, distillation apparatus
دستگاهی برای جداسازی اجزای مایعات مخلوط با کمک گرما

دستوار chiral
داشتن ویژگی دستوارگی

دستوارگی chirality
وضعیتی که در آن مولکول فعالیت نوری از خود نشان دهد و بر تصویر آینه‌ای خود منطبق نباشد

دگرشکل allotrope
صورت‌ها یا ساختارهای متفاوت یک عنصر که غالباً در محدوده‌های دمایی متفاوت پایدار باشند

دگرشکلی allotropy
داشتن دو یا چند شکل متفاوت برای یک عنصر در حالت فیزیکی یکسان

دماسنج thermometer
ابزاری برای اندازه‌گیری دما با استفاده از تغییر خواص فیزیکی مواد براثر گرما

دماسنج الکلی spirit thermometer, alcohol thermometer, alcohol-in-glass thermometer
نوعی دماسنج مایعی شیشه‌ای که در آن مایع دماسنج، ماده‌ای آلی مانند الکل است

دمای اَبری cloud temperature
دمایی که چنانچه اندکی افزایش یابد محلول‌های آبی برخی عامل‌های سطح‌فعال غیریونی در آن ناهمگن می‌شوند و به دو فاز مایع مختلف تقسیم می‌شوند

دمای جوش boiling point
دمایی که در آن جسم خالص در فشار ثابت از حالت مایع به گاز تبدیل می‌شود

دُم سطح‌فعال surfactant tail
بخش چربی‌دوست یک مولکول سطح‌فعال که معمولاً یک زنجیر هیدروکربن شامل هشت یا تعداد بیشتری اتم کربن است

دوآبه dihydrate
ویژگی ترکیب بلورینی که به‌ازای هر واحد مولکولی در ترکیب دارای دو مولکول آب تبلور باشد

دوپار dimer
مولکول متشکل از دو مولکول یکسان

دوپارش dimerization
واکنشی شیمیایی که در آن دو مولکول یکسان تشکیل یک واحد مولکولی می‌دهند

دوپایداری bistability
توانایی یک سامانه برای حضور در دو حالت پایا پیش از رسیدن به یک حالت پایدار

دوخصلت‌مندی amphoterism
دارا بودن خاصیت واکنش‌دهی اسیدی و بازی

دوخصلت‌مندی پروتونی amphoprotism
توانایی یک گونهٔ شیمیایی در دادن و گرفتن پروتون

دوخصلتی amphoteric
دارای خاصیت اسیدی و بازی

دورادیکال biradical, diradical
واحد مولکولی با تعداد الکترون‌های زوج که دو مرکز تک‌الکترونی آن مستقل از هم عمل می‌کنند

دورجانشینی telesubstitution
نوعی واکنش جانشینی که در آن گروه واردشونده در فاصله‌ای بیش از یک اتم از گروه ترک‌کننده قرار می‌گیرد

دورُخی antarafacial
نوعی شیمی فضایی که در آن به‌طور هم‌زمان دو پیوند سیگما در دو سمت صفحهٔ مربوط به پیوند پی تشکیل یا شکسته می‌شوند

دوسردندانه ambidentate, ambident
گونه‌ای شیمیایی یا مولکولی که دو موضع فعال متفاوت دارد و هریک از آنها می‌تواند به‌طور جداگانه تشکیل پیوند دهد

دومحیط‌دوست amphiphilic, amphipathic
ویژگی ماده‌ای که در مولکول‌های آن هر دو نوع گروه حلاّل‌دوست و حلاّل‌گریز وجود داشته باشد

دی‌ان diene
دسته‌ای از ترکیبات آلی که مولکول‌های آنها دارای دو پیوند دوگانهٔ کربن ـ کربن است

دی‌ان‌دوست dienophile
جزء اولفینی در یک واکنش دیلز ـ آلدر

دیرپا persistent
ویژگی رادیکال‌هایی که در محلول‌های رقیق خنثی عمری چنددقیقه‌ای یا حتی بیشتر دارند

دینامیک مولکولی
← پویایی‌شناسی مولکولی

ذره particle

هر شیء ریزی که می‌توان به آن جرم و یک موقعیت قابل‌مشاهده در فضا نسبت داد

ذرهٔ بنیادی elementary particle, fundamental particle

ذره‌ای که براساس دانش امروز بخش‌ناپذیر و بدون ساختار است و درنتیجه، یکی از اجزای اصلی سازنده مادهٔ است

ر

رابطهٔ خطی انرژی آزاد
linear free-energy relation, linear Gibbs energy relation
همبستگی خطی بین لگاریتم ثابت سرعت یا ثابت تعادل برای یک مجموعه‌واکنش و لگاریتم ثابت سرعت یا ثابت تعادل برای مجموعه‌واکنش‌های مرتبط

راست‌چرخش dextrorotation
چرخش صفحهٔ قطبش نور قطبیدهٔ مسطح در جهت ساعت‌گرد

ربایش مولکولی
molecular attraction
نیرویی که در جهت کاهش فاصلهٔ میان مولکول‌ها عمل می‌کند
مترـ **.جاذبهٔ مولکولی**

رَزانه dye, dyestuff
مادهٔ رنگ‌بخشی که در محیط خود قابلیت حل شدن یا پراکنش دارد و ازطریق واکنش‌های شیمیایی یا جذب یا پراکنش به مادهٔ دیگر افزوده می‌شود
مترـ **.مادهٔ رنگرزی**

رَزانهٔ اسیدی acid dye
رَزانه‌ای آنیونی که به الیاف پروتئینی یا پلی‌آمیدی یا الیافی که شامل گروه‌های بازی هستند گرایندگی (substantivity) دارد

رَزانهٔ بازی basic dye
رزانه‌ای که به دلیل وجود آنیلین یا گروه‌های مشابه در آن تا حدی خواص بازی دارد

رَزانهٔ لکایی lac dye
رزانهٔ حاصل از خیساندن لکای خام در یک فراورده

رَزانه‌های خمی vat dyes
دسته‌ای از رزانه‌های نامحلول در آب که به شکل کاهیده، یعنی محلول در آب، بر روی لیف به کار می‌روند و پس از اکسایش مجدد، به حالت اصلی، یعنی نامحلول در آب، بازمی‌گردند

رَزانه‌های رَزدانه‌ای lake dyes
دسته‌ای از رَزانه‌ها که با نمک‌های کلسیم، باریم،کروم یا آلومینیم ترکیب یا جذب آنها می‌شوند و رَزدانه ایجاد می‌کنند

رَزانه‌های گوگردی sulphur dye
دسته‌ای از رَزانه‌های نامحلول در آب و بر پایهٔ گوگرد که به شکل کاهیده و حل‌شده در محلول سدیم‌سولفید بر روی لیف به کار می‌روند و سپس برای بازگشتن به حالت اصلی، تحت اکسایش مجدد قرار می‌گیرند

رَزدانه lake, colour lake, lake colour
نوعی رنگ‌دانهٔ متشکل از مادهٔ رنگی آلی و انحلال‌پذیر که به پایه‌ای معدنی پیوند خورده است

رَزش ← رنگرزی

رَزش‌یار dyeing auxiliaries, dyeing assistants
مواد مختلفی که برای تسهیل رَزش به حمام رنگرزی (dye bath) افزوده می‌شود
مت. **مواد تعاونی**

رزونانس resonance[2]
خصوصیتی که در آن می‌توان ساختار الکترونی یک مولکول را به دو یا چند صورت نشان داد

رزین الکلی spirit soluble resin
رزین محلول در الکل و نامحلول در آب

رزین پراکنه‌ای dispersion resin
پراکنهٔ پایدار یک بسپار مایع

رسانا conductor
هر ماده که بتواند گرما یا الکتریسیته را از نقطه‌ای به نقطهٔ دیگر برساند

رسانایی conductance
۱. در ترمودینامیک، حاصل تقسیم گرمای انتقال‌یافته بین دو سطح بر اختلاف دمای میان آن دو ۲. در الکتریسیته، معکوس مقاومت الکتریکی در مداری که واکُنایی نداشته باشد

رسانش conduction
فرایند عبور انرژی الکتریکی یا گرما یا صوت از محیطی مادی

رسانشی conductive
مربوط به رسانش

رسانندگی conductivity
معیاری برای نمایش توانایی جسم در رسانش الکتریکی که با معکوس مقاومت ویژهٔ جسم رسانا برابر است

رسوب precipitate
ماده‌ای که از یک محلول یا محلول تعلیقی براثر تغییر شیمیایی یا فیزیکی جدا شود

رسوب‌دهنده precipitant
ماده‌ای که با افزودن آن به یک محلول رسوب ایجاد شود

رسوب‌دهی precipitation
فرایند تشکیل فاز جامد قابل جداشدن در یک محیط مایع

رطوبت‌پزی moisture curing
پخته شدن پوشش براثر قرار گرفتن در معرض رطوبت محیط

رقیق کردن dilute
کاستن از غلظت و قدرت محلول یا مخلوط

رقیق‌کننده diluent
ماده‌ای که برای رقیق کردن یک محلول یا مخلوط به کار می‌رود

رنگ colour
جنبه‌ای از ادراک بصری که سه بُعد فام و خلوص و روشنی را در بر می‌گیرد

رنگ‌آمیزه tint
رنگ حاصل از اختلاط رنگدانه یا پوش‌رنگ سفید با رنگدانه‌ها یا پوش‌رنگ‌های غیرسفید؛ رنگ به‌دست‌آمده روشن‌تر و ناخالص‌تر از رنگ اولیه است
متـ. **سفیدآمیخت**

رنگ‌آمیزی tinting
آمیختن مواد رنگی با پوش‌رنگ برای انطباق نهایی رنگ پوش‌رنگ با رنگ مورد نظر

رنگانه stain[1]
محلولی دارای رنگدانه یا رَزانه که از آن برای رنگ کردن چوب و پارچه و بافت‌های مشابه استفاده می‌کنند

رنگانهٔ آب‌پایه water stain
رنگانهٔ حاصل از حل شدن رَزانه در آب

رنگانهٔ الکل‌پایه spirit stain
رنگانهٔ حاصل از حل شدن رَزانه در الکل

رنگانهٔ روغن‌پایه oil stain
محلـــولی از رَزانـــه یـــا پراکنـــه‌ای از رنگ‌دانهٔ مخلوط‌شده با روغن یا ورنـی که با حلاّل‌های هیدروکربنی رقیق شده است

رنگانه‌زنی staining[1]
به کار بردن محلول رَزانـه‌دار بـر روی سطح متخلخل برای رنگی کردن آن

رنگ‌بخش colourant
ماده‌ای که به جسم رنگ می‌بخشد

رنگ‌بخشی colouration[1], colourization, colouring
عمل یا فرایند رنگ بخشیدن
متـ. **رنگش**

رنگ‌بخشی توده‌ای
mass colouring techniques
رنگـی کـردن بسـپارها بـا افـزودن رنگ‌بخش‌ها و پراکندن آنها در بسپار
متـ. **رنگش توده‌ای**

رنگ‌بخشی سطحی
skin colouring
رنگ‌بخشی به سطح یک قطعه
متـ. **رنگش سطحی**

رنگ‌بَر decolourant
عاملی که سبب از بـین رفـتن یـا سـفید شدن رنگ می‌شود

رنگ‌بَری[۱] bleaching[1]
فرایندی که در آن از یک مادهٔ شیمیایی اُکسنده یـا کاهنـده بـرای زدودن رنـگ الیاف یا پارچه استفاده می‌کنند

رنگ‌بَری[۲] decolouration
از بین بردن یا از بین رفتن رنگ به هـر صورت
متـ. **وارنگش**

رنگ‌بندی colouration[2]
نحوهٔ چینش و کنار هم نشاندن رنگ‌ها

رنگ بی‌فام
achromatic perceived colour, achromatic colour
رنگی که فام ندارد

رنگ خالص saturated colour
رنگی که سفید در آن وجود ندارد

رنگ‌دانه pigment
مـــاده‌ای بـــه شـــکل ذرات ریـــز کـــه در پیوستار (medium) حل نمی‌شـود و بـه دلیـل داشـتن ویژگـی‌هـای نـوری و حفـاظتی و/ یـا تزیینـی از آن اسـتفاده می‌کنند

رنگ‌دانهٔ پرکی flake pigment
نـوعی رنـگ‌دانـهٔ معـدنی بـرای تولیـد رنگ‌هایی از قبیل رنگ فلزنما (metallic) و صدفی و رنگین‌تاب (iridescent)

رنگ‌دانهٔ صدفی
pearlescent pigment, nacreous pigment, pearl-essence pigment
رنگ‌دانه‌ای با ذرات بلوری و شفاف به شکل صفحات موازی که ظاهری شبیه به صدف به محصول می‌بخشد

رنگرزی dyeing
افزودن رنگ‌بخش به ماده که یا با زیرآیند (substrate) پیوند شیمیایی تشکیل می‌دهد یا براثر فرایندی فیزیکی که برای تغییر رنگ انجام می‌شود، کاملاً به ماده متصل می‌شود
مت. رَزش

رنگزا chromogen
ترکیبی معمولاً بی‌رنگ که می‌تواند براثر یک واکنش شیمیایی رنگی شود یا رنگ تولید کند

رنگساز chromophore
گروهی از اتم‌ها با آرایش خاص و با الکترون‌های نامستقر در مواد آلی که رنگ تولید می‌کنند

رنگسنج colourimeter, chromometer, tintometer
وسیله‌ای برای اندازه‌گیری نوری که آزمونه (specimen) آن را بازتابانده یا عبور داده است

رنگسنجی colourimetry
اندازه‌گیری رنگ براساس مجموعه قراردادها

رنگش ← رنگ‌بخشی

رنگش توده‌ای
← رنگ‌بخشی توده‌ای

رنگش سطحی
← رنگ‌بخشی سطحی

رنگ‌یار auxochrome
هر گروه جانشین در یک رنگ‌زا که بر رنگ آن اثر می‌گذارد

روابط خطی انرژی حلاّل‌پوشی
linear solvation energy relationships
معادلاتی که در آن با استفاده از پارامترهای حلاّل در وایازش خطی یا چندگانه اثر حلاّل بر روی ثابت سرعت یا ثابت تعادل یک واکنش نشان داده می‌شود

روش زاویهٔ جادویی
magic-angle method
روشی در تجزیه‌وتحلیل پیکربندی فضاشیمیایی که در آن نمونهٔ جهت‌یافته حول محوری می‌چرخد تا پهن‌شدگی خطی را که ناشی از شرایط ناهمسانگردی است کاهش دهد

روش میدان خودسازگار
self-consistent field method

روشی برای پیدا کردن تابع موج تقریبی برای سامانه‌ای از الکترون‌ها

روغن پخته boiled oil

روغن بزرک گرمادادەشده‌ای که خشک‌کن به آن می‌افزایند

روغن پرورده bodied oil

روغنی که گران‌رَوی آن را به روش‌های مختلف افزایش داده‌اند

روغن جلا oil varnish, oleoresinous vehicle

نوعی ورنی حاوی رزین که در روغن حل شده است و اغلب براثر واکنش‌های شیمیایی به فیلمی (film) جامد تبدیل می‌شود

روغن خشک‌شونده drying oil

روغنی با سیرنشدگی زیاد نظیر روغن بزرک یا روغن سویا که در معرض هوا، فیلم (film) خشک و چقر و بادوام ایجاد می‌کند

روغن خشک‌ناشونده
nondrying oil, fixed oil

روغنی که به‌خودی‌خود توانایی جذب اکسیژن هوا و از دست دادن حالت مایع را ندارد

روغن دَم‌پرورد blown oil

روغنی گیاهی که با دمیدن هوا به آن در دمای زیاد به میزان دلخواه اکسید می‌شود

روغن کرچک دَم‌پرورد
blown castor oil

محصولی بسیار گران‌رو به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز که از دمش هوا در روغن کرچک خام حاصل می‌شود

روغن گَردزنی dusting oil

نوعی پیونده، معمولاً بر پایهٔ روغن پارافین و گلیکول‌استر، برای پیوند دادن رنگ‌بخش‌ها به مواد گرمانرم

روغن گرماپرورد
heat bodied oil

روغن خشک‌شونده یا نیمه‌خشک‌شونده‌ای که گرم کردن و نگه داشتن آن در دمای بالا موجب می‌شود گران‌رَوی آن تا حد مشخصی افزایش یابد

روغن مات‌کننده flatting oil

نوعی ترکیب ورنی که از روغن پختهٔ حل‌شده در تینر حاصل می‌شود و برای ساخت پوش‌رنگ مات آن را به پوش‌رنگ خمیری می‌افزایند

روغن ماندپرورد stand oil

روغن خشک‌شونده‌ای که، بر خلاف روغن دَم‌پرورد، با گرمادهی در محیطی ساکن و بدون دَمش بسپار می‌شود

روغن نیمه‌خشک‌شونده semidrying oil

روغنی که در معرض هوا کاملاً خشک نمی‌شود

ریخته‌گری تکپار monomer casting

نوعی بسپارش توده‌ای که در قالب انجام می‌شود و در آن محصولات بسپاری نهایی مستقیماً از تکپار حاصل می‌شوند

ریشال کازئین casein micelle

انبوهۀ ناشی از به‌هم‌چسبیدگی بخش‌های منفرد کازئین در هنگام تشکیل دَلَمۀ کازئین

ز، ژ

زاویهٔ پیچش torsional angle
زاویهٔ میان پیوندها در اتم‌های مجاور

زاویهٔ پیوند bond angle
زاویهٔ بین دو پیوند که در یک اتم مشترک باشند

زمان پخت cure time, curing time
فاصلهٔ زمانی میان قرارگیری یک بسپار گرماسخت در معرض شرایط پخت تا هنگامی که خواص معینی در آن پدید آید

زمسنجی cryoscopy
تعیین وزن مولکولی جسم حل‌شدنی غیرفرّار با حل کردن مقدار معینی از آن در حلاّل و ثبت نزول نقطهٔ انجماد

زمشیمی cryochemistry
مطالعهٔ واکنش‌های شیمیایی در دمای خیلی‌کم

زنجیر chain
ساختاری شیمیایی که در آن اتم‌های همانند ازطریق پیوندهای شیمیایی به یکدیگر متصل شده‌اند

زنجیره‌ای شدن catenation
تشکیل زنجیرهای بلند یا حلقه‌های چندعضوی از راه پیوند اتم‌های یک عنصر با یکدیگر

زوج تنها lone pair, unshared pair, nonbonding electron pair
زوج‌الکترونی در یک مولکول که مشترک میان دو اتم نیست و در تشکیل پیوند به‌طور مستقیم شرکت نمی‌کند

زی‌توده biomass
وزن تر یا خشک موجود یا موجودات زندهٔ یک زیستگاه یا یک تراز تغذیهٔ معین در زمانی مشخص

زی‌چسب ← زیست‌چسب

زی‌سازگار ← زیست‌سازگار

زی‌سازگاری
← زیست‌سازگاری

زیست‌بسپار biopolymer
درشت‌مولکولی که در بدن موجودات زنده تشکیل می‌شود

زیست‌چسب bioadhesive
ویژگی مواد بسپاری طبیعی که توانایی اتصال به سطح بافت‌های زنده را دارند
مت. **زی‌چسب**

زیست‌حلاّل‌شویی bioleaching
استخراج فلزات از کانی‌ها یا خاک با فرایندهای زیست‌شناختی و عمدتاً با استفاده از ریزاندامگان‌ها

زیست‌سازگار biocompatible
ویژگی فراورده‌ای که اثر سمی و زیان‌بخش در کارکرد زیستی نداشته باشد
مت. **زی‌سازگار**

زیست‌سازگاری
biocompatibility
سازگاری فراورده با شرایط زیستی و نداشتن اثر سمی و آسیب‌زا
مت. **زی‌سازگاری**

زیست‌سطح‌فعال biosurfactant
سطح‌فعالی که توسط یاخته‌های زنده سنتز می‌شود
مت. **زیست‌عاسف**

زیست‌شیمی biochemistry
علم مطالعهٔ ترکیب‌های شیمیایی در اندامگان‌های زنده

زیست‌شیمیدان biochemist
کسی که در حیطهٔ زیست‌شیمی تخصص داشته باشد

زیست‌عاسف
← زیست‌سطح‌فعال

زی‌مایه enzyme
گروهی از پروتئین‌های کاتالیزی (catalytic proteins) که یاخته‌های زنده آنها را تولید می‌کنند و حد واسط فرایندهای شیمیایی حیات هستند
مت. **آنزیم**

زی‌مایهٔ دگرریختار
allosteric enzyme
زی‌مایه/ آنزیمی که دو ساختار متمایز از هم دارد که یکی فعال و دیگری غیرفعال است
مت. **آنزیم دگرریختار**

ژل gel
پراکنه‌ای به‌صورت محلول تعلیقی یا بسپاری که رفتاری مانند جامد کشسان یا نیمه‌جامد دارد

ژل شدن gelation[1]
تشکیل شدن ژل از سُل

ژل کردن gelation[2]
تشکیل دادن ژل از سُل

س

ساختار اتمی atomic structure

آرایش اجزای اتم شامل هسته و الکترون‌هایی که در اطراف آن قرار گرفته‌اند

ساختار اول primary structure

توالی مانده‌های آمینواسیدی یا نوکلئوتیدی در یک بسپار

ساختار چپ‌گرد
left-handed structure,
left-handed

ساختار بلوری که ساختار راست‌گرد آن مانند تصویر آینه‌ای آن است

ساختار دوم
secondary structure

روابط ریختاری (steric) مانده‌هایی که در یک توالی خطی در یک بسپار به یکدیگر نزدیک هستند

ساختار راست‌گرد
right-handed structure,
right-handed

ساختار بلوری که ساختار چپ‌گرد آن مانند تصویر آینه‌ای آن است

ساختار رزونانسی
resonance structure

هریک از دو یا چند ساختار ممکنِ یک ترکیب که هندسهٔ یکسان و آرایش زوج‌الکترون‌های متفاوت دارند

ساختار ریز fine structure

ساختار ترازهای انرژی و خطهای طیف اتم یا مولکول براثر جفت‌شدگی اسپین و تکانهٔ زاویه‌ای مداری

ساختار سوم tertiary structure

تاخوردگی سه‌بعدی زنجیرهای پلی‌پپتیدی و مشخصهٔ مولکول‌های پروتئین

ساختار سهیم
contributing structure

فرمولی ساختاری از مجموعه‌فرمول‌های مربوط به یک مولکول معین که هریک از این فرمول‌ها در تابع موج کل مولکول شرکت دارد

ساختار فوق‌ریز
hyperfine structure

شکافتگی خطوط طیفی به علت برهم‌کنش گشتاورهای مغناطیسی الکترون و هستهٔ اتم

ساختار لوویس
Lewis structure,
electron-dot formula,
Lewis formula

نوعی فرمول ساختاری که در آن الکترون‌ها با نقطه نشان داده می‌شوند

ساختار مولکولی
molecular structure

نحوهٔ آرایش هسته‌ها و الکترون‌ها برای تشکیل یک مولکول

سازگاری compatibility

حالت یا توانایی حضور دو ماده در کنار هم در یک مخلوط، بدون اثر نامطلوب

سازوکار بینابینی
borderline mechanism

مراحل مختلف یک واکنش که حد واسط بیشترین و کمترین درجه است

سازوکار تبادلی
interchange mechanism

سازوکار یک واکنش جانشینی که شامل فرایند هم‌زمان تشکیل و تفکیک پیوند میان دو فلز و گروه واردشونده از یک طرف و فلز و گروه ترک‌کننده از طرف دیگر است

سازوکار تجمعی
associative mechanism

سازوکار یک واکنش جانشینی که شامل حد واسطی با عدد همارایی بیشتر از همتافت اولیه است

سازوکار تفکیکی
dissociative mechanism

سازوکار یک واکنش جانشینی که شامل حد واسطی با عدد همارایی کمتر از همتافت اولیه است

سازوکار فضای بیرونی
outer-sphere mechanism

در واکنش اکسایش-کاهش، انتقال الکترون بین دو گونهٔ همتافت که ازنظر سینتیکی بی‌اثرند؛ این انتقال ازطریق تونل‌زنی بین آن دو صورت می‌گیرد

سازوکار فضای درونی
inner-sphere mechanism

انتقال الکترون بین دو گونهٔ همتافت که یکی ازنظر سینتیکی تغییرپذیر و دیگری بی‌اثر است؛ این انتقال با پل قرار گرفتن یکی از لیگاندها بین دو هستهٔ فلزی صورت می‌گیرد

سازوکار واکنش
reaction mechanism
مراحلی متوالی که در طی آنها یک واکنش شیمیایی رخ می‌دهد

سامانهٔ بلوری crystal system
هریک از گروه‌های شش‌گانهٔ بلور براساس تقارن وجوه بلوری آنها

سامانهٔ پوششی
coating system
سامانه‌ای متشکل از تعداد معینی پوشه که هریک به ترتیبی معین و با فاصله‌های زمانی مناسب برای خشک و پخته شدن قرار می‌گیرند و معمولاً شامل یک آستری (primer) و یک یا چند میان‌پوشه و یک روپوشه است

سامانهٔ ولکانش
vulcanising system
مجموعه‌ای از عوامل و مواد پخت مورد نیاز، مانند شتاب‌دهنده‌ها، فعال‌کننده‌ها و کندکننده‌ها برای تولید محصول ولکانیده‌ای با خواص معین

سایه shade[1]
۱. رنگ حاصل از اختلاط یک رنگ‌دانه یا رَزانهٔ سیاه یا هر فام تیره با رنگ‌دانه یا رَزانهٔ دیگر ۲. عمق رنگ ۳. یک فام مشخص یا گونه‌ای که تفاوتی اندک با آن دارد
مت. **فام‌سایه**

ستون استخراج
extraction column
ستونی عمودی برای جداسازی یک یا چند جزء محلول از خوراک

ستون برخش
fractionating column
دستگاهی که با آن اجزای سیال گازی یا مایع را ازطریق برخش بخار ـ مایع یا استخراج مایع ـ مایع یا برجذبش مایع ـ جامد جدا می‌کنند

ستون تقطیر
distillation column
ستون مخصوص جداسازی اجزای محلول
مت. **برج تقطیر** distillation tower

ستون غشادار پیوسته
continuous membrane column
غشاها یا اجزای غشاداری که ترتیب چیده شدن آنها به‌نحوی است که مانند برج تقطیر عمل می‌کنند و هر سلول غشا در نقش یک مرحله است

سخت‌کننده ← عامل پخت[1]

سختی‌گیری آب
← نرم‌سازی آب

سختی مطلق absolute hardness
مقاومت پتانسیل شیمیایی الکترونی یک سامانهٔ شیمیایی در برابر تغییر در تعداد الکترون‌ها

سد پتانسیل potential barrier
ناحیه‌ای از میدان پتانسیل که در آن نیرویی در خلاف جهت حرکت بر ذره وارد می‌شود و آن را کُند می‌کند

سرریز کردن decanting
عمل ریختن مایع بدون ایجاد اختلال در رسوب زیرین

سرریزکن decanter
ظرفی برای جدا کردن دو مایع امتزاج‌ناپذیر یا ذره‌های معلق جامد در مایع، پس از ته‌نشین شدن آنها

سرریزکنی decantation
فرایند ریختن مایع بدون ایجاد اختلال در رسوب زیرین

سرستون تقطیر still head
وسیلهٔ کوچکی که در بالای ستون تقطیر گذاشته می‌شود تا قطعات دیگر، مانند دماسنج، بر روی آن نصب شود

سرعت واکنش rate of reaction
مقدار مصرف جِرم یک واکنش‌دهنده در یک واکنش شیمیایی در فاصلهٔ زمانی معین

سری الکتروشیمیایی
electrochemical series,
electromotive series
یک سری شیمیایی که بر مبنای پتانسیل الکتروشیمیایی نسبت به الکترود مرجع هیدروژن مرتب شده باشد
مترـ سری فعالیت activity series

سری حلاّلیت‌افزا
lyotropic series,
Hofmeister series
یک سری از یون‌ها با ترتیبی کاهنده که بر رفتار پراکنه‌های کلوئیدی تأثیر می‌گذارد

سری فعالیت
← سری الکتروشیمیایی

سطح مقطع cross section
سطحی که در آن احتمال رویارویی ذرات وجود دارد و این رویارویی به وقوع واکنش اتمی یا هسته‌ای خاص منجر خواهد شد

سفیدآمیخت ← رنگ‌آمیزه

سفیدگری bleaching[2]
فرایندی برای زدودن ناخالصی‌های طبیعی و مصنوعی از پارچه که در نتیجهٔ آن منسوجات تکمیل‌شده کاملاً سفید می‌شوند یا منسوج برای رنگرزی آماده می‌شود

سُل sol
محیطی که در آن ذرات کلوئیدی در بستری از جنس گاز یا مایع یا جامد پراکنده باشد

سُل شدن solation[1]
پراکنده شدن ذرات کلوئیدی در بستری از گاز یا مایع یا جامد

سُل کردن solation[2]
پراکنده کردن ذرات کلوئیدی در بستری از گاز یا مایع یا جامد

سلول cell[3]
کوچک‌ترین واحد تکرارشونده در یک بلور

سم‌دود fumigant
ماده‌ای جامد یا مایع که از بخار آن برای از بین بردن آفت‌ها استفاده می‌شود

سم‌دوددهی fumigation
استفاده از مواد شیمیایی فرّار برای از بین بردن آفت‌ها

سنتز برگشتی retrosynthesis
نوعی سنتز شیمیایی که در آن ابتدا به مولکول محصول مورد نظر توجه می‌شود و سپس گام‌به‌گام مراحلی را که در مسیر برگشت برای رسیدن به مواد اولیه مناسب باشد، در نظر می‌گیرند

سنتز یک‌کاسه
one-pot synthesis
نوعی سنتز ترکیبات آلی که در آن مواد را در یک ظرف مخلوط می‌کنند و به جای آنکه واکنش در مراحل متعدد انجام شود، به‌طور یکجا انجام می‌شود

سَوانگار chromatograph
سنج‌افزاری ویژهٔ سوانگاری

سَوانگاری chromatography
روشی برای جداسازی اجزای یک مخلوط با عبور دادن یک فاز متحرک از روی یک فاز ساکن

سَوانگاری اندازه‌ای
size exclusion chromatography
نوعی سوانگاری مایعی که در آن جداسازی صرفاً براساس اندازهٔ مواد صورت می‌گیرد

سَوانگاری تبادل یونی
ion exchange chromatography

نوعی سوانگاری مایعی که در نتیجهٔ برهم‌کنش‌های یونی صورت می‌گیرد

سَوانگاری ژل‌تراوشی
gel-permeation chromatography

نوعی سوانگاری اندازه‌ای که از آن برای جداسازی مواد غیرآبی براساس وزن مولکولی آنها استفاده می‌شود

سَوانگاری ژل‌صافشی
gel-filtration chromatography

نوعی سوانگاری اندازه‌ای که در آن از فاز متحرک آبی برای جداسازی مواد براساس وزن مولکولی آنها استفاده می‌شود

سَوانگاری فازمعکوس
reverse-phase chromatography

نوعی سوانگاری که در آن زنجیرهای کربن آب‌گریز با گروه‌های آب‌دوست در یک بسترهٔ نگهدارنده مبادله می‌شوند

سَوانگاری گاز ـ جامد
gas-solid chromatography, GSC

نوعی سوانگاری که در آن از یک فاز متحرک گاز و یک فاز ثابت برجذبندهٔ اصلاح‌نشده استفاده می‌شود

سَوانگاری گاز ـ مایع
gas-liquid chromatography

نوعی سوانگاری که در آن فاز متحرک گاز است و فاز ثابت جامدی است که با یک فاز ثابت مایع پوشیده شده است

سَوانگاری گازی
gas chromatography

روشی برای سوانگاری مخلوط گازی که در آن گاز از یک ستون بلند دارای یک فاز جاذب ساکن عبور می‌کند و مخلوط گازها از هم جدا می‌شوند

سَوانگاری گازی مویینه‌ای
capillary gas chromatography

روشی در جداسازی که در آن نمونهٔ گازی را از درون لولهٔ مویین عبور می‌دهند که دیواره‌های داخلی آن دربردارندهٔ فیلم (film) نازکی از یک مادهٔ برجذبنده است

سَوانگاری لایه‌نازک
thin-layer chromatography, TLC, planar chromatography

نوعی سوانگاری که در آن فاز متحرک از روی جذب‌کننده‌ای که بر روی لایه‌ای نازک قرار دارد می‌گذرد

سَوانگاری لایه‌نازک شعاعی radial thin-layer chromatography
نوعی سوانگاری لایه‌نازک که در آن نمونه در مرکز یک صفحهٔ گرد قرار می‌گیرد و حلاّل متحرک از مرکز شروع به خیس کردن صفحه می‌کند

سَوانگاری مایعی liquid chromatography
نوعی سوانگاری که در آن فاز متحرک مایع و فاز ثابت جامد یا مایع بر روی یک نگهدارندهٔ جامد قرار دارد

سَوانگاری مایعی کارا high performance liquid chromatography
نوعی سوانگاری مایعی که در آن فاز مایع به‌آسانی تغییر می‌کند و در قدرت تفکیک و زمان تجزیه اثر می‌گذارد

سَوانگاشت chromatogram
نمودار شویش اجزای یک مخلوط برحسب زمان یا حجم

سوختن combustion
واکنش یک عنصر یا ترکیب شیمیایی با اکسیژن و تشکیل فراوردهٔ جدید که با تولید گرما و غالباً نور همراه است
متـ .**احتراق**

سولفودار شدن[1] sulphonation
جانشین شدن گروه HSO_3 به جای اتم هیدروژن

سولفودارشده sulphonated
ترکیبی آلی که در آن گروه HSO_3 وارد شده باشد

سولفودار کردن[2] sulphonation
جانشین کردن گروه HSO_3 به جای اتم هیدروژن

سیرشدگی saturation
وضعیتی که در آن یک محلول دارای حداکثر مقام جسم حل‌شده در دمای معین باشد
متـ . **اشباع، اشباع‌شدگی**

سیرشده saturated
ویژگی محلولی که مادهٔ حل‌شده در آن در حدِ انحلال‌پذیری باشد
متـ .**اشباع‌شده**

سیرنشدگی unsaturation
وضعیتی که در آن مادهٔ حل‌شده در محلول کمتر از حدِ انحلال‌پذیری حلال باشد
متـ .**اشباع‌نشدگی**

سیرنشده unsaturated
ویژگی محلولی که بتواند مقادیر جدیدی از مادهٔ حل‌شده را در خود حل کند
متـ .**اشباع‌نشده**

سیلیس silica

سیلیسیم‌دی‌اکسید طبیعی که به‌صورت متبلور و در شکل‌های گوناگون در طبیعت یافت می‌شود

سینتیک شیمیایی
chemical kinetics,
reaction kinetics

شاخه‌ای از شیمی‌فیزیک که به مطالعهٔ سازوکار و سرعت واکنش‌های شیمیایی می‌پردازد

سینتیک فیزیکی
physical kinetics

مبحثی که به مطالعهٔ مبادلهٔ کمیت‌های فیزیکی مانند ماده و تکانه و گرما از یک بخش به بخش دیگر سامانه می‌پردازد

ش

شاخص بس‌پراکندگی
← بس‌پراکندگی

شار شیمیایی chemical flux, chemiflux
مقدار تبدیل ماده‌ای معین در واحد حجم و در واحد زمان در یک واکنش شیمیایی

شال ← شمار اتصال لیگاند

شبکهٔ بلور crystal lattice
آرایش دوره‌ای منظم نقطه‌ها در فضای سه‌بعدی که معرف ساختار بلوری است

شبه‌چرخش pseudorotation
ساختاری ناشی از همپارش فضایی که به نظر می‌رسد در نتیجهٔ چرخش کل مولکول اولیه حاصل شده و قابل انطباق بر مولکول اولیه است، مگر در برخی مواضع که با جایگزینی قابل تشخیص است

شبه‌فلز metalloid, semimetal
عنصری که خواص آن بینابین خواص فلزها و نافلزهاست

شش‌گوش تنگ‌چین
← بلور تنگ‌چین

شکست refraction
تغییر جهت انتشار موج هنگامی که از محیطی به محیط دیگر با سرعت انتشار متفاوت حرکت می‌کند

شکل هندسی مولکول molecular geometry
آرایش اتم‌ها در پیرامون اتم مرکزی یک مولکول یا یون چنداتمی، بدون در نظر گرفتن زوج‌الکترون‌های تنها

شمار اتصال لیگاند hapticity
تعداد الکترون‌هایی که در یک لیگاند به‌طور مستقیم با فلز در همارایی شرکت می‌کنند
/ختـ .**شال**

شمارِ بار charge population
بار الکتریکی خالص روی اتمی معین در یک مولکول که ازنظر تجربی قابل اندازه‌گیری اما با تعریف می‌توان آن را مشخص کرد

شمار عامل functionality[1]
تعداد گروه‌های عامل موجود در یک خانک

شمار مولکولی molecularity
تعداد مولکول‌هایی که در یک واکنش شیمیایی گرد هم می‌آیند و همتافت فعال‌شده تشکیل می‌دهند

شناورسازی floatation
فرایندی که در طی آن با شناور کردن گروهی از ذرات جامد و استفاده از تفاوت خواص شیمیایی سطحی این ذرات، آنها را از هم جدا می‌کنند

شوره‌زدایی denitrification[1]
تبدیل نیترات به آمونیاک در خاک به‌وسیلهٔ برخی از باکتری‌ها که در نتیجهٔ آن نیترات یا شورهٔ خاک کاهش می‌یابد

شویش elution
فرایند انتقال مادهٔ جذب‌شده ازطریق شست‌وشوی آن با یک جریان مایع یا گاز

شویندگی detergency
فرایندی که در آن چرک را از منسوج یا مادهٔ مورد نظر جدا و وارد محلول می‌کنند

شویندهٔ دوخصلتی
ampholytic detergent
شوینده‌ای که در محلول اسیدی، کاتیونی و در محلول بازی، آنیونی است

شویندهٔ سخت hard detergent
مادهٔ شوینده‌ای که در طبیعت تجزیه نمی‌شود

شیشه‌ای vitreous
ویژگی جامدی که در آن اتم‌ها یا مولکول‌ها فاقد نظم پردامنه باشند

شیشه‌ای شدن vitrification
پیدایش حالتی که در آن اتم‌ها یا مولکول‌ها نظم پردامنه نداشته باشند

شیمی اَبَرمولکولی
supramolecular chemistry

حوزه‌ای از علم شیمی که موضوع مطالعهٔ آن شکل‌گیری و خواص اَبَرمولکول‌هاست

شیمی ترکیبی
combinatorial chemistry

روشی برای واکنش دادن تعداد کمی از مواد شیمیایی برای تولید هم‌زمان تعداد بسیار زیادی از ترکیبات که با غربالگری این ترکیبات محصولات مفیدی مانند گزینه‌های دارویی مشخص می‌شوند

شیمی جوّ
atmospheric chemistry

بررسی ترکیب جوّ و تبدیل‌های شیمیایی آن

شیمی دارویی
pharmaceutical chemistry,
pharmacochemistry,
medicinal chemistry

دانشی میان‌رشته‌ای در حوزهٔ شیمی و داروشناسی که موضوع آن مطالعهٔ ساختار و سنتز و خواص شیمیایی دارو است

شیمی فضایی stereochemistry

مطالعهٔ آرایش فضایی اتم‌ها و مولکول‌ها

شیمی‌گزین chemoselective

واکنشگری که با یک گروه عامل در حضور گروه‌های عامل مشابه به‌طور گزینشی عمل می‌کند

شیمی‌گزینی chemoselectivity

واکنشی که در آن یک مادهٔ شیمیایی تمایل به واکنش با تعداد محدودی گروه عامل دارد

شیمی مواد غذایی
food chemistry

شاخه‌ای از علوم غذایی که ساختار شیمیایی و خواص مواد غذایی و تغییرات شیمیایی آنها را در مراحل فراوری و توزیع و نگهداری بررسی می‌کند

شیمی میزبان ـ مهمان
host-guest chemistry

شیمی مولکول‌هایی با طراحی خاص که به‌عنوان میزبان مولکول‌های دیگر عمل می‌کنند

شیو الکتروشیمیایی
electrochemical gradient

تفاوت غلظت یونی و پتانسیل الکتریکی بین نقاط مختلف یک محلول یا در دو طرف یک غشای زیستی

شیو غلظت
concentration gradient

تفاوت غلظت یک ماده در نقاط مختلف یک محلول یا در دو طرف یک غشای زیستی

ص

صابونی شدن saponification

واکنشی شیمیایی که در آن یک باز یا چربی یا اسید چرب به صابون تبدیل می‌شود

صافش filtration

فرایند جدا کردن یا جدا شدن مواد معلق از سیال با عبور آن از محیطی که ذرات را عبور نمی‌دهد

صافش‌پذیر filterable

ویژگی مخلوط جامد ـ سیالی که بتوان آن را صاف کرد

صافش‌پذیری filterability

قابلیت صافش مخلوط جامد- سیال

صافش تماسی

contact filtration

نوعی فرایند جداسازی که در آن ذرات جاذب با مایع مخلوط و پس از جذب مواد مورد نظر، مایع صاف می‌شود

صافی filter

جسمی متخلخل برای جداسازی جامدات معلق از مایعات یا گازها

* مصوب فرهنگستان اول

صافی خلأ vacuum filter

نوعی صافی که مخلوط جامد ـ مایعی به سمت پرفشار آن خورانده می‌شود و براثر خلأ یا فشار کم در سمت دیگر، مایع از صافی عبور می‌کند و لایه‌ای از جامد بر روی صافی باقی می‌ماند

صافیده filtrate, mother liquor, strong liquor

سیال خروجی در فرایند صافش

صافی فشاری filter press

دستگاهی متشکل از چند قاب صافی که سیال با فشار از آنها می‌گذرد و صاف می‌شود

صعود نقطهٔ جوش
boiling point elevation

افزایش نقطهٔ جوش محلول در مقایسه با نقطهٔ جوش حلاّل خالص که در نتیجهٔ تأثیر جسم حل‌شده پدید می‌آید

صفحهٔ دستوارگی
chirality plane

صفحه‌ای که بخشی از مولکول نسبت به آن تصویر آینه‌ای نداشته باشد

صفر مطلق absolute zero

دمایی که در آن فرض بر این است که حرکت مولکولی از میان می‌رود و جسم دارای انرژی گرمایی نیست

صورت‌بندی قایقی
boat conformation

شکل فضایی قایق‌مانندی که سیکلوهگزان یا ترکیب‌های مشابه به خود می‌گیرند

ض

ضدکف ← مادهٔ ضدکف

ضریب بازداری
retention factor

نسبت مقدار مادهٔ حل‌شده در فاز ایستا به مقدار آن در فاز متحرک

ضریب توزیع غشا
membrane partition coefficient, membrane distribution coefficient

نسبت غلظت تعادلی یک جزء در غشا به غلظت تعادلی همان جزء در فاز بیرونی و در تماس با سطح غشا

ضریب جداسازی
separation coefficient

نسبت ترکیب‌درصدهای A و B در جریان خروجی تقسیم بر نسبت ترکیب‌درصدهای A و B در جریان ورودی

ضریب جداشدگی
separation factor

نسبت ترکیب‌درصدهای A و B در محصول تراویده از غشا تقسیم بر نسبت ترکیب‌درصدهای A و B در جریان باقی‌مانده بر روی غشا

ضریب جذب
absorption coefficient

کسری از انرژی که در فرایند جذب در واحد طول مسیر در واحد غلظت (مولار) جذب می‌شود

مترـ **نسبت جذب** absorption ratio

ضریب حل‌پذیری
solubility coefficient

حجمی از گاز که می‌تواند در دما و فشار مشخصی در واحد حجم حلاّل حل شود

ضریب سرعت نسبی partial rate factor

نسبت سرعت جانشینی در یک جایگاه خاص در یک ترکیب آروماتیک (aromatic) به سرعت جانشینی در یک موقعیت در بنزین

ضریب شکست refractive index

نسبت سرعت فاز تابش الکترومغناطیسی در خلأ به سرعت فاز در محیط شفاف

ط، ظ

طیف ارتعاشی
vibrational spectrum

طیفی مولکولی که براثر گذار بین ترازهای ارتعاشی پدید می‌آید

طیف انتقال بار
charge transfer spectrum

نوار طیفی با ضریب خاموشی زیاد که نتیجهٔ حرکت الکترون بین مولکول‌ها، و در همتافت‌ها، نتیجهٔ حرکت الکترون از مرکز فلزی به لیگاند یا برعکس است

طیف پراش
diffraction spectrum

طیفی که براثر پراش و به دلیل وجود طول‌موج‌های مختلف در نور چشمه پدید می‌آید

طیف جذبی
absorption spectrum

گستره‌ای از انرژی‌های الکترومغناطیسی که آرایش آنها براساس افزایش یا کاهش طول‌موج یا بسامد است

طیف چرخشی
rotational spectrum

طیف مولکولی‌ای که از گذار بین ترازهای چرخشی به وجود می‌آید

طیف‌نمایی یونشی تشدیدی
resonance ionization spectroscopy, RIS

روشی در طیف‌نمایی که در آن تک‌اتم‌های یک گاز به‌کمک لیزری که اتم را یونیده می‌کند شناسایی می‌شوند

طیف‌نورسنج دوباریکه‌ای
double-beam spectrophotometer, dual-beam spectrophotometer

سنج‌افزاری مجهز به یک مدار فتوالکتریک که برای اندازه‌گیری تفاوت جذب دو طول‌موج خیلی نزدیک‌به‌هم به کار می‌رود

طیف‌نورسنجی بازتابشی reflectance spectrophotometry

روشی برای اندازه‌گیری نسبت شار تابشی از نمونه‌ای با قابلیت پخش نور به نوری که از یک نمونهٔ استاندارد پخش می‌شود

ظرفیت capacitance

نسبت بار الکتریکی ذخیره‌شده بر روی یکی از صفحه‌های خازن به اختلاف پتانسیل میان دو صفحهٔ آن

ظرفیت گرمایی heat capacity

مقدار گرمایی که باید به جسم داده شود تا دمای آن یک درجه افزایش یابد

ظرفیت گرمایی مولی molar heat capacity

گرمای لازم برای آنکه دمای یک مول از مادهٔ مورد نظر به اندازهٔ یک درجهٔ کلوین افزایش یابد

ع

عاسف ← عامل سطح‌فعال

عامل استخراج extractant
حلاّلی که از آن برای جدا کردن یک جزء از مخلوط مایع استفاده شود

عامل پخت[1] curing agent
ترکیباتی که با رزین‌های بسپاری واکنش می‌دهند تا آنها را سخت کنند
متـ. **سخت‌کننده** hardener

عامل پخت[2] vulcanising agent
ماده‌ای در آمیزه‌سازی که در لاستیک اتصال عرضی ایجاد می‌کند

عامل پراکنش dispersing agent
یکی از افزودنی‌های مورد استفاده در تولید پراکنه‌ها که وظیفهٔ آن آسان‌سازی پراکنش اجزای جامد در فاز مایع و افزایش پایداری مخلوط است
متـ. **پراکنش‌یار** dispersant

عامل حل‌پذیرساز
solubilizing agent
هر ماده‌ای که به حل‌پذیری مواد کمک کند

عامل سطح‌فعال surfactant, surface active agent, tenside
هر ماده‌ای که از کشش سطحی یا بین‌سطحی محیطی که در آن حل شده است بکاهد
/ختـ./ **عاسف**

عامل منزوی‌ساز
sequestring agent
ماده‌ای که با تشکیل یون همتافتی که فاقد واکنش‌های یون مزبور است، یون فلزی را از محلول حذف کند

عامل نامیزه‌ساز ← نامیزه‌ساز

عامل واسرشتن
denaturing agent

عاملی که خواص پروتئین را در محلول آبی تغییر می‌دهد

عامل هسته‌زایی
nucleating agent

عاملی که هسته‌ها را برای تبلور فراهم می‌کند

عدد اشغال occupation number

تعداد ذراتی که در حالت کوانتومی معینی قرار دارند

عدد پیوند bond number

تعداد پیوندهای زوج‌الکترونی بین دو هسته در هر فرمول لوویس

عدد خنثایش
neutralization number

مقدار پتاسیم هیدروکسید لازم برای خنثی کردن اسید موجود در یک گرم نفت برحسب میلی‌گرم

عدد کف foam number

حجم مایع جداشده پس از مدت‌زمانی مشخص که به‌صورت درصدی از حجم اولیهٔ مایع کف‌شده بیان می‌شود

عدد کوانتومی مغناطیسی
magnetic quantum number

عدد کوانتومی که مولفهٔ تکانهٔ زاویه‌ای را در امتدادی خاص نشان می‌دهد

عدد مویینگی capillary number

نسبت بدون بُعد بزرگای گران‌رَوی به نیروهای مویینگی

عدد هم‌آرایی
coordination number

تعداد یون‌ها یا گروه‌های مولکولی که در ترکیب اطراف یک یون معین قرار گرفته باشند

عملگر تبادل
exchange operator

عملگری که چنانچه بر سامانه‌ای دوذره‌ای اثر کند، سبب مبادلهٔ اسپین‌ها و مختصه‌های فضایی آنها می‌شود

عناصر خاکی کمیاب
rare-earth elements, REE

عناصری با عدد اتمی ۵۷ تا ۷۱ که دارای ویژگی‌های شیمیایی یکسانی هستند

عنصر element

مادهٔ ساخته‌شده از اتم با عدد اتمی یکسان

عنصر دستوارگی
chirality element

اصطلاحی عام که بـه معنـای محـور و مرکز و صفحهٔ دستوارگی است

عنصر فرااورانیم
transuranium element,
transuranic element

عنصری که عدد اتمـی آن بیشـتر از ۹۲ باشد

عنصر واسطه
transition element,
transition metal

عنصری از گروه عنصرهای فلـزی کـه در آن به جای پر شدن لایهٔ بیرونی تـا ۸ الکترون، لایهٔ زیرین از ۸ تا ۱۸ یـا ۳۲ الکترون در حال پر شدن است

عنصرهای اَبَرسنگین
superheavy elements

مجموعه‌ای از عناصر تقریباً پایـدار، بـا عـدد اتمـی حـدود ۱۱۴ و عـدد جرمـی حـدود ۲۹۸، کـه وجودشـان پـیش‌بینـی شده است

غ

غشا membrane

لایه‌ای نازک که نسبت ابعاد جانبی به ضخامت آن بسیار زیاد است و با عبور سیال از آن، جداسازی براثر نیروهای رانشی انجام می‌شود

غشاسازی درجا dynamic membrane formation

فرایند تشکیل لایهٔ فعال بر سطح غشا براثر رسوب مواد موجود در سیال مورد استفاده

غشای بی‌تقارن
asymmetric membrane

غشایی با دو یا چند لایه که بافت‌های متفاوتی دارند

غشای چگال dense membrane, non-porous membrane

غشایی با منافذ غیرقابل‌تشخیص و تراوایی کم

غشای چندلایه
composite membrane

نوعی غشا که از نظر ساختار فیزیکی یا شیمیایی لایه‌های مختلفی دارد

غشای مصنوعی
synthetic membrane, artificial membrane

غشایی که فرایند تشکیل آن طبیعی نباشد

غشای همگن
homogeneous membrane

غشایی با ساختار و ویژگی‌های انتقال‌دهندگی یکسان در تمام ضخامت آن

غلظت concentration

جِرم یا حجم یا تعداد مول‌های جسم حل‌شده در مقدار معینی حلاّل یا محلول

غلظت حجمی بحرانی رنگ‌دانه
critical pigment volume concentration, CPVC

آن میزان از غلظت حجمی رنگ‌دانه در پوش‌رنگ خشک که در آن، برای پر کردن حفره‌های بین ذرات رنگ‌دانه، پیوندهٔ کافی وجود دارد و سبب تغییر ناگهانی در خواص فیلم (film) پوش‌رنگ می‌شود

غلظت حجمی رنگ‌دانه
pigment volume concentration, PVC

غلظت رنگ‌دانه در پوش‌رنگ یا خمیر آسیا (mill base) یا فیلم (film) خشک که معمولاً به شکل درصد حجمی جزء نافرّار بیان می‌شود

ف

فاز phase

بخشی از یک سامانهٔ فیزیکی همگن با مرزهای مشخص که می‌توان آن را ازلحاظ فیزیکی از بخش‌های دیگر جدا کرد

فاز پراکنده disperse phase, dispersed phase

فازی از یک سامانه، شامل ذرات یا قطرات ماده‌ای که در فاز دیگر پراکنده می‌شود

فاز شبه‌پایدار metastable phase

وضعیتی که در آن یک ماده به‌صورت جامد یا مایع یا بخار باقی می‌ماند، درحالی‌که در چنین شرایطی انتظار می‌رود ناپایدار باشد

فام hue, shade[2]

مشخصه‌ای از رنگ که تعیین‌کنندهٔ قرمز یا زرد یا آبی یا به رنگ دیگر بودن آن است

* در صنعت جوهر، واژهٔ shade به این معنا به کار می‌رود

فام‌سایه ← سایه

فام‌نابی chromaticity

مشخصه‌های محرکی رنگی متناسب با مختصات آن بر روی صفحه در یک فضارنگ دوبُعدی که شامل فام و نابی است

فراصافش ultrafiltration

جداسازی مواد جامد کلوئیدی یا بسیار ریز با صاف کردن و عبور دادن سیال از محیط‌های ریزمنفذ یا نیمه‌تراوا

فراگریزانه ultracentrifuge

دستگاه مرکزگریزانه‌ای که میدان مرکزگریزی آن ممکن است بالغ بر صدهزار برابر میدان گرانش باشد

فراوانی ایزوتوپی
isotopic abundance

نسبت تعداد اتم‌های ایزوتوپ خاصی از یک عنصر به تعداد کل اتم‌های همان عنصر در نمونهٔ مورد بررسی

فراوانی برخورد
collision frequency

تعداد متوسط برخوردهای هر ذره در واحد زمان در هنگام عبور از گاز یا محیطی دیگر

فراورده‌های پتروشیمی
petrochemicals

فراورده‌های حاصل از نفت یا گاز طبیعی

فرایند برگشت‌پذیر
reversible process

فرایند ترمودینامیکی آرمانی‌ای که با تغییر بسیار جزئی شرایط بتوان آن را در جهت مخالف تکرار کرد

فرایند سُل ـ ژل sol-gel process

فرایند انتقال پراکنه‌ای از ذرات کلوئیدی به حالت ژل

فرایند گرمادِه
exothermic process

فرایندی که در آن گرما آزاد می‌شود

فرایند گرماگیر
endothermic process

فرایندی که انجام شدن آن نیازمند گرما باشد

فرایند هم‌دما
isothermal process

فرایندی ترمودینامیکی که در آن دمای دستگاه ثابت می‌ماند

فرایند هم‌فشار isobaric process

فرایندی ترمودینامیکی که در فشار ثابت اتفاق می‌افتد

فرمول‌بندی formulation

روشی برای انتخاب اجزای یک مخلوط

فرمول تجربی
empirical formula

فرمول شیمیایی که کمترین عدد نسبی اتم‌های هر عنصر را در یک ترکیب نشان می‌دهد

فرمول خطی line formula

نمایش دوبعدی گونه‌های مولکولی که در آن اتم‌ها با خطوطی که نمایشگر پیوندهای یگانه یا چندگانه‌اند به هم وصل می‌شوند، بی‌آنکه دلالتی بر وضعیت فضایی پیوندها داشته باشند

فرمول خطی ویس‌وِسِر
Wiswesser line notation, WLN, Wiswesser line formula, line-formula method

سامانهٔ نشانه‌گذاری کربن‌ها که شامل نمایش عنصرهای شیمیایی گروه‌های عامل و سامانه‌های حلقوی در یک خط است

فرمول ساختاری فشرده
condensed structural formula

نمایش ساختار یک ترکیب که در آن همهٔ اتم‌های موجود در یک مولکول یا گونهٔ شیمیایی دیگر نشان داده می‌شود و تنها پیوندهای معینی را با به کار بردن یک خط کوتاه نشان می‌دهند که حاکی از ویژگی‌های ساختاری ترکیب است

فشار اُسمزی
← فشار گذرندگی

فشار گذرندگی
osmotic pressure

۱. فشار وارد بر غشای نیمه‌تراوایی که بین یک حلاّل خالص و یک محلول، یا بین دو محلول با غلظت‌های متفاوت، قرار گرفته باشد ۲. مقدار فشار اضافی که باید اعمال شود تا مانع عبور سیال از غشای نیمه‌تراوا شود
مترـ .**فشار اُسمزی**

فشار مویینگی
capillary pressure

فشار ناشی از مویینگی که در مایعات تحت تأثیر کشش سطحی به وجود می‌آید

فضاگزین stereoselective

همپار فضایی در یک واکنش شیمیایی که بر شکل‌گیری همپارهای فضایی دیگر ارجحیت دارد

فضاگزینی stereoselectivity

شکل‌گیری یک همپار فضایی در یک واکنش شیمیایی که بر شکل‌گیری همپارهای فضایی دیگر ارجحیت دارد

فضاویژگی stereospecificity

شرایط بسپاری که ساختار مولکولی آن آرایش فضایی ثابتی از اتم‌های سازنده دارد

فضاویژه stereospecific

ویژگی واکنشی که در آن واکنش‌دهنده‌ها فقط ازنظر پیکربندی فضایی با هم تفاوت دارند و به همپارهای فضایی مختلفی تبدیل می‌شوند

فضای فاز phase space

در سامانه‌ای با n درجهٔ آزادی، فضای ۲n بُعدی با محورهای (q1, q2, …, qn, p1, p2, …, pn) که در آن qs بیانگر درجهٔ آزادی سامانه و ps تکانه‌های متناظر با qs است

فعال‌ساز activator
مـاده‌ای کـه باعـث واکـنش‌پـذیر شـدن ماده‌ای دیگر می‌شود

فعال‌سازی activation
فرایند آمایش (treatment) یـک مـاده بـا گرما یا تابش یا یک مادهٔ فعال‌کننده کـه براثـر آن انـرژی درونـی مـادهٔ اولیـه افزایش می‌یابد

فعال‌سازی دگرریختاری
allosteric activation, positive allosteric control
افزایش فعالیت کاتالیزی زی‌مایه/ آنزیم ازطریـق اتصـال یـک عامـل مـؤثر در موضـعی متفـاوت بـا موضـع فعـال زی‌مایهٔ دگرریختار/ آنزیم دگرریختار

فعال نوری optically active
ماده‌ای که می‌تواند صـفحهٔ نورقطبیـدهٔ مسطح را به راست یا چپ بچرخاند

فعالیت نوری[۱] optical activity[1]
چرخش صفحهٔ قطـبش نـور در هنگـام گذر از بعضی محیط‌ها
مت. **قطبش چرخشی**
rotary polarization

فعالیت نوری[۲] optical activity[2]
ویژگـی مـوادی کـه قابلیـت چرخانـدن صـفحهٔ قطـبش باریکـهٔ نورقطبیـده را دارند

فلز قلیایی خاکی
alkaline earth metal
هریک از فلزهای سنگین‌تـر گـروه دوم جـدول تنـاوبی کـه در پوسـتهٔ زمـین فراوان یافت می‌شود

فلز مولکولی molecular metal
مادهٔ نافلزی که خواصی شبیه به فلزات دارد و معمولاً از دوپه کردن اکسایشی (oxidation doping) حاصل می‌شود

فوتویونش photoionization, atomic photoelectric effect
فرایندی که در آن براثر جـذب فوتـون، الکترون‌های اتم یا مولکـول از آن جـدا می‌شوند

فوق مزدوج‌شدگی هم‌ظرفیت
isovalent hyperconjugation
ترتیبی از پیوندها در یک مولکول فـوق مزدوج به‌گونه‌ای‌کـه تعـداد پیونـدها در دو ساختار رزونانسی یکسان است، اما یکـی از سـاختارها ازنظـر انـرژی نامساعدتر از دیگری است

ق

قارچ‌کش fungicide

ماده‌ای شیمیایی که از آن برای از بین بردن قارچ‌ها استفاده می‌شود

قاعدهٔ اهرم lever rule[1]

قاعده‌ای که براساس آن مقادیر نسبی دو فاز a و b در حالت تعادل به یکدیگر مرتبط می‌شوند

قاعدهٔ عدم تقاطع
non-crossing rule

قاعده‌ای که براساس آن هنگامی که انرژی پتانسیل دو حالت الکترونی یک مولکول دواتمی به‌صورت تابعی از فاصلهٔ بین‌هسته‌ای رسم شود، منحنی‌های آنها یکدیگر را قطع نمی‌کنند، مگر آنکه تقارن این حالت‌ها متفاوت باشد

قاعدهٔ فاز phase rule, Gibbs phase rule

برای هر سامانهٔ تعادلی رابطهٔ P+F=C+2 برقرار است که در آن P تعداد فازهای مجزا و FC تعداد اجزا و درجهٔ آزادی سامانه باشد

قاعدهٔ گزینش لاپورت
Laporte selection rule

قاعدهٔ گزینشی در طیف‌های اتمی که براساس آن خطوط طیفی مربوط به تابش الکتریکی- دوقطبی از جهش‌های بین ترازهای با جُفتایی (parity) مخالف ناشی می‌شود

قاعدهٔ هشت‌تایی octet rule, chemical octet rule

قاعده‌ای که بر مبنای آن اکثر اتم‌ها در هنگام پیوندش، غالباً الکترون‌هایی را از دست می‌دهند یا می‌گیرند یا به اشتراک می‌گذارند تا لایهٔ بیرونی آنها هشت‌الکترونی و پایدار شوند

قالب‌گیری پودر
powder moulding

نوعی فرایند قالب‌گیری که در آن بسپارهایی نظیر پلی‌اتیلن و نایلون به داخل قالب‌های گرم وارد و فشرده می‌شود و با سازوکارهای گوناگون و ذوب موضعی یا تفجوشی لایهٔ یکنواختی به شکل همان قالب به وجود می‌آید

قانون اهرم lever law, lever rule[2]

روشی برای تعیین مقدار هریک از فازها در ناحیه‌ای دوفازه با استفاده از نمودار فاز

قانون نسبت‌های چندگانه
law of multiple proportions

قانونی که براساس آن چنانچه دو عنصر A و B دو ترکیب تشکیل دهند، جِرم‌های متفاوت B را که با جرم معینی از A ترکیب می‌شود، می‌توان به‌صورت نسبتی از اعداد طبیعی کوچک بیان کرد

قانون نسبت‌های معین
law of definite proportions, law of definite compositions

قانونی که براساس آن در یک ترکیب شیمیایی معین نسبت جِرمی اجزای سازندهٔ آن همواره مقدار ثابت است

قدرت رنگ‌آمیزی
tinting strength, staining power, tint strength

معیاری برای تعیین میزان رنگ‌بخشی یک واحد از رنگ‌بخش

قدرت یونی ionic strength

مقدار برهم‌کنش متوسط ایستابرقی/ الکترواستاتیکی میان یون‌های یک برق‌کاف

قرع retort

ظرف شیشه‌ای کروی با گردن بلند و متمایل به سمت پایین که برای تقطیر از آن استفاده می‌کنند

قطبش polarization

تغییر شکل ابر الکترونی در اطراف هسته

قطبش تخت ← قطبش خطی

قطبش چرخشی
← فعالیت نوری[1]

قطبش خطی linear polarization

قطبش موج الکترومغناطیسی که در آن بُردار الکتریکی در هر نقطه همواره راستای ثابتی دارد

مترـ .**قطبش تخت** plane polarization

قطبش‌سنج polarimeter
دستگاهی برای اندازه‌گیری میزان چرخش نوری یک مولکول دستوار در برابر نور قطبیدهٔ مسطح

قطبش‌سنجی polarimetry
اندازه‌گیری میزان چرخش نوری یک مولکول دستوار در برابر نور قطبیده مسطح

قطبش مغناطیسی
magnetic polarization
قطب‌دار شدن برخی مولکول‌ها یا ساختارهای بلوری در میدان مغناطیسی به سبب ماهیت نامتقارن آنها

قطبش‌نگاری polarography
نوعی روش تجزیه براساس الکتروشیمی

قطبش‌نگاشت polarogram
نمودار جریانی که در برابر ولتاژ الکترودِ حاصل از تجزیهٔ قطبش‌نگاشتی یک برق‌کاف ایجاد می‌شود

قطبش‌نگاشتی polarographic
مربوط به قطبش‌نگاری

قطبنده polarizer
ابزاری که نور را قطبیده می‌کند

قطبی polar
مربوط به مولکول یا پیوندی که چگالی الکترون در یک سمت آن بیش از سمت دیگر باشد

قطبیدن polarize
ایجاد بارهای جزئی مثبت و منفی در یک مولکول

قطبیده polarized
ویژگی مولکولی که بارهای جزئی مثبت و منفی آن به‌صورت جداگانه قرار گیرند

قطرک droplet
گویچه‌ای مایع که قطری کمتر از ۰/۲ میلی‌متر داشته باشد

قطره drop
گویچه‌ای مایع که قطری بیش از ۰/۲ میلی‌متر داشته باشد

قلیا alkali
ترکیب دارای کیفیت بازی

قلیاب lye
۱. محلول پتاسیم‌هیدروکسید یا سدیم‌هیدروکسید که در صنعت به‌عنوان محلول قلیایی قوی به کار می‌رود ۲. محلولی قلیایی که از خیساندن خاکستر چوب به دست می‌آید

قلیاب حدی limiting lye
کمترین حد قلیاب که دیگر صابون در آن حل نمی‌شود

قلیاسنجی alkalimetry
اندازه‌گیری کمّی غلظت بازها یا مقدار باز آزاد در محلول

ک

کاتُد cathode

الکترود منفی که در آن واکنش کاهش رخ می‌دهد

کات کبود blue vitriol

محلول آبی مس‌سولفات

کاتیون cation

یونی که بار مثبت دارد

کاتیون حلاّل lyonium ion

کاتیونی که از پروتون‌دار کردن مولکول حلاّل به دست می‌آید

کاتیونی cationic

مربوط به کاتیون

کاغذ پوشش‌دار coated paper

کاغذی که برای بهبود کیفیت، سطح آن با مخلوطی از پیونده‌ها، مثل نشاسته یا شیرابهٔ بسپارها، و/ یا رنگدانه آغشته و پوشانده می‌شود

کاغذ سنباده sandpaper

کاغذ چغری که با یک سایا (abrasive) مثل گارنت یا سیلیسیم‌کاربید یا آلومینیم‌اسید پوشانده می‌شود و برای صاف کردن سطح به کار می‌رود

کاغذ صافی filter paper

نوعی کاغذ متخلخل سلولوزی که برای صافش به کار می‌رود

کاف نوار band gap

حداقل فاصلهٔ انرژی بین بالاترین حالت اشغال‌شده و پایین‌ترین حالت خالی در جسم نیم‌رسانا

کانی‌زدایی demineralization

فرایند جدا کردن مواد معدنی محلول از آب

کاوَند probe

هر ابزار اندازه‌گیری که برای دریافت اطلاعاتی ویژه در محیط جا داده شود

کاهش reduction

واکنشی شیمیایی که در آن عنصری الکترون بگیرد و به‌این‌ترتیب ظرفیت مثبت آن کاهش یابد

کاهنده reductant

ماده‌ای که به عنصر یا ترکیب الکترون دهد و بدین‌ترتیب از ظرفیت مثبت آن بکاهد

کربن شدن carbonization[1], carburization[1]

تبدیل ترکیب آلی به کربن یا کربن‌دار شدن سطح به‌کمک گرما

کربن فعال activated carbon, activated charcoal

نوعی زغال متخلخل فراوری‌شده که به‌سادگی مقادیر زیادی گاز یا بخار یا ناخالصی‌های نامطلوب را جذب می‌کند

کربن کردن carbonization[2], carburization[2]

تبدیل کردن ترکیب آلی به کربن یا کربن‌دار کردن سطح به کمک گرما

کربوکاتیون پل‌شده bridged carbocation

کربوکاتیونی واقعی یا فرضی که در آن دو یا چند اتم کربن مراکز کربونیوم به شمار می‌آیند، اما با ساختاری نشان داده می‌شوند که در آنها اعضای یک گروه، مانند اتم هیدروژن یا بنیان هیدروکربن، بین مراکز کربونیوم پل می‌زنند

کربوکاتیون پل‌شده با کمبود الکترون electron-deficient bridged carbocation

کربوکاتیونی که در آن تعداد الکترون‌های لازم برای تشکیل پل از تعداد پیوندهای آن در پل کمتر است

کربوکاتیون پل‌شده بدون کمبود الکترون electron-sufficient bridged carbocation

کربوکاتیونی مانند یون فنیل که در آن تعداد الکترون‌ها برای تشکیل پل با دو پیوند یگانه کافی است

کُرنش strain

تغییر ابعاد یا شکل جسم براثر تنش

کُرنش زاویه‌ای angle strain

حالتی که در آن زاویهٔ پیوند از مقدار معمول آن دور شده باشد

کف foam
پراکنه‌ای از حباب‌های گاز در یک مایع که دست‌کم یکی از ابعاد آن در حد و اندازهٔ کلوئیدی است

کف‌آبه‌رَوی foam drainage
خارج شدن مایع ازحباب کف

کف‌زایی frothing
تولید حباب‌های نسبتاً پایدار در سطح مشترک هوا- مایع در نتیجهٔ هم‌زنی یا هوادهی یا واکنش شیمیایی

کف‌زدا defoamer
ماده‌ای با کشش سطحی اندک و کم‌سازگار با کف که برای واپایش و جلوگیری از ایجاد انواع کف یا از بین بردن آنها به کار می‌رود

کف‌زدایی defoaming
فرایند واپایش و جلوگیری از ایجاد انواع کف یا از بین بردن آنها

کف‌مانی foaminess
معیاری برای دیرپایی کف

کلردار شدن chlorination[1]
وارد شدن کلر به یک ترکیب شیمیایی

کلردار کردن chlorination[2]
وارد کردن کلر در یک ترکیب شیمیایی

کلرزدایی dechlorination
کاهش دادن کلی یا جزئی کلر باقی‌مانده ازطریق هر فرایند فیزیکی یا شیمیایی

کلرزنی chlorination[3]
ضدعفونی کردن آب با گاز کلر

کلوخگی agglomeration
تجمع ذرات یا قطرات یا حباب‌ها در یک پراکنه

کلوئید colloid
حالتی حد واسط بین محلول و تعلیق که در آن بزرگی ذره‌های حل‌شونده به‌اندازه‌ای است که نور را پراکنده می‌کنند و درعین‌حال آن‌قدر کوچک‌اند که ته‌نشین نمی‌شوند

کم‌روغن short oil
ویژگی رزینی که محتوای روغن آن کم است

کمک‌آنزیم ← کمک‌زی‌مایه

کمک‌حلاّل cosolvent
حلاّلی که در یک فرایند شیمیایی به حلاّل اصلی افزوده می‌شود تا قدرت حلاّلیت آن را افزایش دهد

کمک‌زی‌مایه coenzyme

مولکول غیرپروتئینی آلی که همراه با یک زی‌مایه/ آنزیم انجام واکنش‌های شیمیایی را تسهیل می‌کند

مترـ .**کمک‌آنزیم**

کمک‌صافی filter aid

پودر یا دانه‌های بی‌اثر، مثل خاک یا ماسه، که با افزودن آن به محلول بر سرعت و کیفیت صافش افزوده می‌شود

کمک‌منعقدساز

← کمک‌منعقدکننده

کمک‌منعقدکننده coagulant aid

موادی نظیر سیلیس و خاک‌سنگ و پلی‌الکترولیت (polyelectrolyte) و رس که برای کمک به انعقاد به آب اضافه می‌کنند

مترـ .**کمک‌منعقدساز**

کمیت افزایشی
extensive quantity

کمیتی که در ترکیب دو سامانهٔ ترمودینامیکی رفتار جمع‌پذیر داشته باشد

کمیت ناافزایشی
intensive quantity

کمیتی ترمودینامیکی که مقدار آن، برخلاف کمیت افزایشی، در قسمت‌های متفاوت سامانهٔ ترمودینامیکیِ همگن یکسان است

کوانتش quantization

محدود بودن و محدود کردن اندازهٔ بعضی از کمیت‌های فیزیکی به اعضای مجموعهٔ گسسته‌ای از مقادیر

کوانتوم quantum

کوچک‌ترین مقدار هر کمیت فیزیکی که می‌تواند به‌طور مستقل وجود داشته باشد

کوانتیده quantized

ویژگی کمیت‌های فیزیکی که می‌توانند تنها اندازه‌های گسسته داشته باشند

کود نیتروژنی
nitrogenous fertilizer

دسته‌ای از کودهای شیمیایی طبیعی یا مصنوعی، حاوی ترکیب‌های نیتروژن‌دار، که جذب گیاه می‌شود

کورهٔ بلند blast furnace

کوره‌ای بلند و استوانه‌ای برای کاهش کانهٔ آهن و تبدیل آن به چدن

گ

گاز اشک‌آور tear gas, lacrimator

ماده‌ای که به‌طور موقت چشم‌ها را به‌شدت ملتهب می‌کند و باعث ریزش اشک می‌شود

گاز بی‌اثر ← گاز نجیب

گازساز gasifier

وسیله‌ای که سوخت جامد را به گاز تبدیل می‌کند

گاز شدن gasification

تبدیل هیدروکربن‌های جامد یا مایع به سوخت گازی

گاز طبیعی فشرده
compressed natural gas, CNG

گاز طبیعی که به‌طور عمده از متان تشکیل شده است و تا فشار ۲۴۰۰ پوند بر مایع فشرده می‌شود و در ظروف تحت فشارِ زیاد نگهداری می‌شود

مترـ **گاز فشرده**

گاز طبیعی مایع
liquefied natural gas, LNG

نوعی گاز طبیعی شامل متان که با توجه به دمای بحرانی ۷۳ درجهٔ سلسیوس می‌توان آن را در دمای پایین سرد کرد و به حالت مایع درآورد

مترـ **گاز مایع**

گاز طبیعی همراه ـ حل‌شده
associated-dissolved natural gas

گاز طبیعی که در مخازن نفت خام به‌صورت گاز همراه (آزاد) و گاز حل‌شده وجود دارد

گاز فشرده

← گاز طبیعی فشرده

گاز مایع ← گاز طبیعی مایع

گاز نادر ← گاز نجیب

گاز نجیب noble gas
گازی از گروه هجده جدول تناوبی عناصر که تک‌اتمی است و جز در چند مورد، ازنظر شیمیایی بی‌اثر است
مترـ **گاز بی‌اثر** inert gas
گاز نادر rare gas

گاز نفت ← گاز نفت مایع

گاز نفت مایع
liquefied petroleum gas, LPG
گاز حاصل از استخراج منابع نفتی شامل پروپان و بوتان و سایر هیدروکربن‌های سبک که در دمای معمولی به‌صورت گاز است، ولی براثر سرما یا تحت فشار مایع می‌شود تا نگهداری و نقل و انتقال آن آسان‌تر شود
مترـ **گاز نفت**

گاز همراه associated gas, gas-cap gas
هیدروکربن‌های گازی‌شکلی که به‌صورت فاز گازی در شرایط دما و فشار مخازن نفتی وجود دارند

گدازآور flux
ماده‌ای که به بار کوره اضافه و با اجزایی ناخواسته ترکیب می‌شود تا سیال بودن سربارهٔ نهایی را افزایش دهد

گذار نظم ـ بی‌نظمی
order-disorder transition
تغییر چیدمان اتم‌های یکی از عناصر در ساختار شبکه‌ای آلیاژ از وضعیت منظم به وضعیت کاتوره‌ای یا برعکس

گران‌رَوی viscosity
مقاومت اصطکاکی یک مایع یا گاز در برابر شارش یا لغزیدن لایه‌ها، هنگامی که تحت تنش برشی قرار گیرد

گران‌رَوی بی‌هنجار
← گران‌رَوی نانیوتونی

گران‌رَوی نانیوتونی
non-Newtonian viscosity
نوعی گران‌رَوی شاره یا سیال که در آن تنش برشی با آهنگ کُرنش متناسب نیست
مترـ **گران‌رَوی بی‌هنجار**
anomalous viscosity

گَرد dust
ذرات جامد خشک و کوچک، به اندازهٔ یک تا صد میکرومتر، که براثر نیروهای طبیعی مثل باد یا فرایندهای مکانیکی مانند آسیا کردن، در هوا معلق و معمولاً براثر نیروی گرانش ته‌نشین می‌شود

گَرد روی zinc dust
فلز روی ریزشده که در پوش‌رنگ‌های محافظ آهن و فولاد به کار می‌رود و نقش رنگ‌دانه را دارد

گرمارنگی thermochromism
قابلیت ماده ازلحاظ تغییر رنگ براثر تغییر دما

گرماسنج calorimeter
دستگاهی برای اندازه‌گیری مقدار گرمای تولیدشده در فرایندهایی مانند واکنش‌های شیمیایی یا تغییر حالت یا تشکیل محلول
* مصوب فرهنگستان اول

گرماسنجی calorimetry
اندازه‌گیری مقدار گرمای مبادله‌شده، در فرایندهایی نظیر واکنش‌های شیمیایی و تغییر حالت ماده

گرماشیمی thermochemistry
علم اندازه‌گیری و تفسیر و تجزیه‌وتحلیل گرما که با تغییرات شیمیایی و تغییر حالت همراه است

گرماوزن‌سنجی
thermogravimetry
روشی تحلیلی بر مبنای اندازه‌گیری تغییرات وزن ترکیب یا آمیزه با افزایش دما

گرمای انحلال، heat of solution, enthalpy of solution
گرمای آزادشده یا جذب‌شده براثر حل شدن کامل یک مول از یک مادهٔ معین در حجم زیادی از حلال

گرمای تفکیک
heat of dissociation
انرژی لازم برای تفکیک عناصر سازندهٔ یک مول از مادهٔ معین در حالت گازی

گرمای نهان تبخیر
latent heat of vaporization
مقدار انرژی لازم برای تبدیل هر مول یا هر واحد جِرم جسم مایع به بخار در دما و فشار ثابت

گرمای نهان تصعید
latent heat of sublimation
مقدار انرژی لازم برای تبدیل هر مول یا هر واحد جِرم جسم جامد به بخار در دما و فشار ثابت

گرمای نهان ذوب
latent heat of fusion
مقدار انرژی لازم برای تبدیل هر مول یا هر واحد جِرم جسم جامد به مایع در دما و فشار ثابت

گرمای ویژه specific heat
مقدار گرمایی که باید به واحد جِرم جسم داده شود تا دمای آن یک درجه بالا رود

گروه آویزان pendant group
گروهی شیمیایی که در زنجیر بسپارها وجود دارد و به مازه آویزان است

گروه ترک‌کننده leaving group
گروهی باردار یا بدون بار که در حین واکنش جانشینی مولکول اصلی را ترک می‌کند

گروه جانشین
substituent group
اتم یا گروه عاملی که جانشین اتم یا گروه دیگری در یک ترکیب شیمیایی می‌شود

گروه عامل functional group, functionality[2]
اتم یا گروهی از اتم‌ها که به‌صورت واحد عمل می‌کند و جانشین اتم هیدروژن در مولکول هیدروکربن می‌شود و ویژگی‌های خاصی به این مولکول می‌بخشد

گروه فاصله‌انداز spacer group
گروهی که با ورود خود به یک زنجیر کربنی بین گروه‌هایی با ویژگی مشخص فاصله می‌اندازد

گروه فعال‌ساز activating group
گروهی که با اتصال به حلقهٔ بنزن فعالیت این حلقه را بیشتر می‌کند

گریزانه centrifuge[1]
دستگاهی برای جدا کردن رسوب از مایع

گریز دادن centrifuge[2]
عمل جدا کردن مواد با استفاده از گریزانه

گشتاور پیوند bond moment
میزان قطبیت یک پیوند شیمیایی که مقدار آن براساس عکس‌العمل پیوند، وقتی که در یک میدان الکتریکی قرار می‌گیرد، محاسبه می‌شود

گشتاور دوقطبی
dipole moment
حاصلِضرب مقدار بار در فاصلهٔ بین دو بار

گشتاور مغناطیسی
magnetic moment
ویژگی حوزهٔ مغناطیسی یا جسم مغناطیسی که برابر است با حاصل قسمت بیشینهٔ گشتاور بر القای مغناطیسی

گنجینهٔ ترکیبی
combinatorial library
مجموعه‌ای از ترکیبات که از سنتز ترکیبی حاصل می‌شود

گوگرد بسپاری polymeric sulphur

گوگرد حاصل از گرمایش گوگرد معمولی با حلقه‌های S_8 تا دمایی بیش از ۱۵۰ درجه و بسپارش حلقه‌گشای این ماده

گوگردزدایی desulfurization

زدودن گوگرد از سوخت‌های فسیلی برای کاهش آلودگی

گوگردزدایی با هیدروژن hydrodesulfurization

زدودن گوگرد از مواد نفتی به‌کمک هیدروژن

گونهٔ شیمیایی chemical species

مجموعه‌ای از واحدهای مولکولی یکسان که در مدت‌زمان آزمایش، میزان انرژی مولکولی همانندی را از خود نشان می‌دهند

گیراندازی capture

فرایندی که در آن سامانه‌ای از ذرات، یک ذرهٔ اضافی را جذب می‌کند

گیرانش ignition

آغاز تولید شعله

ل

لاستیک احیاشده
reclaimed rubber, reclaim

لاستیک ولکانیده‌ای که با روش‌های مکانیکی یا شیمیایی نرم‌شده و بخشی از آن واولکانیده (devulcanised) شده است

متـ. **بازلاستیک**

لاستیک پخت‌شده

← لاستیک ولکانیده

لاستیک ولکانیده
vulcanised rubber, vulcanisate

محصول ولکانشی که در آن لاستیک در شرایط مشخص به‌صورت شیمیایی با گوگرد و شتاب‌دهنده‌ها واکنش می‌یابد تا دارای خواص فیزیکی مطلوب شود

متـ. **لاستیک پخت‌شده**

لاک lacquer

مادهٔ پوششی شفاف و بی‌رنگ و گاه رنگی که براثر تبخیر حلاّل و/ یا واکنش شیمیایی خشک می‌شود

لاک‌الکل spirit lacquer, spirit varnish

لاکی که از حل کردن رزین‌ها در الکل صنعتی به دست می‌آید

لاک برنزنما ← لاک مفرغ‌نما

لاک طلایی golden lacquer

لاکی که در صورت زدن آن بر برگچه‌های آلومینیمی، جلوه‌ای طلاگون به آنها می‌دهد

لاک مات flat lacquer

لاکی که پس از خشک شدن ظاهری ساب‌خورده پیدا می‌کند

لایهٔ میانا interfacial layer
منطقهٔ تماس سه‌بعدی بین دو فاز مختلف که مولکول‌های آن با مولکول‌های هر دو فاز برهم‌کنش دارند

لجن sludge
مواد جامد نامطلوب که در فرایند جداسازی یا آمایش (treatment) ته‌نشین می‌شود

لجن اسیدی acid sludge
آنچه پس از آمایش (treatment) روغن‌های نفتی با سولفوریک‌اسید و جدا شدن ناخالصی‌ها باقی می‌ماند

لجن فعال activated sludge
لجنی که از فاضلاب گرفته و برای آمایش میکربی هوادهی می‌شود

لخته floc
توده‌های کوچکی از ذرات کلوئیدی که از تجمع ذرات ریز معلق پراکنده‌شده در یک سیال به دست می‌آید

لخته‌ساز flocculant
پلی‌الکترولیت (polyelectrolyte) آلی محلول در آب که به‌تنهایی یا همراه با نمک‌های معدنی توده‌های جامدی ایجاد می‌کند که به‌سرعت در آب یا فاضلاب ته‌نشین می‌شوند

لخته‌سازی flocculation
فرایندی که در آن ذرات کلوئیدی پس از انعقاد و ناپایدار شدن ازطریق هم‌زدن آرام به هم می‌پیوندند

لعاب enamel
روپوشه‌ای با سطح صاف و براق یا نیمه‌براق

لعاب مات flat enamel
پوششی حاوی رنگ‌دانه با براقی کم که ترازشوندگی سطح آن مانند لعابِ براق است

لک stain[2]
آنچه از تغییر نامطلوب رنگ براثر تماس با ماده‌ای خارجی پدید می‌آید
متـ. **لکه**

لکا shellac
رزین حاصل از پالایش لکای خام که در الکل حل شده باشد

لکادانه seed lac
لکای خالص‌شدهٔ دانه‌ای‌شکلی که از شسته شدن رزین خام با آب به دست می‌آید

لکای بی‌رنگ bleached shellac, bone dry bleached shellac
محصول بی‌رنگ حاصل از رنگ‌بَری صمغ لکای نارنجی

لکای خام lac
نوعی رزین که حشره‌ای به نام لسیفر لکا (Laccifer lacca) بر شاخهٔ درختان جنگل‌های استوایی ترشح می‌کند

لک‌شدگی staining[2]
دگررنگش موضعی و نامطلوب سطح

لکه ← لک

لکه‌زایی staining[3]
تغییر یافتن موضعی و نامطلوب رنگ سطح

لولهٔ مویین capillary tube
لوله‌ای بسیار باریک که در آن ربایش موییِنگی به‌آسانی قابل دیدن است

لیپوپروتئین lipoprotein
ترکیبی شامل یک لیپید که با یک پروتئین جفت شده است

لیپوکافت lipolysis
شکسته شدن لیپیدهای ذخیره‌شده در ریزاندامگان‌ها

لیگاند ligand
هر مولکول یا آنیونی که در فضای هم‌آرایی اتم یا یون مرکزی شرکت کند

لیگاند پل‌ساز bridging ligand
لیگاندی که هم‌زمان به دو یا چند فلز یا اتم مرکزی متصل شده باشد

لیگاند دودَندانه
bidentate ligand
مولکول یا یونی که می‌تواند دو زوج‌الکترون بدهد

م

مادهٔ پاک‌سازی purge material
مـــاده‌ای بســـپاری کـــه معمـــولاً وزن مولکولی یـا گـرانش زیـادی دارد و در دماهای فرایند نسبتاً پایـدار اسـت و از آن برای پاک‌سازی استفاده می‌شود

مادهٔ جذبشی sorptive[2]
مادهٔ موجـود در تـودهٔ یـک یـا دو فـاز شامل یک میانا که قابلیـت جـذب شـدن دارد

مادهٔ خشک‌کن desiccant, drying agent
ماده‌ای که بتواند بخـار آب موجـود در یک محیط بسته را جذب کند

مادهٔ رنگرزی ← رَزانه

مادهٔ ضدکف antifoaming agent
ماده‌ای کـه بـا کـاهش کشـش سـطحی مانع تشکیل حباب در یک مایع می‌شود
متـ. **ضدکف**

مادهٔ گرمانرم
thermoplastic material
ماده‌ای که به‌دفعات با گرمـایش نـرم و سپس با سرمایش سخت می‌شود

مادهٔ واسط intermediate[1]
ترکیبـی کـه در مسـیر واکـنش تولیـد مـی‌شـود و از آن در تولیـد محصـول نهـایی بـه‌عنـوان پـیش‌مـاده اسـتفاده می‌کنند

مانده residue
ته‌مانده‌ای که پس از تقطیر یک محلـول ناخالص برجای می‌ماند

ماندهٔ آمینواسید
amino acid residue

آنچه بعد از ترکیب دو یا چند آمینواسید برای تشکیل پپتید از هر آمینواسید باقی می‌ماند

مایعات همراه
associated liquids

هیدروکربن‌های مایعی که با گاز طبیعی همراه هستند

مایع تجمعی associated liquid

مایع حاصل از مخلوط شدن مولکول‌های یک ماده با مولکول‌های یک حلاّل که در آن مولکول‌ها با پیوندهایی ضعیف‌تر از پیوندهای شیمیایی معمولی با هم ارتباط دارند

متقارن symmetrical

ویژگی آنچه دارای تقارن است

محاسبه از آغاز
ab initio calculation,
ab initio computation

محاسبهٔ شکل هندسی یک مولکول تنها با استفاده از ترکیب‌بندی و ساختار مولکولی که از حل معادلهٔ شرودینگر برای یک مولکول معین به دست می‌آید

محتوای روغن oil length, oil content

نسبت روغن به رزین در یک پیوستار که می‌توان آن را برحسب نسبت وزنی روغن به ازای یک واحد وزنی رزین یا درصد آن بیان کرد

محدودهٔ مدت بازداری
retention time window

مدت‌زمان معینی که برای شویش یک ماده و شرایط عملی خاص تعیین می‌شود

محصول استخراج extract

جزئی از مخلوط که ازطریق حل‌پذیری گزینشی از مخلوط جدا شود

محصول حلاّل‌شویی leachate

محلول حاصل از انحلاّل جزء حل‌شدنی یک جامد

محلول solution

هرنوع مخلوط همگن به‌صورت مایع یا گاز یا جامد

محلول آبی aqueous solution

هر محلولی که حلاّل آن آب است

محلول آمونیاکی
ammoniacal solution

محلولی آبی که دارای آمونیاک است

محلول پُرفشار
hypertonic solution

محلولی که فشار اسمزی آن بیشتر از محلول مجاور است

محلول کم‌فشار
hypotonic solution

محلولی که فشار اسمزی آن کمتر از محلول مجاور است

محور دستوارگی chiraltiy axis

محوری که مجموعهٔ لیگاندهای پیرامون آن آرایشی را ایجاد می‌کنند که بر تصویر آینه‌ای خود قابل انطباق نیست

محوردوستی apicophilicity

خصوصیتی در ساختارهای دوهرمی مثلث‌القاعده با یک اتم مرکزی پنج‌همارا که در نتیجهٔ تغییر موقعیت لیگاند از استوایی به محوری پایداری حاصل می‌شود

مخلوط ـ ته‌نشین‌کن
mixer-settler,
mixer-settler extractor

تعدادی مخلوط‌کن و ته‌نشین‌کن که با آرایش خاصی در امتداد هم قرار می‌گیرند و نوعی سامانهٔ استخراج با حلاّل تشکیل می‌دهند

مخلوط همجوش
azeotropic mixture

مخلوطی از دو مایع که در ترکیب‌درصد ثابتی می‌جوشد

مت. **همجوش** azeotrope

مدت بازداری retention time

مدت‌زمان مورد نیاز برای عبور یک مادهٔ حل‌شده از زمانی که به سَوانگار تزریق می‌شود تا زمان شناسایی آن

مرتبهٔ پیوند bond order

میزان چگالی الکترون در یک پیوند در مقایسه با پیوند یگانه

مرتبهٔ واکنش order of reaction

توانی که براساس آن تأثیر غلظت‌ها در معادلهٔ ریاضی سرعت نشان داده می‌شود و برمبنای آن تغییر سرعت واکنش با غلظت واکنش‌دهنده‌ها در یک دمای مشخص مرتبط است

مرحلهٔ تعیین‌کنندهٔ سرعت
rate-determining step,
rate-limiting step

کُندترین مرحله در سازوکار یک واکنش که سرعت کلی واکنش را تعیین می‌کند

مرسری کردن mercerization

روشی برای افزایش جلا و قابلیت جذب مادهٔ رنگرزی و استحکام کالاهای پنبه‌ای

مرکز پیش‌دستوارگی
prochirality centre

اتم مولکولی که با جانشین کردن یکی از دو لیگاند جور متصل به آن با یک لیگاند متفاوت، به‌صورت مرکز دستوارگی درآید

مرکز دستوارگی
chirality center

اتمی شامل تعدادی لیگاند با آرایشی فضایی که مجموعهٔ آنها بر تصویر آینه‌ای خود منطبق نیست

مزدوج conjugated

ویژگی مولکول‌هایی که در آنها پیوندهای دوگانه یا سه‌گانه به‌وسیلهٔ پیوند یگانه به‌صورت یک‌درمیان از هم جدا شده باشند

مزدوج‌شدگی هم‌ظرفیت
isovalent conjugation

آرایش پیوندها در یک مولکول مزدوج به‌نحوی‌که بتوان برای آن ساختار متفاوتی با همان تعداد پیوند رسم کرد

مزدوج شدن conjugation

عدم استقرار الکترون‌های پی در مولکول‌هایی که به‌صورت یک‌درمیان پیوندهای یگانه و دوگانه دارند

مسیر تبادل تجمعی
associative interchange pathway

مسیر آن دسته از واکنش‌های جانشینی که در آنها سرعت واکنش تحت تأثیر ماهیت لیگاند ورودی قرار می‌گیرد، ولی بسیاری از مولکول‌های واسط مشاهده نمی‌شوند

معادلهٔ حالت equation of state

معادله‌ای که رابطهٔ بین فشار و حجم و دمای ترمودینامیکی مقدار معینی ماده را بیان می‌کند

معادلهٔ یونی کل
total ionic equation

معادلهٔ یک واکنش شیمیایی که در آن تمام یون‌های واکنش‌دهنده‌ها نشان داده می‌شوند

معادلهٔ یونی نهایی
net ionic equation

معادلهٔ شیمیایی یک واکنش در محلول که در آن یون‌های تماشاچی یا ناظر حذف شده‌اند تا تغییر شیمیایی واقعی را نشان دهند

مقدار چشمداشتی
expectation value

مقدار قابل‌اندازه‌گیری هر عملگر مکانیک کوانتومی

مقدارسنجی assay
تعیین مقدار کمی یا کیفی اجزای یک ماده
مترـ **تعیین مقدار**

مکانیک مولکولی
molecular mechanics, force-field method
روش تجربی محاسبهٔ پویایی‌شناسی مولکولی که در آن پیوندهای میان اتم‌ها به شکل فنرهایی مطابق با قانون هوک (Hooke's law) نمایش داده می‌شود

منحنی حل‌پذیری
solubility curve
خطی که غلظت یک ماده را در محلول سیرشده برحسب دما نشان می‌دهد

منحنی نقطهٔ اَبری
cloud point curve
منحنی‌ای بر روی یک نمودار فازی که بخش امتزاج‌پذیر را از ناحیهٔ دوفازی، در زمانی که جدایی فازی رخ می‌دهد، جدا می‌کند

منزوی‌سازی sequestration
فرایند تشکیل همتافت‌های همارای یک یون در محلول که از آن برای جلوگیری از اثر شیمیایی یون استفاده می‌شود، بدون اینکه یون از محلول خارج شود

مواد تعاونی ← رَزِش‌یار

مواد شیمیایی ظریف
fine chemicals
مواد خالص شیمیایی که به‌صورت تجاری و به مقدار کم برای کاربردهای خاص تولید می‌شود

موازنه balance[2]
حالتی در یک واکنش شیمیایی که در آن واکنش‌دهنده‌ها و فراورده‌های واکنش از قوانین پایستگی جِرم و بار پیروی می‌کنند

موضع اتصال binding site
ناحیه یا اتم خاصی در یک واحد مولکولی که توانایی ایجاد برهم‌کنش‌های پایدارکننده با واحدهای مولکولی دیگر را دارد

موضع دگرریختاری
allosteric site
مکانی در یک مولکول زی‌مایه/ آنزیم که غیرفعال یا کمترفعال است

موضع فعال active site, active centre
جایگاهی در کاتالیزگر (catalyst) که واکنش کاتالیزی ناهمگن در آن صورت می‌گیرد

مولکول molecule
گروهی از اتم‌ها که به‌وسیلهٔ پیوندهای شیمیایی به یکدیگر متصل هستند

مولکول ایزوتوپی
isotopic molecule
مولکولی که شامل هسته‌ای با ایزوتوپ مشخص است

مولکول چنداتمی
polyatomic molecule
مولکولی با بیش از دو اتم

مولکول خطی linear molecule
مولکولی که در آن اتم‌ها در یک خط صاف با دو درجه آزادی خطی قرار دارند

مولکول درون‌پویا
fluxional molecule
مولکولی که به‌سرعت بازآرایی درون‌مولکولی در آن رخ می‌دهد و اتم‌های آن در ساختارهایی هم‌ارز مبادله می‌شوند

مولکول دوقطبی
dipole molecule
مولکولی که به دلیل فاصله میان مراکز بارهای مثبت و منفی دارای گشتاور الکتریکی دائمی است

موم‌زدایی dewaxing
فرایند جدا کردن موم‌های هیدروکربنی جامد از ترکیبات آلی

موم‌زدوده dewaxed
ویژگی ماده‌ای که موم آن گرفته شده باشد

مویینگی capillarity, capillary action
عملی که براثر آن و به دلیل جاذبهٔ نسبی میان مولکول‌ها، مایعی که در تماس با جامد است از سطح اولیهٔ خود بالاتر یا پایین‌تر می‌رود

مهاجرت پیوند bond migration
انتقال پیوند از یک موقعیت به موقعیت دیگر در یک مولکول

مهاجرت‌گرایی
migratory aptitude
تمایل نسبی یک گروه برای مشارکت در نوآرایی (rearrangement)

مهمان guest
گونه‌ای شیمیایی که یک حفره یا شکافی را در یک ساختمان مولکولی دیگر به نام میزبان پر می‌کند

میان‌روغن medium oil
ویژگی رزینی که محتوای روغن آن در حد متوسط است

میدان الکتریکی electric field
ناحیه‌ای از فضا که در آن بـر هـر بـار الکتریکی ساکن نیرو وارد می‌شود

میکروصافش microfiltration
نوعی فرایند صافش که در آن ذراتی با اندازهٔ میکرونی را می‌توان صاف کرد

ن

نابی ← خلوص

ناپختگی undercure

حالتی از پخت که درجهٔ آن کمتر از درجهٔ حالت بهینه است و هنگامی ایجاد می‌شود که مدت‌زمان و دمای پخت کمتر از حد کافی باشد

مت. **پخت ناقص**

ناپراکندگی monodispersity

در سامانه‌های بسپار، همگن بودن وزن مولکولی یا نداشتن توزیع وزن مولکولی

ناپراکنده monodisperse

ویژگی بسپاری که همهٔ مولکول‌های آن یک وزن مولکولی دارند

ناجورلیگاند heteroleptic

ویژگی آن دسته از ترکیبات فلزات واسطه یا گروه اصلی که بیش از یک نوع لیگاند دارند

نادستوار achiral

مولکولی که فعالیت نوری نداشته باشد

نادستوارگی achirality

وضعیتی که در آن مولکول فعالیت نوری از خود نشان ندهد

ناسازگاری incompatibility

عدم قابلیت امتزاج با مادهٔ دیگر یا چسبیدن به آن

نافلز nonmetal

عنصری که فلز نیست و معمولاً عایق یا نیم‌رساناست

ناکشسانی inelasticity
یکی از خواص ماده که به موجب آن جسم پس از تغییر شکل، به‌طور کامل به حالت اولیه برنمی‌گردد

نامیزه emulsion
نوعی کلوئید مایع‌درمایع که در آن ذره‌های یک مایع در مایع دیگر به حالت تعلیق پراکنده باشد

نامیزه‌ساز emulsifier, disperser
هر عاملی که موجب پایداری یک نامیزه شود
متـ. **عامل نامیزه‌ساز** emulsifying agent

نامیزه‌سازی emulsification
فرایند پراکنش یک مایع در مایعی که با آن امتزاج‌ناپذیر است

نامیزه‌شکنی emulsion breaking
کاهش پایداری پراکنهٔ مایعی در مایع دیگر

نانوصافش nanofiltration
نوعی فرایند صافش که در آن ذراتی با اندازهٔ نانو را می‌توان صاف کرد

ناوردا invariant
ویژگی هر کمیت یا حالت فیزیکی سامانه که براثر تبدیل بدون تغییر بماند

ناوردایی invariance
خاصیتی حاکی از تغییرناپذیری کمیت‌ها یا قوانین در پی عملیات تبدیل

ناهماهنگی anharmonicity
خصوصیتی در نوسان‌های مکانیکی که نیروی بازگرداننده در آنها با جابه‌جایی رابطه‌ای غیرخطی دارد

ناهم‌ردهٔ ایزوتوپی isotopologue
گونه‌هایی شیمیایی که فقط در ترکیب‌بندی ایزوتوپ‌ها با هم تفاوت دارند

ناهمگون‌بَسپار heteropolymer
بسپاری متشکل از چند نوع تکپار

ناهمگون‌بَسپارش heteropolymerization
فرایند بسپارشی که در آن از چند نوع تکپار استفاده شود

نَرماسُل plastisol
رزینی وینیلی که به‌صورت سُل در یک نرم‌کننده حل می‌شود

نرم‌سازی آب water softening
حذف یون‌های کلسیم و منیزیم از آب سخت
متـ. **سختی‌گیری آب**

نرمی مطلق absolute softness

وارون سختی مطلق، به این معنا که پتانسیل شیمیایی الکترونی یک سامانهٔ شیمیایی گرایش به ایجاد تغییر در تعداد الکترون‌ها دارد

نزول نقطهٔ انجماد
freezing point depression

کاهش نقطهٔ انجماد محلول در مقایسه با نقطهٔ انجماد حلاّل خالص در نتیجهٔ تأثیر تعداد ذرات مادهٔ حل‌شده

نسبت پیوندزنی grafting ratio

در هم‌بسپارش پیوندی، نسبت بسپار پیوندخورده به بسپار اولیه

نسبت جذب ← ضریب جذب

نشت مولکولی effusion

عبور مولکول‌های گاز از درون یک غشا یا سد متخلخل در نتیجهٔ حرکت‌های مولکولی

نظریهٔ اوربیتال مولکولی
molecular orbital theory,
MO theory

نظریه‌ای که براساس آن می‌توان اوربیتال‌های مولکولی را از ترکیب خطی اوربیتال‌های اتمی به دست آورد

نظریهٔ برخورد collision theory

نظریه‌ای که براساس آن می‌توان سرعت واکنش پایه را ناشی از برخورد ذراتی با حداقل انرژی لازم در نظر گرفت

نظریهٔ پیوند ظرفیت
valence bond theory

نظریه‌ای در شیمی محاسباتی (computational chemistry) که براساس آن الکترون‌ها به پیوندهای خاصی تعلق دارند که در آنها یک زوج الکترون با یک زوج اتم در مولکول به اشتراک گذاشته شده است

نظریهٔ تابع چگالی
density functional theory

نظریه‌ای که در آن به توصیف مکانیک کوانتومی سامانه‌های اتمی و مولکولی برحسب چگالی الکترون می‌پردازند

نظریهٔ جنبشی kinetic theory,
molecular theory

نظریه‌ای که در آن خواص فیزیکی ماده را برحسب جنبش ذرات سازندهٔ آن تعریف می‌کنند

نظریهٔ جنبشی گازها
kinetic theory of gases

نظریه‌ای که خواص گازها را با به کار بردن قوانین احتمال و دینامیک ذره برای یک سامانه به دست می‌دهد؛ در این سامانه، گاز شامل ذرات دارای حرکت کاتوره‌ای وابسته به دما فرض می‌شود

نظریهٔ میدان بلور crystal field theory

نظریه‌ای برای توضیح اثر برهم‌کنش لیگاندها با الکترون‌های d یون فلز واسطه

نظریهٔ میدان لیگاند ligand field theory

نظریه‌ای که بسط نظریهٔ میدان بلور است و در چارچوب آن خواص ترکیبات حاصل از یون‌های فلزی واسطه یا خاکی نادر و لیگاند بررسی می‌شود

نفت پالیده refined oil, burning oil

نفت خام پالایش‌شده که برای مصارف خانگی و صنعتی از آن استفاده می‌شود

نقره‌سنج argentometer

دستگاهی که می‌توان با آن مقدار نمک‌های موجود در یک مخلوط را ازطریق رسوب دادن نقره اندازه‌گیری کرد

نقره‌سنجی argentometry

نوعی اندازه‌گیری حجمی که در آن از رسوب شدن نمک‌های نقره، کرومات یا کلرید، استفاده می‌کنند

نقش پراش diffraction pattern

نقشی که امواج پراشیده بر روی پرده ایجاد می‌کنند

نقص بلور crystal defect

نقص در ساختار آرمانی بلور

مت. **نقص شبکه** lattice defect

نقص شبکه ← نقص بلور

نقطهٔ انجماد freezing point

دمایی که در آن مایع به جامد یا جامد به مایع تبدیل می‌شود

نقطهٔ ژل gel point

مرحله‌ای در فرایند بسپارش تراکمی غیرخطی که ژل شدن در آن رخ می‌دهد

نقطهٔ سه‌گانه triple point

فشار و دمایی که در آن هر سه حالت جامد و مایع و گاز ماده‌ای معین با یکدیگر در تعادل باشد

نقطهٔ فاز phase point

سامانه‌ای در فضای فاز که با یک نقطه نمایش داده می‌شود

نقطهٔ هم‌بار isoelectric point, isoelectric pH

pH محلولی که در آن بار خالصِ رویِ مولکول صفر باشد

نقطهٔ هم‌جذبی isosbestic point
مجموعه‌ای از طیف‌های جذبی که در یک طولِ‌موج یا بسامد همدیگر را قطع می‌کنند

نمک‌زدایی desalination
فرایندی برای حذف مقادیر زیاد نمک یا یون از آب دریا که معمولاً از روش‌های تقطیر یا اسمز معکوس برای این کار استفاده می‌شود

نمودار فازی phase diagram
بازنمود گرافیکی ارتباطات تعادلی در فازهای یک سامانه

نوآرایی آنیون‌گَرد
aniontropic rearrangement, aniontropy
نوعی نوآرایی که در آن گروه مهاجر با زوج‌الکترون خود از یک اتم به اتم دیگر می‌رود

نوار بسامد frequency band
گسترهٔ پیوسته‌ای از بسامدها که بین دو بسامدِ حدی قرار دارد

نوار رسانش conduction band
بخش پرانرژی‌تر و نیمه‌خالی نوار اوربیتال‌های مولکولی که ازطریق آن الکترون‌ها برای هدایت گرما و الکتریسیته جابه‌جا می‌شوند

نوار ظرفیت valence band
بالاترین نوار انرژی در جسم بلوری نیم‌رسانا یا جسم عایق که با الکترون‌ها اشغال شده باشد

نوررنگی photochromism
تغییر رنگ برخی مواد براثر تابش نور

نوزاد nascent
ویژگی اتم یا ترکیبی ساده در لحظهٔ آزاد شدن از ترکیب شیمیایی که در آن هنگام دارای فعالیت بیشتری نسبت به حالت معمولی است

نیترات‌زدایی denitrification[2]
فرایند زدودن نیتروژن و ترکیبات نیتروژن‌دار از مواد

نیروهای بینِ‌اتمی
interatomic forces
نیروهایی که اتم‌های مجاور بر روی یکدیگر اعمال می‌کنند و درنتیجه باعث جذب یا دفع همدیگر می‌شوند

نیروهای بینِ‌مولکولی
intermolecular forces
نیروهایی که مولکول‌ها به یکدیگر وارد می‌کنند

نیروهای مویینگی
capillary forces

نیروهای میانایی که بر آب و روغن و جامد در لولهٔ مویین عمل می‌کنند و موجب اختلاف فشار در سطح مشترک آب و روغن می‌شوند

نیروی چسبندگی
adhesive force

عاملی که موجب چسبیدن اجسام به یکدیگر شود

نیروی لاندن London force, dispersion force, London dispersion force

جاذبهٔ بین‌مولکولی تمام مولکول‌ها در نتیجهٔ قطبش‌های لحظه‌ای ابرهای الکترونی آنها

نیروی وان دِر والس
van der Waals force

نیروی ربایشی بین دو اتم یا دو مولکول که در نتیجهٔ برهم‌کنش دوقطبی ـ دوقطبی به وجود می‌آید

نیم‌آبه hemihydrate

ویژگی هیدرات بلورینی که به‌ازای هر دو واحد مولکولی در ترکیب، دارای یک آب تبلور باشد

نیم‌پیل half-cell

الکترود واحدی که در یک محلول برق‌کاف قرار گرفته است

نیم‌رسانا semiconductor

مادهٔ بلورینی که رسانندگی الکتریکی آن از فلزات کمتر و از عایق‌ها بیشتر است

نیم‌واکنش half reaction

نیمی از یک واکنش اکسایش‌ـ کاهش که تنها بخشی از یک واکنش اکسایش یا کاهش را نشان می‌دهد

و

واانتشار depropagation

فرایند قطع پیاپی زنجیر بسپار در هنگام وابسپارش که به تشکیل تکپار منتهی می‌شود

واانگیزش deexcitation

رفتن الکترون از لایهٔ تراز با انرژی بالاتر به لایهٔ تراز با انرژی پایین‌تر

وابَسپارش depolymerization

فرایند تجزیهٔ ترکیبات درشت‌مولکولی به ترکیبات نسبتاً ساده‌تر

واپاشی بتازا β-decay

تبدیل پرتوزایی یک نوکلئید که در آن عدد اتمی به اندازهٔ یک واحد کاهش یا افزایش یابد، اما عدد جِرمی تغییر نکند

واجذبش desorption

زدودن اتم‌ها یا مولکول‌ها یا یون‌های برجذبیده از یک سطح

واجفت‌شدگی

← واجفت‌شدگی اسپین

واجفت‌شدگی اسپین spin decoupling

شیوه‌ای برای ساده‌کردن طیف NMR که پیچیدگی آن در نتیجهٔ جفت شدن اسپین ـ اسپین است

مترـ .**واجفت‌شدگی** decoupling

واچرخش نوری mutarotation

تغییر در چرخش نوری محلول تازه‌تهیه‌شدهٔ یک مادهٔ فعال نوری، مانند قند کاهنده

وادارخشکانی forced drying[1]

خشک کردن پوشش با قرار دادن آن در دمایی بالاتر از دمای محیط و پایین‌تر از دمای معمول کوره‌پزی

وادارخشکش forced drying[2]
خشک شدن پوشش براثر قرار گرفتن آن در دمایی بالاتر از دمای محیط و پایین‌تر از دمای معمول کوره‌پزی

وارنگش ← رنگ‌بَری[۲]

وارونگی inversion
تبدیل آرایش فضایی یک مولکول به تصویر آینه‌ای خودش

وارونگی جمعیت
population inversion, population reversal
وضعیتی در سامانهٔ اتمی که در آن تعداد اتم‌های برانگیخته در تراز بالاتر، از تعداد اتم‌های تراز پایین‌تر، بیشتر است

واسرشتن denaturation
تغییر ساختار چین‌خوردهٔ صورت‌بندی پروتئین‌ها براثر اُفت فعالیت زیستی آن

واسرشته denatured
پروتئینی که خواص آن براثر گرم شدن یا اثر قلیا یا اسید تغییر کرده باشد

واسط intermediate[2], reactive intermediate, reaction intermediate
گونهٔ شیمیایی نسبتاً ناپایداری که در مراحلی از واکنش، تولید و در مراحل دیگر، مصرف می‌شود و قابل جداسازی نیست

واسنجی calibration
مدرج کردن و سنجش دقت ابزاردقیق

واسنجیدن calibrate
تنظیم دقت یک وسیلهٔ اندازه‌گیری ازطریق مقایسه با دستگاه‌های استاندارد

واسنجیده calibrated
ابزاردقیقی که مدرج‌شده و دقت سنجش آن تعیین شده باشد

واشیشه‌ای شدن devitrification
فرایندی که در طی آن بافت شیشه‌ای ماده به بافت بلورین تبدیل شود

واقطبش depolarization
جلوگیری از قطبش در یک پیل ساده

واقطبنده depolarizer
ویژگی جسمی که به برق‌کاف پیل اضافه می‌شود تا با واکنش شیمیایی مانع از جمع شدن حباب‌های هیدروژن شود

واقطبیدن depolarize
جلوگیری از قطبیدن در یک پیل ساده

واقطبیده depolarized

ویژگی ارتعاش‌های بی‌تقارن طیف رامان

واکنش reaction

فرایندی که در آن دو یا چند مادهٔ شیمیایی با هم ترکیب شود

* مصوب فرهنگستان اول

واکنش آشوبناک

chaotic reaction

نوعی واکنش شیمیایی که در آن غلظت واکنش‌دهنده‌ها رفتاری آشفته بروز می‌دهد

واکنش افزایشی

addition reaction

واکنش هیدروکربن‌های سیرنشده با هیدروژن و هالوژن‌ها و هیدروژن‌هالیدها و واکنشگرهای دیگر، به‌طوری‌که ترکیب پیچیده‌تری تشکیل شود

واکنش الکتروحلقه‌ای

electrocyclic reaction

نوعی نوآرایی حلقه‌ای که در آن پیوند سیگما بین دو اتم کربن انتهایی یک مولکول مزدوج شکل می‌گیرد و به کاهش یکی از پیوندهای موجود منجر می‌شود

واکنش انتقال الکترون

electron-transfer reaction

واکنشی شیمیایی شامل انتقال یا افزایش یا حذف الکترون‌ها که معمولاً در همتافت‌های فلزات واسطه رخ می‌دهد

واکنش برگشت

reverse reaction,
backward reaction

واکنش راست به چپ در واکنش دوطرفه

واکنش پایه

elementary reaction, step

یک یا چند واکنش ساده که برای توصیف سازوکار یک واکنش کلی به کار رود

واکنش‌پذیری reactivity[1]

قابلیت نسبی اتم یا مولکول یا رادیکال در ترکیب شیمیایی با اتم یا مولکول یا رادیکال دیگر

واکنش پیراحلقه‌ای

pericyclic reaction

نوعی واکنش شیمیایی هماهنگ که ازطریق حالت گذار حلقهٔ مزدوج صورت می‌گیرد

واکنش تبادل ایزوتوپی

isotopic exchange reaction

واکنشی که در آن دو ایزوتوپ متفاوت یک عنصر در یک مولکول یا مولکول‌های متفاوت جانشین هم می‌شوند

واکنش تبادلی
exchange reaction

واکنشی که در آن آنیون و کاتیون دو واکنش‌دهنده مبادله می‌شوند

واکنش تراکمی
condensation reaction

واکنشی که در آن از ترکیب دو مولکول، یک مولکول بزرگ‌تر حاصل و مولکولی کوچک حذف می‌شود

واکنش تک‌مولکولی
unimolecular reaction

واکنشی که فقط یک گونهٔ مولکولی عامل واکنش‌دهندهٔ آن است

واکنش جابه‌جایی
displacement reaction

واکنشی که در آن جای اتم یا یون جسمی با جای اتم یا یون جسم دیگر عوض می‌شود

واکنش جانبی side reaction

واکنش دوم یا فرعی که هم‌زمان با واکنش مورد نظر اصلی صورت می‌گیرد

واکنش جانشینی
substitution reaction

نشاندن یک اتم یا یک گروه اتمی به جای یک اتم یا یک گروه اتمی دیگر در یک ترکیب شیمیایی

واکنش جانشینی الکترون‌دوست
electrophilic substitution reaction

واکنشی که در آن یک الکترون‌دوست با جابه‌جا کردن گروه ترک‌کننده به اتم کربن در یک مولکول متصل می‌شود

واکنش جانشینی هسته‌دوست
nucleophilic substitution reaction

واکنشی که در آن یک هسته‌دوست با جابه‌جا کردن گروه ترک‌کننده به اتم کربن در یک مولکول متصل می‌شود

متـ. **جابه‌جایی هسته‌دوست**
nucleophilic displacement

واکنش جای‌گیری
insertion reaction

نوعی واکنش که در آن مولکول واردشونده در میان اتم‌هایی که پیش‌تر به یکدیگر پیوند خورده‌اند، قرار می‌گیرد

واکنش چنگاله‌ای
cheletropic reaction

واکنشی که در آن دو پیوند سیگما بین یک مولکول و یک اتم واحد تشکیل می‌شود

واکنش خنثایش
neutralization reaction

واکنشی که در آن با اضافه کردن یک باز به محلول اسیدی یا یک اسید به محلول بازی محلول خنثی می‌شود

واکنش خودشیفته
narcissistic reaction

واکنشی شیمیایی که محصول آن تصویر آینه‌ای واکنش‌دهنده است

واکنش درون‌مولکولی
intramolecular reaction

واکنشی که درون مولکول صورت می‌گیرد

واکنش‌دهنده reactant

ماده‌ای که با مادهٔ دیگر ترکیب شود و یک یا چند ترکیب جدید به دست دهد

واکنش رفت forward reaction

واکنش چپ به راست در واکنش دوطرفه

واکنش زنجیره‌ای
chain reaction

واکنشی ادامه‌پذیر که در آن فراورده‌های یک مرحله آغازگر مرحلهٔ بعدی باشد

واکنشگاه reactor[1]

ظرفی که در آن واکنش شیمیایی انجام می‌شود

واکنشگاه غشایی
membrane reactor

دستگاهی که در آن واکنش و جداسازی غشایی مواد به‌طور هم‌زمان انجام می‌شود

واکنشگر reagent

ترکیبی که مولکول یا یون یا رادیکال وارد در واکنش‌های شیمیایی را فراهم کند

واکنشگر الکترون‌دوست
electrophilic reagent

واکنشگری که با پذیرفتن زوج‌الکترون تنها تشکیل پیوند می‌دهد

واکنش گرماده
exothermic reaction

واکنشی که در آن گرما آزاد و به محیط داده می‌شود

واکنش گرماگیر
endothermic reaction

واکنشی شیمیایی که انجام آن به گرما نیاز دارد و آن را از محیط اطراف می‌گیرد

واکنش گرماهسته‌ای
thermonuclear reaction

نوعی واکنش گداخت هسته‌ای بین ایزوتوپ‌های هیدروژن، در فشار و دمای فوق‌العاده زیاد

واکنشگرهای ناب
reagent chemicals

مواد شیمیایی با خلوص بالا که برای آزمون واکنش‌های جدیدی که در آنها اثر ناخالصی‌ها ناشناخته است یا به‌طورکلی در کارهایی که ناخالصی نباید به‌هیچ‌وجه وجود داشته باشد، به کار می‌روند

واکنشگر هسته‌دوست
← هسته‌دوست[1]

واکنش مرحله‌ای
stepwise reaction

واکنشی شامل دو واکنش پایه که در آن دست‌کم یک مادهٔ میانی واکنش‌پذیر تولید می‌شود

واکنش مرکب
composite reaction

واکنشی شیمیایی که در آن سرعت تبدیل واکنش‌دهنده‌ها شامل ثابت چند واکنش ساده است

واکنش نورشیمیایی
photochemical reaction

واکنشی که تحت تأثیر نور، به‌ویژه نور فرابنفش، انجام شود

واکنش نوسانی
oscillating reaction,
clock reaction

واکنشی شیمیایی که در آن غلظت محصولات و واکنش‌دهنده‌ها، در محیط واکنش، به‌تناوب تغییر می‌کند چه با تناوب زمانی چه با تناوب مکانی

واکنش‌های مخالف
opposing reactions

واکنش‌های شیمیایی که در آنها سرعت تغییر در یک واکنش‌دهنده یا محصول شامل دو ثابت واکنش شیمیایی خلاف هم است

واکنش‌های موازی
parallel reactions

واکنش‌هایی که در آنها واکنش‌دهنده‌های یکسان از مسیرهای مختلف به‌طور هم‌زمان محصولات متفاوتی تولید می‌کنند

واکنش هم‌زمان
concerted reaction

واکنشی که در آن شکسته شدن و تشکیل پیوند هم‌زمان صورت می‌گیرد

واولکانش devulcanisation
فرایندی که در آن خرده‌لاستیک‌ها تحت فشار یا گرما یا تأثیر مواد نرم‌کننده قرار می‌گیرند تا آمیزه‌ای لاستیکی با خواص مومسان (plastic) اولیه به دست آید

واهلش relaxation
بازگشت سامانه به حالت تعادل پس از آنکه دستخوش تغییر ناگهانی یا اثر بیرونی شود

ورنی varnish
آمیزهٔ مایعی که پس از کشیده شدن به‌صورت یک لایهٔ نازک، به فیلم (film) جامد معمولاً شفاف تبدیل می‌شود

ورنی رنگانه‌ای varnish stain
نوعی ورنی که با مادهٔ شفافی رنگی می‌شود و قدرت رسوخ آن کمتر از رنگانه است

ورنی ساب‌خور
flatting varnish,
rubbing varnish,
polishing varnish
نوعی ورنی حاوی رزین سخت که می‌توان سطح آن را سابید و صاف کرد

ورنی سیاه black varnish
در صنعت برق، نوعی ورنی بر پایهٔ روغن‌های خشک‌شونده و/ یا رزین‌های مصنوعی به همراه مواد بیتومنی (bitumen) که از آن برای آغشته کردن قطعات الکتریکی استفاده می‌کنند

ورنی مات flat varnish,
matte varnish
نوعی ورنی که با درصد معینی مات‌کننده ترکیب می‌شود تا در هنگام خشک شدن جلوه‌ای مات بیابد

وزن هم‌ارز equivalent weight
مقداری از هر عنصر که با ۱/۰۰۸ گرم هیدروژن با ۸/۰۰۰ گرم اکسیژن ترکیب شود

ولکانش vulcanisation
واکنشی شیمیایی که معمولاً با کمک گوگرد یا مواد دیگر موجب ایجاد اتصالات عرضی بین زنجیرهای لاستیک یا سایر بسپارها می‌شود، به‌صورتی‌که مومسانی و چسبندگی سطحی کاهش و همزمان با آن، استحکام کششی افزایش می‌یابد
مت. **پخت**[۲] curing[2]

ولکانش پویا
dynamic vulcanisation
فرایند ولکانش بسپار لاستیکی در هنگام اختلاط با پلاستیک مذاب

هـ

هدایت مویینه‌ای capillary control

نظریه‌ای مهجور که بر پایهٔ آن جریان نفت ازطریق لوله‌های مویین مخزن به حفرهٔ چاه جاری می‌شود

هستار مولکولی molecular entity

هر اتم یا مولکول یا یون یا زوج‌یون (ion-pair) یا رادیکال یا همتافت یا واحد مشابهی که از لحاظ ایزوتوپی و سازه‌ای متمایز و قابل شناسایی باشد

هسته‌دوست[1] nucleophile

واکنشگری که با دادن یک زوج‌الکترون پیوندی به یک گروه دیگر با آن تشکیل پیوند می‌دهد

مت. **واکنشگر هسته‌دوست** nucleophilic reagent

هسته‌دوست[2] nucleophilic

ویژگی واکنشگری که با دادن یک زوج‌الکترون پیوندی به یک گروه دیگر با آن تشکیل پیوند می‌دهد

هسته‌دوستی nucleophilicity

قدرت نسبی یک واکنشگر هسته‌دوست

هسته‌زایی nucleation

۱. تشکیل هستهٔ بلوری جدید در محلول اَبَرسیرشده در طی فرایند تبلور ۲. شکل‌گیری انبوههٔ بسپاری منظم کوچکی در مذاب یا محلول که مرکزی برای رشد بلور است

هسته‌وانهادگی nucleofugality

تمایل اتم‌ها یا گروه‌ها برای جدا شدن از یک گونهٔ شیمیایی همراه با زوج‌الکترون پیوندی

هسته‌وانهاده[۱] nucleofugal

ویژگی گروه ترک‌کننده‌ای که زوج‌الکترون پیوندی را با خود حمل می‌کند

هسته‌وانهاده[۲] nucleofuge

گروه ترک‌کننده‌ای که زوج‌الکترون پیوندی را با خود حمل می‌کند

هَماراسیرشده
coordinatively saturated

همتافت فلز واسطه‌ای که بنا بر قاعده، در لایهٔ ظرفیت اتم فلز مرکزی ۱۸ الکترون داشته باشد

هَماراسیرنشده
coordinatively unsaturated

همتافت فلز واسطه‌ای که تعداد لیگاندهای آن از تعداد لیگاند همتافت هَماراسیرشدهٔ مشابه کمتر باشد

هَمارایابی
complexation analysis

تعیین نسبت لیگاند به فلز در یک همتافت هَمارا

هم‌ارز خنثایش
neutralization equivalent

معادل وزن هم‌ارز که برای اسید یا باز به کار می‌رود

هم‌الکترون isoelectronic

ویژگی دو یا تعداد بیشتری گونهٔ شیمیایی که تعداد الکترون‌های ظرفیت آنها یکسان و ساختارشان همانند باشد

هم‌برجذبش coadsorption

برجذبش بیش از یک ماده به‌صورت هم‌زمان بر روی یک سطح

هم‌بسپار copolymer, bipolymer

بسپار ساخته‌شده از دو یا چند تکپار گوناگون

هم‌بسپار پیوندی
graft copolymer

هم‌بسپاری با یک زنجیر بسپاری (بسپار A) که به آن یک یا چند زنجیر بسپاری از بسپاری دیگر (بسپار B) متصل است

هم‌بسپار تناوبی
alternating copolymer

هم‌بسپاری که در آن دو واحد متفاوت هم‌تکپار در زنجیرهٔ بسپار به‌صورت یک‌درمیان قرار می‌گیرند

هم‌بسپار دسته‌ای
block copolymer,
block polymer

هم‌بسپاری که در آن واحدهای تکرارشوندهٔ متفاوت A و B و غیره در توالی‌ها یا دسته‌های بلند قرار دارند و به‌طور خطی به هم متصل‌اند

هم‌بسپار چهارتایی
quaterpolymer, bipolymer

نوعی هم‌بسپار که از چهار تکپار مختلف ساخته شده است

هم‌بسپار سه‌تایی terpolymer, ternary copolymer

بسپاری که شامل سه تکپار متفاوت است

هم‌بسپارش copolymerization

به هم پیوستن دو یا چند تکپار گوناگون برای تولید هم‌بَسپار

هم‌بسپارش پیوندی
graft copolymerization

هم‌بسپارشی که در آن یک یا چند زنجیرهٔ بسپاری به یک زنجیرهٔ بسپاری اصلی متصل می‌شوند

هم‌بسپارش تناوبی
alternating copolymerization

هم‌بسپارش دو تکپار با نسبت‌های واکنش‌پذیری صفر یا نزدیک به صفر که در زنجیرهٔ بسپار به‌طور یک‌درمیان قرار می‌گیرند

هم‌بسپارش چهارتایی
quarterpolymerization

فرایندی که محصول آن چهار بسپار است

هم‌بسپارش دسته‌ای
block copolymerization

هم‌بسپارشی که در آن تکپارهای همسان در توالی‌های بلند به هم متصل می‌شوند

هم‌بسپارش کاتوره‌ای
random copolymerization

هم‌بسپارشی که در آن واحدهای تکرارشوندهٔ متفاوت در طول زنجیر به‌صورت تصادفی ردیف می‌شوند

هم‌بسپارش سه‌تایی
terpolymerization

فرایندی که محصول آن سه‌بسپار است

هم‌بَسپار کاتوره‌ای
random copolymer, ideal copolymer

هم‌بسپاری که در آن واحدهای تکرارشوندهٔ متفاوت در طول زنجیر به‌طور تصادفی ردیف شده‌اند

هم‌پار isomer

چند جسم شیمیایی که ترکیب‌درصد و وزن مولکولی یکسان داشته باشند، اما ساختار آنها متفاوت باشد

هم‌پار ایزوتوپی isotopomer

ترکیبی که موقعیت اتم‌های ایزوتوپی آن متفاوت با ترکیبی مشابه با همان تعداد اتم است

همپار ترانس trans isomer
همپاری که در آن گروه‌های مشابه مقابل هم قرار گیرند

همپار ساختاری
constitutional isomer, structural isomer
هر یک از همپارهایی که در نحوهٔ اتصال اتم‌هایشان به یکدیگر با هم تفاوت دارند

همپار سیس cis isomer
همپاری که در آن گروه‌های مشابه در یک سمت مولکول نامتقارن قرار گیرند

همپارش isomerization
فرایندی که موجب شود یک ترکیب به همپار آن ترکیب تغییر یابد

همپارش جای‌گشتی
← خودهمپارش

هم‌پخت ← هم‌ولکانش

هم‌پوشانی اوربیتالی
orbital overlap
هم‌پوشانی دو اوربیتال اتمی از دو اتم متفاوت به‌طوری‌که الکترون‌های آنها بین دو اتم مشترک باشد

همتافت complex, complex compound, coordination complex
گروهی از ترکیب‌های شیمیایی که در آنها بخشی از پیوند مولکولی از نوع اشتراکی یک‌سویه است

همتافت انتقال بار
charge transfer complex
ترکیبی که در آن الکترون‌ها از یک گونه به گونهٔ دیگر انتقال می‌یابند

همتافت پُراسپین
high-spin complex
ترکیبی همارا که بیشترین الکترون‌های جفت‌نشده را دارد

همتافت تغییرپذیر
labile complex
همتافتی که برخی از لیگاندهای آن به‌راحتی با دیگر لیگاندهای موجود در محلول قابل تعویض است

همتافت‌سازی complexation, complexing
تشکیل ترکیب همتافت

همتافت‌سنجی complexometry, chelatometry
روشی برای حجم‌سنجی که در آن با تشکیل یک همتافت رنگی نقطهٔ پایانی تیتر کردن (titration) تشخیص داده می‌شود

همتافت کم‌اسپین
low-spin complex
ترکیبی همارا که کمترین الکترون‌های زوج‌نشده را دارد

هم‌تکپار comonomer
هریک از تکپارهای تشکیل‌دهندهٔ هم‌بَسپار

همجوش ← مخلوط همجوش

همجوش دمابالا
high-temperature azeotrope
همجوشی که در دمای بالا کاربرد دارد

همجوش دماپایین
low-temperature azeotrope
همجوشی که در دمای پایین کاربرد دارد

همرَفت convection
جابه‌جایی جِرم و انرژی براثر جابه‌جایی ماده

همزن agitator
افزاره‌ای برای مخلوط کردن مواد در مایعات

همزن مغناطیسی
magnetic stirrer
نوعی وسیلهٔ آزمایشگاهی دارای آهن‌ربای چرخان که از آن برای هم زدن مایعات استفاده می‌کنند

همگن‌ساز homogenizer
دستگاهی برای یکنواخت کردن پراکندگی اجزای موجود در مواد

همگن‌سازی homogenization
یکنواخت کردن بافت و ترکیبات مواد

همگن‌شده homogenized
ویژگی ماده‌ای که بافت و ترکیبات آن یکنواخت شده باشد

همگون‌بسپار homopolymer
بَسپاری متشکل از یک نوع تکپار

همگون‌بسپارش
homopolymerization
فرایندی بسپارشی که در آن تنها از یک نوع تکپار استفاده شود

هم‌لَپ isolobal
ویژگی آن قطعه‌های مولکولی که تعداد و خواص تقارنی و انرژی تقریبی و شکل اوربیتال‌ها و همچنین تعداد الکترون‌های آنها یکسان است

هم‌ولکانش co-vulcanisation
تشکیل شبکه‌ای واحد براثر ایجاد شدن اتصالات عرضی بین زنجیرهای هر دو بسپار

هم‌پخت co-curing
مت. ← هم‌ولکانش

همیاری مجاورتی
anchimeric assistance, neighbouring-group participation
سهیم شدن دو گروه همسایه در مرحلهٔ تعیین‌کنندهٔ سرعت واکنش

هواژل aerogel
نوعی جامد متخلخل که از خشک کردن ژلی که جمع‌شدگی کمی در آن رخ می‌دهد حاصل می‌شود

هواسُل aerosol
سامانه‌ای کلوئیدی که در آن، محیطِ پراکنش، هواست

هیبریدشدگی hybridization
ترکیب دو یا چند اوربیتال از یک اتم برای به وجود آمدن اوربیتال‌های جدید

هیدروژن نوزاد
nascent hydrogen
شکلی واکنش‌پذیر از هیدروژن که در مخلوط واکنش به‌صورت درجا تولید می‌شود

هیدروکربن تناوبی
alternant hydrocarbon
هیدروکربنی مزدوج که مولکول آن شامل حلقه‌هایی با تعداد عضو فرد نیست، به‌طوری‌که اتم‌های کربن به دو دسته تقسیم می‌شوند و هیچ دو اتم مشابهی از دسته‌ها با یک پیوند به هم متصل نمی‌شوند

ی

یک‌آبه monohydrate
ویژگی ترکیب بلورینی که به‌ازای هر واحد مولکولی در ترکیب دارای یک مولکول آب تبلور باشد

یون ion
اتمی که با گرفتن یا از دست دادن الکترون باردار شده باشد

یون‌بَر ionophore
مولکول آب‌گریز نسبتاً کوچکی که انتقال یون را از غشای لیپیدی تسهیل می‌کند

یونپار ionomer
تکپاری مشابه یون

یون چنداتمی polyatomic ion
یونی که در آن دو یا چند اتم با هم پیوند اشتراکی دارند

یون دوقطبی dipolar ion, Zwitterion
یونی که حامل هر دو بار مثبت و منفی به‌طور مجزاست

یون رادیکال radical ion
مولکولی که الکترون زوج‌نشده دارد و درعین‌حال دارای بار منفی کامل است

یون رسانا ion conductor
جامدی که در آن رسانش به جای الکترون یا حفره با یون صورت می‌گیرد

یون‌رنگی ionochromism
قابلیت ماده ازلحاظ تغییر رنگ در حضور یون‌ها و بازگشت به رنگ اولیه در نبود یون‌ها

یون‌زدایی کامل
reverse deionization

فرایندی که در آن یک واحد تبادل آنیون و یک واحد تبادل کاتیون را به‌صورت پشت‌سرهم برای زدودن همهٔ یون‌های موجود در یک محلول به کار می‌برند

یونش ionization

فرایندی که در آن اتم یا مولکول خنثی با از دست دادن یا به دست آوردن الکترون باردار می‌شود

یونش تابشی
radiation ionization

یونیده شدن اتم یا مولکول براثر تابش الکترومغناطیسی

یون مخالف counter ion

یونی که در یک محلول، باری مخالف بار یون تشکیل‌دهندهٔ محلول داشته باشد

یون مشترک common ion

یونی که بین دو یا چند سازنده، در یک مخلوط مشترک باشد

یوننده ionizer

دستگاهی که یون تولید می‌کند

A Collection of
Chemistry Terms

(1)

extracted from
Dictionary of Approved
Terms by the Academy of
Persian Language and Literature

1997-2012

Terminology Department

فهرست واژه‌ها به ترتیب الفبای لاتینی

A

ab initio calculation محاسبه از آغاز
syn. ab initio computation

ab initio computation
→ ab initio calculation

absolute hardness سختی مطلق

absolute softness نرمی مطلق

absolute zero صفر مطلق

absorbency جذبایی

absorptance جذبندگی
syn. absorptivity

absorption جذب، درجذبش

absorption coefficient ضریب جذب

absorption ratio نسبت جذب

absorption spectrum طیف جذبی

absorptivity → absorptance

acceptor پذیرنده

acetic fermentation تخمیر سرکه‌ای

achiral نادستوار

achirality نادستوارگی

achromatic colour
→ achromatic perceived colour

achromatic perceived colour
رنگ بی‌فام
syn. achromatic colour

acid dye رَزانهٔ اسیدی

acidity اسیدینگی

acid oxide اکسید اسیدی

acid rain باران اسیدی

acid-resistant paint
پوش‌رنگ مقاوم به اسید

acid sludge لجن اسیدی

activated carbon کربن فعال
syn. activated charcoal

activated charcoal
→ activated carbon

activated sludge لجن فعال

activated state حالت فعال‌شده

activating group گروه فعال‌ساز

activation فعال‌سازی

activation energy انرژی فعال‌سازی

activator فعال‌ساز

active centre → active site

active site موضع فعال

syn. active centre

activity series سری فعالیت

adatom برجذب‌اتم

addition polymer بسپار افزایشی

addition reaction واکنش افزایشی

additive افزودنی

additivity principle اصل جمع‌پذیری

adhesive چسب

adhesive force نیروی چسبندگی

adparticle برجذب‌ذره

adsorbate برجذبیده

syn. adsorbing agent

adsorbent برجذبنده

adsorbing agent → adsorbate

adsorption برجذبش، برجذب، جذب سطحی

aerating agent → foaming agent

aerogel هواژل

aerosol هواسُل

agglomeration کلوخگی

aggregate انبوهه

aggregation انبوهش

agitator همزن

agostic interaction برهم‌کنش نَزدآور

alcogel الکل‌ژل

alcohol-in-glass thermometer

→ spirit thermometer

alcohol thermometer

→ spirit thermometer

alembic انبیق

alkali قلیا

alkalimetry قلیاسنجی

alkaline earth metal فلز قلیایی خاکی

alkali-resistant paint

پوش‌رنگ مقاوم به قلیا

allosteric activation

فعال‌سازی دگرریختاری

syn. positive allosteric control

allosteric enzyme زی‌مایهٔ دگرریختار، آنزیم دگرریختار

allosteric inhibition

بازدارندگی دگرریختاری

allosteric site موضع دگرریختاری

allotrope دگرشکل

allotropy دگرشکلی

alloy آلیاژ

alternant hydrocarbon

هیدروکربن تناوبی

alternating copolymer

هم‌بسپار تناوبی

alternating copolymerization

هم‌بسپارش تناوبی

alumina آلومین

ambident → ambidentate

ambidentate دوسردندانه

syn. ambident

amino acid residue ماندهٔ آمینواسید

ammoniacal solution

محلول آمونیاکی

ammoniated mercury جیوهٔ آمونیاکی

ammoniation[1] آمونیاک‌دار شدن

ammoniation[2] آمونیاک‌دار کردن

ammonification آمونیاکی کردن

ammonolysis آمونیاکافت

ammonoxidation
→ ammoxidation

ammoxidation آموکسایش
syn. oxyamination, ammonoxidation

amorphous اَریخت

amphipathic → amphiphilic

amphiphilic دومحیط‌دوست
syn. amphipathic

ampholyte برق‌کاف دوخصلتی
syn. amphoteric electrolyte

ampholytic detergent
شویندهٔ دوخصلتی

amphoprotism
دوخصلت‌مندی پروتونی

amphoteric دوخصلتی

amphoteric electrolyte
→ ampholyte

amphoterism دوخصلت‌مندی

anagostic interaction
برهم‌کنش نانَزدآور

anation آنیون‌دار کردن

anchimeric assistance
همیاری مجاورتی
syn. neighbouring-group participation

angle strain کُرنش زاویه‌ای

angular vibration
→ torsional vibration

anharmonicity ناهماهنگی

anion آنیون

anionic آنیونی

aniontropic rearrangement
نوآرایی آنیون‌گرد
syn. aniontropy

aniontropy
→ aniontropic rearrangement

annulation حلقه‌جوشی

anodizing آندش

anomalous viscosity
گران‌رَوی بی‌هنجار

antarafacial دورُخی

antibonding orbital
اوربیتال پادپیوندی

antiferromagnetic پادفرّومغناطیسی

antiferromagnetic resonance
تشدید پادفِرّومغناطیسی

antiferromagnetism پادفِرّومغناطیس

antifoaming agent مادهٔ ضدکف، ضدکف

antioxidant پاداُکسنده

anti-ozonant پاداُزوننده

antistaining properties
خواص ضدلک

antisymmetric پادمتقارن

antisymmetrical stretching vibration → unsymmetrical stretching vibration

apicophilicity محوردوستی
aprotic solvent حلّال بی‌پروتون
aqua regia تیزاب سلطانی
aquation آب‌جانشینی
aqueous dispersion پراکنهٔ آبی
aqueous solution محلول آبی
argentometer نقره‌سنج
argentometry نقره‌سنجی
artificial membrane
→ synthetic membrane
asbestos پنبهٔ نسوز
assay مقدارسنجی، تعیین مقدار
associated-dissolved natural gas
گاز طبیعی همراه ـ حل‌شده
associated gas گاز همراه
syn. gas-cap gas
associated liquid مایع تجمعی
associated liquids مایعات همراه
association تجمع
associative interchange pathway
مسیر تبادل تجمعی
associative mechanism
سازوکار تجمعی
asymmetrical stretching vibration → unsymmetrical stretching vibration
asymmetric induction
القای بی‌تقارنی
asymmetry بی‌تقارنی
atactic polymer بسپار بی‌آرایش
atmospheric chemistry شیمی جوّ
atom اتم
atomic basin حوضهٔ اتم
atomic photoelectric effect
→ photoionization
atomic structure ساختار اتمی
atomization اتمی شدن
attachment اتصال
aufbau principle اصل بناگذاری
autoacceleration خودشتاب‌دهی
autoionization خودیونش
automerization خودهمپارش
autoprotolysis خودپروتون‌کافت
autoprotolysis constant
ثابت خودپروتون‌کافت
autoxidation خوداُکسایش
auxiliary electrode الکترود کمکی
syn. secondary electrode
auxochrome رنگ‌یار
azeotrope همجوش
azeotropic mixture مخلوط همجوش

B

backbiting → self transfer
backbonding پس‌پیوندش
syn. back donation
back donation → backbonding
backward reaction
→ reverse reaction
bacteriocide باکتری‌کُش
balance[1] ترازو

balance² موازنه
band gap کافِ نوار
base باز
base sequence توالی بازی
basic dye رَزانهٔ بازی
basicity بازینگی
batch distillation تقطیر ناپیوسته
bathochromic shift → redshift
beaker بِشِر
bench-scale testing آزمون آزمقیاس
bending vibration ارتعاش خمشی
β-decay واپاشی بتازا
bidentate ligand لیگاند دودَندانه
binary compound ترکیب دوتایی
binder پیونده
binding site موضع اتصال
bioadhesive زیست‌چسب، زی‌چسب
bioadhesive polymer بسپار زیست‌چسب، بسپار زی‌چسب
biochemist زیست‌شیمیدان
biochemistry زیست‌شیمی
biocompatibility زیست‌سازگاری، زی‌سازگاری
biocompatible زیست‌سازگار، زی‌سازگار
bioleaching زیست‌حلاّل‌شویی
biomass زی‌توده
biopolymer زیست‌بسپار
biosurfactant زیست‌سطح‌فعال، زیست‌عاسف
bipolymer → copolymer
biradical دورادیکال
syn. diradical
bistability دوپایداری
bittern تلخابه
black varnish ورنی سیاه
blank test آزمون شاهد
blast furnace کورهٔ بلند
bleached shellac لکای بی‌رنگ
syn. bone dry bleached shellac
bleaching¹ رنگ‌بَری[1]
bleaching² سفیدگری
block copolymer هم‌بسپار دسته‌ای
syn. block polymer
blown oil روغن‌دَم‌پرورد
bone dry bleached shellac → bleached shellac
block copolymerisation/ block copolymerization هم‌بسپارش دسته‌ای
block copolymerization → block copolymerisation
block polymer → block copolymer
blown castor oil روغن کرچک دَم‌پرورد
blueshift انتقال‌به‌آبی
syn. hypsochromic shift
blue vitriol کات کبود
boat conformation صورت‌بندی قایقی
bodied oil روغن پرورده
boiled oil روغن پخته
boiling point دمای جوش

boiling point elevation صعود نقطهٔ جوش
bond پیوند
bond angle زاویهٔ پیوند
bond energy انرژی پیوند
bonding تشکیل پیوند
bonding orbital اوربیتال پیوندی
bond migration مهاجرت پیوند
bond moment گشتاور پیوند
bond number عدد پیوند
bond order مرتبهٔ پیوند
booster توان‌افزا
syn. detergent booster
borderline mechanism سازوکار بینابینی
bound water آب مقید
bridged carbocation کربوکاتیون پل‌شده
bridging ligand لیگاند پل‌ساز
bronze paste خمیر مفرغی، خمیر برنزی
bubbler حباب‌ساز[1]
bubbling agent حباب‌زا
buffer بافر
builder بهساز
bulk polymerization بسپارش توده‌ای
syn. mass polymerization
bumping پُلُغ زدن
burning oil → refined oil

C

cage compound ترکیب قفسی
syn. clathrate
calcification آهکی شدن
calcination تَکلیس
calibrate واسنجیدن
calibrated واسنجیده
calibration واسنجی
calorimeter گرماسنج
calorimetry گرماسنجی
capacitance ظرفیت
capillarity مویینگی
syn. capillary action
capillary action → capillarity
capillary condensation چگالش مویینه‌ای
capillary control هدایت مویینه‌ای
capillary depression اُفت مویینه‌ای
capillary electrophoresis الکتروکوچ مویینه‌ای
syn. capillary zone electrophoresis
capillary forces نیروهای مویینگی
capillary gas chromatography سَوانگاری گازی مویینه‌ای
capillary number عدد مویینگی
capillary pressure فشار مویینگی
capillary rise خیزش مویینگی
capillary tube لولهٔ مویین
capillary zone electrophoresis → capillary electrophoresis
captodative effect اثر دەوگیر
capture گیراندازی
carbocyclic compound ترکیب حلقه‌کربنی

carbonization[1] کربن شدن
syn. carburization[1]

carbonization[2] کربن کردن
syn. carburization[2]

carburization[1] → carbonization[1]

carburization[2] → carbonization[2]

casein micelle ریشال کازئین

cataphoresis → electrophoresis

catenation زنجیره‌ای شدن

cathode کاتُد

cation کاتیون

cationic کاتیونی

cell[1] پیل

cell[2] خانک

cell[3] سلول

centrifuge[1] گریزانه

centrifuge[2] گریز دادن

centrifuge refining پالایش گریزانه‌ای

chain زنجیر

chain reaction واکنش زنجیره‌ای

chain transfer انتقال زنجیر

chaotic reaction واکنش آشوبناک

charge population شمارِ بار

charge transfer complex
همتافت انتقال بار

charge transfer spectrum
طیف انتقال بار

chelate چنگاله

chelated چنگالیده، چنگاله‌ای

chelate effect اثر چنگاله‌ای

chelation چنگالش

chelatometry → complexometry

cheletropic elimination
حذف چنگاله‌ای

cheletropic reaction واکنش چنگاله‌ای

chelometric چنگاله‌سنجشی

chelometry چنگاله‌سنجی

chemical adsorption
→ chemisorption

chemical compound
→ compound[2]

chemical conversion coating
پوشش تبدیلی شیمیایی

chemical equilibrium تعادل شیمیایی

chemical flux شار شیمیایی
syn. chemiflux

chemical kinetics سینتیک شیمیایی
syn. reaction kinetics

chemical octet rule → octet rule

chemical shift جابه‌جایی شیمیایی

chemical species گونهٔ شیمیایی

chemiflux → chemical flux

chemisorption برجذب شیمیایی، برجذبش شیمیایی
syn. chemical adsorption

chemoselective شیمی‌گزین

chemoselectivity شیمی‌گزینی

chiral دستوار

chiral atom اتم دستوار

chirality دستوارگی

chirality axis محور دستوارگی

chirality center مرکز دستوارگی

chirality element عنصر دستوارگی
chirality plane صفحهٔ دستوارگی
chlorination[1] کلردار شدن
chlorination[2] کلردار کردن
chlorination[3] کلرزنی
chromatic attributes خصیصه‌های فام‌نابی
chromaticity فام‌نابی
chromatogram سَوانگاشت
chromatograph سَوانگار
chromatographic adsorption برجذب سَوانگاشتی
chromatography سَوانگاری
chromogen رنگ‌زا
chromometer → colourimeter
chromophore رنگ‌ساز
cis isomer هم‌پار سیس
clathrate → cage compound
cleaning compound
→ purge compound
clock reaction
→ oscillating reaction
clockwise rotation چرخش ساعت‌گَرد
closed-packed hexagonal شش‌گوش تنگ‌چین
close-packed crystal بلور تنگ‌چین
cloud point curve منحنی نقطهٔ اَبری
cloud temperature دمای اَبری
cluster compound ترکیب خوشه‌ای
CNG → compressed natural gas
coadsorption هم‌برجذبش
coagulant aid کمک‌منعقدکننده، کمک‌منعقدساز
coated paper کاغذ پوشش‌دار
coating پوشانش، پوشش‌دهی
coating powders
→ powder coatings
coating system سامانهٔ پوششی
coagulation انعقاد
co-curing هم‌پخت
coefficient
→ membrane partition
coenzyme کمک‌زی‌مایه، کمک‌آنزیم
colligation بازپیوندش
colligative property خاصیت جمعیتی
collision excitation برانگیزش برخوردی
collision frequency فراوانی برخورد
collision theory نظریهٔ برخورد
colloid کلوئید
colloid mill آسیای کلوئیدساز
color → colour
colour رنگ
colourant رنگ‌بخش
colouration[1] رنگ‌بخشی، رنگش
syn. colourization, colouring
colouration[2] رنگ‌بندی
colour attribute خصیصهٔ رنگ
colourimeter رنگ‌سنج
syn. chromometer, tintometer
colourimetry رنگ‌سنجی
colouring → colouration[1]

colourization → colouration[1]
colour lake → lake
colour saturation → saturation[2]
combinatorial chemistry شیمی ترکیبی
combinatorial library گنجینهٔ ترکیبی
combustion سوختن، احتراق
common ion یون مشترک
comonomer هم‌تکپار
compatibility سازگاری
complex همتافت
syn. complex compound, coordination complex
complexation همتافت‌سازی
syn. complexing
complexation analysis هَمارایابی
complex compound → complex
complexing → complexation
complexometry همتافت‌سنجی
syn. chelatometry
component جزء
composite چندسازه
syn. composite material
composite material → composite
composite membrane غشای چندلایه
composite reaction واکنش مرکب
composition ترکیب‌بندی
compound[1] آمیزه
compound[2] ترکیب
syn. chemical compound
compounder آمیزه‌ساز
compounding آمیزه‌سازی
compressed natural gas گاز طبیعی فشرده، گاز فشرده
abbr. CNG
compressibility تراکم‌پذیری
concentration غلظت
concentration cell پیل غلظتی
concentration gradient شیو غلظت
concerted elimination حذف هم‌زمان
concerted reaction واکنش هم‌زمان
condensation چگالش
condensation reaction واکنش تراکمی
condensed structural formula فرمول ساختاری فشرده
condenser چگالنده
conductance رسانایی
conducting paint پوش‌رنگ رسانا
conduction رسانش
conduction band نوار رسانش
conduction electron الکترون رسانش
conductive رسانشی
conductivity رسانندگی
conductor رسانا
configuration پیکربندی
conjugate acid-base pair اسید- بازِ مزدوج
conjugated مزدوج
conjugation مزدوج شدن
constituent جزء سازنده

constitutional isomer
همپار ساختاری
syn. structural isomer

contact filtration صافش تماسی

continuous distillation
تقطیر پیوسته

continuous membrane column
ستون غشادار پیوسته

contraction انقباض

contributing structure ساختار سهیم

convection همرَفت

conversion تبدیل[1]

coordinate bond → dative bond

coordinate valence
→ dative bond

coordination complex
→ complex

coordination compound
ترکیب هم‌آرا

coordination number عدد هم‌آرایی

coordinatively saturated
هَماراسیرشده

coordinatively unsaturated
هَماراسیرنشده

copolymer هم‌بسپار
syn. bipolymer

copolymerization هم‌بسپارش

core electrons الکترون‌های درونی

cosolvent کمک‌حلاّل

counterclockwise پادساعت‌گَرد

countercurrent extraction
استخراج ناهم‌سو
syn. counterrcurent separation

countercurrent separation
→ countercurrent extraction

counter ion یون مخالف

coupling جفت‌شدگی

coupling constant ثابت جفت‌شدگی

covalent bond پیوند اشتراکی

covalent coordinate bond
پیوند اشتراکی یک‌سویه

co-vulcanisation هم‌ولکانش

CPVC → critical pigment volume concentration

critical pigment volume concentration
غلظت حجمی بحرانی رنگ‌دانه
abbr. CPVC

critical mass جِرم بحرانی

crosscurrent extraction
استخراج متقاطع

cross link اتصال عرضی

cross section سطح مقطع

crown ether اتر تاجی

cryochemistry زم‌شیمی

cryoscopic constant ثابت زم‌سنجی

cryoscopy زم‌سنجی

cryptand حجره

cryptate حجرهٔ مهماندار

crystal بلور

crystal defect نقص بلور

crystal field theory نظریهٔ میدان بلور

crystal grating توری بلوری

crystal lattice شبکهٔ بلور

crystalline بلورین

crystallinity بلورینگی

crystallite بلورک

crystallogram بلورنگاشت

crystallographic بلورنگاشتی، بلورشناختی

crystallography بلورنگاری، بلورشناسی

crystalloid بلوروار

crystal system سامانهٔ بلوری

cubic close-packed crystal بلور مکعبی تنگ‌چین

cumulated double bonds پیوندهای دوگانهٔ هم‌جوار
syn. cumulative double bonds, twinned double bonds

cumulative double bonds
→ cumulated double bonds

cure cycle چرخهٔ پخت

cure time زمان پخت
syn. curing time

curing[1] پخت[۱]

curing[2] پخت[۲]

curing agent عامل پخت[۱]

curing time → cure time

cyclization حلقه‌ای شدن

cycloaddition حلقه‌زایی

cycloelimination حلقه‌گسلی
syn. cycloreversion, retroaddition, retrocycloaddition

cycloreversion
→ cycloelimination

D

dative bond پیوند یک‌سویه
syn. coordinate bond, coordinate valence

decantation سرریزکنی

decanter سرریزکن

decanting سرریز کردن

dechlorination کلرزدایی

decolourant رنگ‌بَر

decolouration رنگ‌بَری[۲]، وارنگش

decomposition تجزیه

decoupling واجفت‌شدگی

deexcitation واانگیزش

defoamer کف‌زدا

defoaming کف‌زدایی

dehydration آب‌زدایی

delocalized bond پیوند نامستقر

delocalized electrons الکترون‌های نامستقر

demineralization کانی‌زدایی

demineralized water آب کانی‌زدوده

denaturation واسرشتن

denatured واسرشته

denatured alcohol الکل واسرشته، الکل تقلیبی

denaturing agent عامل واسرشتن

dendritic polymer داربسپار

dendrochemistry دارشیمی

denitrification[1] شوره‌زدایی

denitrification[2] نیترات‌زدایی

dense membrane غشای چگال

syn. non-porous membrane

density چگالی

density functional theory نظریهٔ تابع چگالی

depolarization واقطبش

depolarize واقطبیدن

depolarized واقطبیده

depolarizer واقطبنده

depolymerization وابسپارش

depropagation واانتشار

desalination نمک‌زدایی

desiccant مادهٔ خشک‌کن

syn. drying agent

desiccator خشکانه

desorption واجذبش

desulfurization گوگردزدایی

detergency شویندگی

detergent booster → booster

devitrification واشیشه‌ای شدن

devulcanisation واولکانش

dewaxed موم‌زدوده

dewaxing موم‌زدایی

dextrorotation راست‌چرخش

dielectric constant ثابت دی‌الکتریک

syn. relative permitivity

diene دی‌ان

dienophile دی‌ان‌دوست

diffraction pattern نقش پراش

diffraction spectrum طیف پراش

dihydrate دوآبه

diluent رقیق‌کننده

dilute رقیق کردن

dimer دوپار

dimerization دوپارش

dinitrogen fixation

→ nitrogen fixation

dipolar aprotic solvent حلّال دوقطبی بی‌پروتون

dipolar cycloaddition حلقه‌زایی دوقطبی

dipolar ion یون دوقطبی

syn. Zwitterion

dipole-dipole interaction برهم‌کنش دوقطبی ـ دوقطبی

dipole molecule مولکول دوقطبی

dipole moment گشتاور دوقطبی

diprotic acid اسید دوپروتونی

diradical → biradical

disorder بی‌نظمی

dispersant پراکنش‌یار

dispersed phase

→ disperse phase

disperse phase فاز پراکنده

syn. dispersed phase

disperser → emulsifier

dispersing → dispersion[2]

dispersing agent عامل پراکنش

dispersion[1] پاشش

dispersion² پراکنش
syn. dispersing

dispersion³ پراکنه

dispersion force → London force

dispersion resin رزین پراکنه‌ای

displacement reaction واکنش جابه‌جایی

disproportionation تسهیم نامتناسب

dissociation تفکیک

dissociative mechanism سازوکار تفکیکی

distillation apparatus → still

distillation column ستون تقطیر

distillation tower برج تقطیر

DNA sequence توالی دِنا

double-beam spectrophotometer طیف‌نورسنج دوباریکه‌ای
syn. dual-beam spectrophotometer

double decomposition → metathesis

double displacement → metathesis

downfield پایین‌میدان

drier¹ خشک‌کن[۱]

drier² خشک‌کن[۲]
syn. siccative

drop قطره

droplet قطرک

dryer → drier

dry gel → xerogel

drying¹ خشکانش، خشک کردن

drying² خشکش، خشک شدن

drying agent → desiccant

drying oil روغن خشک‌شونده

dual-beam spectrophotometer → double-beam spectrophotometer

dust گَرد

dusting oil روغن گَردزنی

dye رَزانه، مادهٔ رنگرزی
syn. dyestuff

dyeing رنگرزی، رَزش

dyeing assistants → dyeing auxiliaries

dyeing auxiliaries رَزش‌یار، مواد تعاونی
syn. dyeing assistants

dyestuff → dye

dynamic membrane formation غشاسازی درجا

dynamic vulcanisation ولکانش پویا

E

effusion نشت مولکولی

electric field میدان الکتریکی

electrochemical برق‌شیمیایی، الکتروشیمیایی

electrochemical corrosion خوردگی الکتروشیمیایی

electrochemical gradient شیو الکتروشیمیایی

electrochemical series
سری الکتروشیمیایی
syn. electromotive series

electrochemistry برق‌شیمی، الکتروشیمی

electrochromism الکترورنگی

electrocratic الکتروسالار

electrocyclic reaction
واکنش الکتروحلقه‌ای

electrode الکترود

electrofugal الکترون‌وانهاده[۱]

electrofuge الکترون‌وانهاده[۲]

electrolysis برق‌کافت

electrolyte برق‌کاف

electrolytic برق‌کافتی

electromagnetic الکترومغناطیسی

electromotive series
→ electrochemical series

electron الکترون

electron affinity الکترون‌خواهی

electron configuration
آرایش الکترونی

electron-deficient bridged carbocation
کربوکاتیون پل‌شده با کمبود الکترون

electron-deficient compound
ترکیب با کمبود الکترون

electron density چگالی الکترون

electron-dot formula
→ Lewis structure

electronegative[1] الکترومنفی

electronegative[2] الکترون‌کشان

electronegativity الکترون‌کشانی

electronic chemical potential
پتانسیل شیمیایی الکترونی

electron neutrality principle
اصل الکترون‌خنثایی

electron pairing energy
انرژی زوج‌شدگی الکترون

electron-sufficient bridged carbocation
کربوکاتیون پل‌شده بدون کمبود الکترون

electron-transfer reaction
واکنش انتقال الکترون

electrophile الکترون‌دوست[۱]

electrophilic الکترون‌دوست[۲]

electrophilicity الکترون‌دوستی

electrophilic reagent
واکنشگر الکترون‌دوست

electrophilic substitution reaction
واکنش جانشینی الکترون‌دوست

electrophoresis الکتروکوچ
syn. cataphoresis, ionophoresis

electrophoretic effect
اثر الکتروکوچی

element عنصر

elementary charge بار بنیادی

elementary particle ذرهٔ بنیادی
syn. fundamental particle

elementary reaction واکنش پایه
syn. step

elution شویش
empirical formula فرمول تجربی
emulsification نامیزه‌سازی
emulsifier نامیزه‌ساز
syn. disperser
emulsifying agent عامل نامیزه‌ساز
emulsion نامیزه
emulsion breaking نامیزه‌شکنی
emulsion polymerization بسپارش نامیزه‌ای
enamel لعاب
endophilicity درون‌دوستی
endothermic process فرایند گرماگیر
endothermic reaction واکنش گرماگیر
energy level تراز انرژی
enthalpy آنتالپی
enthalpy of solution
→ heat of solution
entropy آنتروپی
enzyme زی‌مایه، آنزیم
equation of state معادلهٔ حالت
equilibrium constant ثابت تعادل
equivalent weight وزن هم‌ارز
essential fatty acid اسید چرب ضروری
ester استر
esterification استری شدن
esterified fatty acid اسید چرب استری‌شده
syn. free fatty acid
exchange operator عملگر تبادل
exchange reaction واکنش تبادلی
exchange symmetry تقارن تبادلی
excimer برانگیخته‌پار
exciplex برانگیخته‌تافت
excitation برانگیزش
excited برانگیخته
excited state حالت برانگیخته
exciting برانگیزنده
exclusion principle
→ Pauli exclusion principle
exophilicity برون‌دوستی
exothermic process فرایند گرمادِه
exothermic reaction واکنش گرماده
expansion انبساط
expectation value مقدار چشمداشتی
extensive quantity کمیت افزایشی
extract محصول استخراج
extractant عامل استخراج
extraction استخراج
extraction column ستون استخراج
extractor استخراج‌کُن

F

fat چربی
fatty acid اسید چرب
filter صافی
filterability صافش‌پذیری
filterable صافش‌پذیر
filter aid کمک‌صافی

filter cloth پارچهٔ صافی
filter paper کاغذ صافی
filter press صافی فشاری
filtrate صافیده
syn. mother liquor, strong liquor
filtration صافش
fine chemicals مواد شیمیایی ظریف
fine structure ساختار ریز
fine-structure constant ثابت ساختار ریز
finger print اثر انگشت
finishing تکمیل
fixed oil → nondrying oil
flake pigment رنگدانهٔ پرکی
flat enamel لعاب مات
flat lacquer لاک مات
flatting oil روغن مات‌کننده
flatting varnish ورنی ساب‌خور
syn. rubbing varnish, polishing varnish
flat varnish ورنی مات
syn. matte varnish
floatation شناورسازی
floc لخته
flocculant لخته‌ساز
flocculation لخته‌سازی
fluctuation اُفت‌وخیز
flushing compound → purge compound
flux گدازآور
fluxional molecule مولکول درون‌پویا
foam کف
foam booster → foaming agent
foam drainage کف‌آبه‌رَوی
foamer → foaming agent
foam fractionation جزءجزء کردن کفی، برخش کفی
foaminess کف‌مانی
foaming agent پایدارکنندهٔ کف
syn. foam booster, foamer, aerating agent, whipping agent
foaming power توان کف‌زایی
syn. increase of volume upon foaming[1]
foam number عدد کف
food chemistry شیمی مواد غذایی
forced drying[1]/force drying[1] وادار خشکانی
forced drying[2]/force drying[2] وادار خشکش
force-field method → molecular mechanics
formal charge بار قراردادی
formulation فرمول‌بندی
forward reaction واکنش رفت
fouling جِرم گرفتگی
four-center two-electron bond پیوند چهارمرکزی دوالکترونی
fractional distillation تقطیر جزءبه‌جزء، تقطیر برخشی
fractionating column ستون برخش

fractionation جزءجزء کردن، برخش
fractionator برخشگر
free fatty acid
→ esterified fatty acid
freezing point نقطهٔ انجماد
freezing point depression
نزول نقطهٔ انجماد
frequency band نوار بسامد
frontier orbital اوربیتال مرزی
frothing کف‌زایی
fuel cell پیل سوختی
fumigant سم‌دود
fumigation سم‌دوددهی
functional group گروه عامل
syn. functionality[2]
functionality[1] شمار عامل
functionality[2]
→ functional group
fundamental particle
→ elementary particle
fungicide قارچ‌کش

G

galvanic cell پیل گالوانی
galvanized iron آهن سفید
gas-cap gas → associated gas
gas chromatography سَوانگاری گازی
gasification گاز شدن
gasifier گازساز
gas-liquid chromatography
سَوانگاری گاز ـ مایع
gasohol بِنزول
gas-solid chromatography
سَوانگاری گاز ـ جامد *abbr.* GSC
gel ژل
gelation[1] ژل شدن
gelation[2] ژل کردن
gel-filtration chromatography
سَوانگاری ژل‌صافشی
gel-permeation chromatography
سَوانگاری ژل‌تراوشی
gel point نقطهٔ ژل
Gibbs phase rule → phase rule
glacial acetic acid استیک‌اسید یخی
golden lacquer لاک طلایی
graduated cylinder استوانهٔ مدرج
graft copolymer هم‌بسپار پیوندی
graft copolymerization
هم‌بسپارش پیوندی
grafting efficiency بازده پیوندزنی
grafting ratio نسبت پیوندزنی
ground level تراز پایه
ground state حالت پایه
GSC
→ gas-solid chromatography
guest مهمان

H

half-cell نیم‌پیل
half-cell potential پتانسیل نیم‌پیل
half reaction نیم‌واکنش

half-sandwich compound
ترکیب نیم‌ساندویچی

hapticity شمار اتصال لیگاند، شال

hard acid اسید سخت

hard base باز سخت

hard detergent شویندهٔ سخت

hardener سخت‌کننده

HDPE
→ high-density polyethylene

heat bodied oil روغن گرماپرورد

heat capacity ظرفیت گرمایی

heating mantle اجاق سبدی

heat of dissociation گرمای تفکیک

heat of solution گرمای انحلال
syn. enthalpy of solution

heat transfer انتقال گرما

heavy water آب سنگین

hemihydrate نیم‌آبه

heteroleptic ناجورلیگاند

heteropolymer ناهمگون‌بسپار

heteropolymerization
ناهمگون‌بسپارش

high-density polyethylene
abbr. HDPE پلی‌اتیلن پرچگالی

highest occupied molecular orbital
بالاترین اوربیتال مولکولی اشغال‌شده

high performance liquid chromatography
سَوانگاری مایعی کارا

high-spin complex همتافت پُراسپین

high-spin state حالت پُراسپین

high-temperature azeotrope
همجوش دمابالا

high-temperature corrosion
خوردگی دمابالا

high-temperature oxidation
اکسایش دمابالا

Hofmeister series
→ lyotropic series

homogeneous membrane
غشای همگن

homogenization همگن‌سازی

homogenized همگن‌شده

homogenizer همگن‌ساز

homoleptic جورلیگاند

homologous compounds
ترکیبات هم‌رده

homopolymer همگون‌بسپار

homopolymerization همگون‌بسپارش

host-guest chemistry
شیمی میزبان ـ مهمان

hue فام
syn. shade[2]

HUMO باما

hybridization هیبریدشدگی

hybridized orbital اوربیتال هیبریدی

hydrated[1] آبپوشیده

hydrated[2] آبدار

hydration[1] آبپوشی

hydration[2] آبدار کردن

hydration[3] آبدهی

hydrodesulfurization گوگردزدایی با هیدروژن
hydrogel آب‌ژل
hydrogen bond پیوند هیدروژنی
hydrolysis آب‌کافت
hydrolytic آب‌کافتی
hydrolyzable آب‌کافت‌شدنی
hydrophile-lipophile balance توازن آب‌دوستی ـ چربی‌دوستی
hydrophilic آب‌دوست
hydrophobe آب‌گریز[1]
hydrophobic آب‌گریز[2]
hydrosol آب‌سُل
hygroscopic compound ترکیب نم‌گیر
hyperfine structure ساختار فوق‌ریز
hypertonic solution محلول پُرفشار
hypotonic solution محلول کم‌فشار
hypsochromic shift → blueshift

I

ideal copolymer → random copolymer
ignition گیرانش
immiscibility امتزاج‌ناپذیری
immiscible امتزاج‌ناپذیر
inclusion compound ترکیب درون‌گیر
incompatibility ناسازگاری
increase of volume upon foaming → foaming power
inelasticity ناکشسانی
inert gas گاز بی‌اثر
inhibition بازدارندگی
inhibitor بازدارنده
inner-sphere mechanism سازوکار فضای درونی
insecticidal حشره‌کش
insertion reaction واکنش جای‌گیری
instrumental analysis تجزیهٔ دستگاهی
intensive quantity کمیت ناافزایشی
interatomic forces نیروهای بین‌اتمی
interatomic interaction برهم‌کنش بین‌اتمی
interchange mechanism سازوکار تبادلی
interfacial layer لایهٔ میانا
interfacial polymerization بسپارش میانایی
interhalogen بین‌هالوژنی
intermediate[1] مادهٔ واسط
intermediate[2] واسط
syn. reactive intermediate, reaction intermediate
intermolecular بین‌مولکولی
intermolecular forces نیروهای بین‌مولکولی
intermolecular interaction برهم‌کنش بین‌مولکولی
internal energy انرژی درونی
international system of units دستگاه بین‌المللی یکاها

interstitial compound
ترکیب درون‌شبکه‌ای

intramolecular درون‌مولکولی

intramolecular interaction
برهم‌کنش درون‌مولکولی

intramolecular reaction
واکنش درون‌مولکولی

invariance ناوردایی

invariant ناوردا

inverse spinel اسپینل وارون

inversion وارونگی

ion یون

ion conductor یون رسانا

ion exchange تبادل یون

ion exchange chromatography
سَوانگاری تبادل یونی

ion exchanger تبادلگر یون

ionic bond پیوند یونی

ionic polymer بسپار یونی
syn. polyion

ionic polymerization بسپارش یونی

ionic product حاصلِ‌ضرب یونی

ionic strength قدرت یونی

ionization یونش

ionized atom اتم یونیده

ionizer یوننده

ion-microprobe analysis
تجزیهٔ یون‌ریزکاوندی

ionochromism یون‌رنگی

ionomer یونپار

ionophore یون‌بَر

ionophoresis → electrophoresis

isobaric process فرایند هم‌فشار

isoelectric pH
→ isoelectric point

isoelectric point نقطهٔ هم‌بار
syn. isoelectric pH

isoelectronic هم‌الکترون

isoelectronic principle
اصل هم‌الکترونی

isolated double bonds
پیوندهای دوگانهٔ مجزا

isolobal هم‌لَپ

isomer هم‌پار

isomerization هم‌پارش

isosbestic point نقطهٔ هم‌جذبی

isotactic polymer بسپار تک‌سوآرایش

isothermal process فرایند هم‌دما

isotope ایزوتوپ

isotope effect اثر ایزوتوپی

isotope exchange تبادل ایزوتوپ

isotope separation
جداسازی ایزوتوپی

isotopic abundance فراوانی ایزوتوپی

isotopic exchange reaction
واکنش تبادل ایزوتوپی

isotopic molecule مولکول ایزوتوپی

isotopic scrambling
درآمیختگی ایزوتوپی

isotopologue ناهم‌ردهٔ ایزوتوپی

isotopomer هم‌پار ایزوتوپی

isovalent conjugation
مزدوج‌شدگی هم‌ظرفیت

isovalent hyperconjugation
فوق مزدوج‌شدگی هم‌ظرفیت

K

kinetic theory نظریهٔ جنبشی
syn. molecular theory

kinetic theory of gases
نظریهٔ جنبشی گازها

L

labile complex همتافت تغییرپذیر

lability تغییرپذیری

lac لکای خام

lac dye رَزانهٔ لکایی

lacrimator → tear gas

lacquer لاک

lake رَزدانه
syn. colour lake, lake colour

lake colour → lake

lake dyes رَزانه‌های رَزدانه‌ای

lanthanide contraction
→ lanthanoid contraction

lanthanoid contraction
انقباض لانتانوئیدی
syn. lanthanide contraction

Laporte selection rule
قاعدهٔ گزینش لاپورت

latent heat of fusion
گرمای نهان ذوب

latent heat of sublimation
گرمای نهان تصعید

latent heat of vaporization
گرمای نهان تبخیر

lattice defect نقص شبکه

law of definite compositions
→ law of definite proportions

law of definite proportions
قانون نسبت‌های معین
syn. law of definite compositions

law of multiple proportions
قانون نسبت‌های چندگانه

LCAO → linear combination of atomic orbitals

LDPE
→ low-density polyethylene

leachate محصول حلال‌شویی

leaching حلال‌شویی

leaving group گروه ترک‌کننده

left-handed → left handed structure

left-handed structure
syn. left-handed
ساختار چپ‌گرد

level(l)ing effect اثر همترازکنندگی

lever law قانون اهرم
syn. lever rule[2]

lever rule[1] قاعدهٔ اهرم

lever rule[2] → lever law

levorotation چپ‌چرخش
syn. levulorotation

levulorotation → levorotation

Lewis formula
→ Lewis structure

Lewis structure ساختار لوویس
syn. electron-dot formula, Lewis formula

ligand لیگاند

ligand field theory نظریهٔ میدان لیگاند

limiting lye قلیاب حدی

linear combination of atomic orbitals ترکیب خطی اوربیتال‌های اتمی
abbr. LCAO

linear free-energy relation روابط خطی انرژی آزاد
syn. linear Gibbs energy relation

linear Gibbs energy relation
→ linear free-energy relation

linear molecule مولکول خطی

linear polarization قطبش خطی

linear solvation energy relationships روابط خطی انرژی حلاّل‌پوشی

line formula فرمول خطی

line-formula method
→ Wiswesser line notation

lipolysis لیپوکافت

lipophilic چربی‌دوست

lipophobe چربی‌گریز
syn. lipophobic

lipophobia → lipophobicity

lipophobic → lipophobe

lipophobicity چربی‌گریزی
syn. lipophobia

lipoprotein لیپوپروتئین

liquefied natural gas گاز طبیعی مایع، گاز مایع
abbr. LNG

liquefied petroleum gas گاز نفت مایع، گاز نفت
abbr. LPG

liquid chromatography سَوانگاری مایعی

liquid-liquid extraction استخراج مایع ـ مایع

living polymer بسپار زیا

LNG → liquefied natural gas

London dispersion force
→ London force

London force نیروی لاندن
syn. dispersion force, London dispersion force

lone pair زوج تنها
syn. unshared pair, nonbonding electron pair

long oil پرروغن

low-density polyethylene پلی‌اتیلن کم‌چگالی
abbr. LDPE

lowest unoccupied molecular orbital پایین‌ترین اوربیتال مولکولی اشغال‌نشده

low-spin complex همتافت کم‌اسپین

low-spin state حالت کم‌اسپین

low-temperature azeotrope همجوش دماپایین

LPG → liquefied petroleum gas

LUMO پاما

luster جلا

lustering جلادهی

lyate ion آنیون حلال

lye قلیاب

lyocratic حلاّل‌سالار

lyonium ion کاتیون حلال

lyophilic حلاّل‌دوست

syn. solvent loving

lyophobic حلاّل‌گریز

syn. solvent hating

lyotrope حلاّلیت‌افزا

syn. lyotropic agent

lyotropic agent → lyotrope

lyotropic series سری حلاّلیت‌افزا

syn. Hofmeister series

lyotropy حلاّلیت‌افزایی

M

magic-angle method روش زاویهٔ جادویی

magic angle spinning چرخش در زاویهٔ جادویی

magnetic moment گشتاور مغناطیسی

magnetic polarization قطبش مغناطیسی

magnetic quantum number عدد کوانتومی مغناطیسی

magnetic stirrer همزن مغناطیسی

mass colouring techniques رنگ‌بخشی توده‌ای، رنگش توده‌ای

mass polymerization → bulk polymerization

matte varnish → flat varnish

MDPE → medium-density polyethylene

medicinal chemistry → pharmaceutical chemistry

medium-density polyethylene پلی‌اتیلن میان‌چگالی

abbr. MDPE

medium oil میان‌روغن

membrane غشا

membrane distillation تقطیر غشایی

membrane distribution coefficient → membrane partition

membrane partition ضریب توزیع غشا

syn. coefficient, membrane distribution coefficient

membrane reactor واکنشگاه غشایی

mercerization مرسری کردن

metallic bond پیوند فلزی

metalloid شبه‌فلز

syn. semimetal

metastable phase فاز شبه‌پایدار

metastable state حالت شبه‌پایدار

metathesis جانشینی متقابل
syn. double displacement, double decomposition

microfiltration میکروصافش

migratory aptitude مهاجرت‌گرایی

migratory insertion جای‌گیری مهاجرتی

mill-base آس‌مایه

miscibility امتزاج‌پذیری

mixer-settler مخلوط ـ ته‌نشین‌کن
syn. mixer-settler extractor

mixer-settler extractor
→ mixer-settler

moiety تکه، تکه‌مولکول

moisture curing رطوبت‌پزی

molar heat capacity ظرفیت گرمایی مولی

molecular attraction ربایش مولکولی، جاذبهٔ مولکولی

molecular distillation تقطیر مولکولی

molecular dynamics پویایی‌شناسی مولکولی، دینامیک مولکولی

molecular entity هستار مولکولی

molecular geometry شکل هندسی مولکول

molecularity شمار مولکولی

molecular mechanics مکانیک مولکولی
syn. force-field method

molecular metal فلز مولکولی

molecular orbital اوربیتال مولکولی

molecular orbital theory نظریهٔ اوربیتال مولکولی
abbr. MO theory

molecular recognition تشخیص مولکولی

molecular solid جامد مولکولی

molecular structure ساختار مولکولی

molecular theory
→ kinetic theory

molecule مولکول

monodisperse ناپراکنده

monodispersity ناپراکندگی

monohydrate یک‌آبه

monomer تکپار

monomer casting ریخته‌گری تکپار

MO theory
→ molecular orbital theory

mother liquor → filtrate

multicenter bond پیوند چندمرکزی

multident → polydent

mutarotation واچرخش نوری

N

nanofiltration نانوصافش

nacreous pigment
→ pearlescent pigment

narcissistic reaction واکنش خودشیفته

nascent نوزاد

nascent hydrogen هیدروژن نوزاد

neighbouring-group participation → anchimeric assistance

net ionic equation معادلهٔ یونی نهایی

neutrality خنثایی

neutralization خنثایش

neutralization equivalent هم‌ارز خنثایش

neutralization number عدد خنثایش

neutralization reaction واکنش خنثایش

neutralize خنثی کردن

nitrogen fixation تثبیت نیتروژن
syn. dinitrogen fixation

nitrogenous fertilizer کود نیتروژنی

noble gas گاز نجیب

non-aqueous dispersion پراکنهٔ غیرآبی

nonbonding electron pair → lone pair

non-crossing rule قاعدهٔ عدم تقاطع

nondrying oil روغن خشک‌ناشونده
syn. fixed oil

nonmetal نافلز

non-Newtonian viscosity گران‌رَوی نانیوتونی

non-porous membrane → dense membrane

nonstaining antioxidant پاداُکسندهٔ غیرلکه‌زا

normal frequency بسامد بهنجار

nuclear magnetic resonance تشدید مغناطیسی هسته

nucleating agent عامل هسته‌زایی

nucleation هسته‌زایی

nucleofugal هسته‌وانهاده[۱]

nucleofugality هسته‌وانهادگی

nucleofuge هسته‌وانهاده[۲]

nucleophile هسته‌دوست[۱]

nucleophilic هسته‌دوست[۲]

nucleophilic displacement جابه‌جایی هسته‌دوست

nucleophilicity هسته‌دوستی

nucleophilic reagent واکنشگر هسته‌دوست

nucleophilic substitution reaction واکنش جانشینی هسته‌دوست

nucleotide sequence توالی نوکلئوتیدی

O

occupation number عدد اشغال

occupation probability احتمال اشغال

octet rule قاعدهٔ هشت‌تایی
syn. chemical octet rule

oil content → oil length

oil length محتوای روغن
syn. oil content

oil stain رنگانه روغن‌پایه

oleoresinous vehicle → oil varnish

oligomer چندپار

oligomerization چندپارش

oil paint پوش‌رنگ روغن‌پایه

oil varnish روغن جلا

syn. oleoresinous vehicle

one-pot synthesis سنتز یک‌کاسه

opposing reactions واکنش‌های مخالف

optical activity[1] فعالیت نوری[۱]

optical activity[2] فعالیت نوری[۲]

optically active فعال نوری

optical yield بهرهٔ نوری

orbital اوربیتال

orbital overlap هم‌پوشانی اوربیتالی

order-disorder transition گذار نظم ـ بی‌نظمی

order of reaction مرتبهٔ واکنش

organic compounds ترکیبات آلی

organometallic compound ترکیب آلی‌فلزی

organosol آلی‌سُل

oscillating reaction واکنش نوسانی

syn. clock reaction

osmotic pressure فشار گذرندگی، فشار اُسمزی

outer-sphere mechanism سازوکار فضای بیرونی

overcure بیش‌پختگی

overpotential → overvoltage

overvoltage بیش‌ولتاژ

syn. overpotential

oxidant اُکسنده

syn. oxidizer, oxidizing agent

oxidation اُکسایش

oxidative اُکسایشی

oxidizer → oxidant

oxidizing agent → oxidant

oxyamination → ammoxidation

ozonation اُزون شدن

ozonator اُزون‌زن

ozone اُزون

ozone generator → ozonizer

ozonide اُزونید

ozonization اُزونش

ozonizer اُزون‌ساز

syn. ozone generator

ozonolysis اُزون‌کافت

P

packed column → packed tower

packed tower برج آکنده

syn. packed column

paint پوش‌رنگ

paraffin-chain salts → surfactant

parallel reactions واکنش‌های موازی

partial rate factor ضریب سرعت نسبی

particle ذره

Pauli exclusion principle اصل طرد پائولی

syn. exclusion principle

pearlescent pigment رنگ‌دانهٔ صدفی
syn. nacreous pigment, pearl-essence pigment

pearl-essence pigment
→ pearlescent pigment

pendant group گروه آویزان

pendant ionic polymer بسپار آویزیونی

pendant sulphidic آویز سولفیدی

pendant unsaturation آویز سیرنشده

perforated pipe distributor
→ sparger

pericyclic reaction واکنش پیراحلقه‌ای

permeance تراوندگی

permeate تراویده

permeation تراوش

permeator تراوشگر

permutational isomerization همپارش جای‌گشتی

persistent دیرپا

pervaporation تراوش تبخیری

pesticide آفت‌کُش

petrochemicals فراورده‌های پتروشیمی

petrochemistry پتروشیمی

pharmaceutical chemistry شیمی دارویی
syn. pharmacochemistry, medicinal chemistry

pharmacochemistry
→ pharmaceutical chemistry

phase فاز

phase diagram نمودار فازی

phase equilibria تعادل فازی

phase point نقطهٔ فاز

phase rule قاعدهٔ فاز
syn. Gibbs phase rule

phase space فضای فاز

photochemical oxidants اُکسنده‌های نورشیمیایی

photochemical reaction واکنش نورشیمیایی

photochromism نوررنگی

photoelectric effect اثر فوتوالکتریک

photoionization فوتویونش
syn. atomic photoelectric effect

physical adsorption
→ physisorption

physical kinetics سینتیک فیزیکی

physisorption برجذب فیزیکی، برجذبش فیزیکی
syn. physical adsorption

π-bond پیوند پی

pigment رنگ‌دانه

pigment chip تراشه رنگ‌دانه‌ای

pigment volume concentration غلظت حجمی رنگ‌دانه
abbr. PVC

pipette پیپت

planar chromatography
→ thin-layer chromatography

plane polarization قطبش تخت

plastisol نَرماسُل

polar قطبی

polarimeter قطبش‌سنج
polarimetry قطبش‌سنجی
polarization قطبش
polarize قطبیدن
polarized قطبیده
polarizer قطبنده
polarogram قطبش‌نگاشت
polarographic قطبش‌نگاشتی
polarographic analysis تجزیهٔ قطبش‌نگاشتی
polarographic cell پیل قطبش‌نگاشتی
polarography قطبش‌نگاری
polishing varnish
→ flatting varnish
pollution آلودگی
polyatomic ion یون چنداتمی
polyatomic molecule مولکول چنداتمی
polybasic acid اسید چندعاملی
polydent چنددندانه
syn. multident
polydisperse بس‌پراکنده
polydispersity بس‌پراکندگی
polydispersity index شاخص بس‌پراکندگی
syn. polymolecularity index
polyion → ionic polymer
polymer بَسپار، پلیمر
polymeric sulphur گوگرد بسپاری
polymerizable بسپارش‌پذیر
polymerization بسپارش
polymerize[1] بسپار شدن
polymerize[2] بسپار کردن
polymolecularity index
→ polydispersity index
polyprotic acid اسید چندپروتونی
popcorn polymerization بسپارش پُفکی
population inversion وارونگی جمعیت
syn. population reversal
population reversal
→ population inversion
positive allosteric control
→ allosteric activation
postcuring پس‌پزی، پخت تکمیلی
potential barrier سد پتانسیل
potential difference اختلاف پتانسیل
potential well چاه پتانسیل
powder moulding قالب‌گیری پودر
powder coating material
→ powder coating
powder coatings پودر پوشانش
syn. powder coating material, coating powders
power توان
powdered plastic پلاستیک پودری
precipitant رسوب‌دهنده
precipitate رسوب
precipitation رسوب‌دهی
prepolymer پیش‌بسپار
pressure distillation تقطیر فشاری

primary structure ساختار اول

principle of detailed balancing اصل موازنهٔ تفصیلی

probe کاوَند

prochiral پیش‌دستوار

prochirality پیش‌دستوارگی

prochirality centre مرکز پیش‌دستوارگی

production تولید

proliferous polymerization → suspension polymerization

protein-genome → proteome

proteome پروتگان
syn. protein-genome

proteomics پروتگان‌شناسی

protonation[1] پروتون‌دار شدن

protonation[2] پروتون‌دار کردن

pseudorotation شبه‌چرخش

purge compound آمیزهٔ پاک‌سازی
syn. flushing compound, cleaning compound

purged پاک‌سازی‌شده

purge material مادهٔ پاک‌سازی

purging پاک‌سازی

purity → saturation[2]

PVC → pigment volume concentration

pyrometer تَف‌سنج

pyrometrics → pyrometry

pyrometry تَف‌سنجی
syn. pyrometrics

pyropolymer تَف‌بسپار

Q

quadrivalent چهارظرفیتی

quaterpolymer هم‌بسپار چهارتایی

quaterpolymerization هم‌بسپارش چهارتایی

quantization کوانتش

quantized کوانتیده

quantum کوانتوم

R

radial thin-layer chromatography سَوانگاری لایه‌نازک شعاعی

radiation curing تابش‌پزی

radiation ionization یونش تابشی

radical ion یون رادیکال

radioactive پرتوزا

radioactivity پرتوزایی

radiochemistry پرتوشیمی

radiolysis پرتوکافت

random copolymer هم‌بسپار کاتوره‌ای
syn. ideal copolymer

random copolymerization هم‌بسپارش کاتوره‌ای

random prepolymer پیش‌بسپار کاتوره‌ای

rare-earth elements
abbr. REE عناصر خاکی کمیاب

rare gas گاز نادر

rate-determining step
مرحلهٔ تعیین‌کنندهٔ سرعت
syn. rate-limiting step

rate-limiting step
→ rate-determining step

rate of reaction سرعت واکنش

reactant واکنش‌دهنده

reaction واکنش

reaction intermediate
→ intermediate[2]

reaction kinetics
→ chemical kinetics

reaction mechanism سازوکار واکنش

reactive intermediate
→ intermediate[2]

reactivity واکنش‌پذیری

reactor واکنشگاه

reagent واکنشگر

reagent chemicals واکنشگرهای ناب

reboiler بازجوش‌آور

reclaimed rubber لاستیک احیاشده، بازلاستیک
syn. reclaim

reclaim → reclaimed rubber

rectified spirit الکل دوآتشه

redshift انتقال‌به‌سرخ
syn. bathochromic shift

reductant کاهنده

reduction کاهش

REE → rare-earth elements

reference beam باریکهٔ مرجع

reference electrode الکترود مرجع

refined oil نفت پالیده

refinery پالایشگاه

refining پالایش

reflectance spectrophotometry
طیف‌نورسنجی بازتابشی

reflection بازتاب

reformer تبدیلگر

reforming تبدیل[۲]

refraction شکست

refractive index ضریب شکست

regioselective جهت‌گزین

regioselectivity جهت‌گزینی

relative permitivity
→ dielectric constant

relaxation واهلش

residue مانده

resonance[1] تشدید

resonance[2] رزونانس

resonance energy انرژی رزونانس

resonance ionization spectroscopy
abbr. RIS طیف‌نمایی یونشی تشدیدی

resonance structure
ساختار رزونانسی

retention factor ضریب بازداری

retention of configuration
حفظ پیکربندی

retention time مدت بازداری

retention time window محدودهٔ مدت بازداری

retort قرع

retroaddition → cycloelimination

retrocycloaddition → cycloelimination

retrograde condensation چگالش واگشتی

retrograde evaporation تبخیر واگشتی

retrosynthesis سنتز برگشتی

reverse deionization یون‌زدایی کامل

reverse-phase chromatography سَوانگاری فازمعکوس

reverse reaction واکنش برگشت
syn. backward reaction

reversibility برگشت‌پذیری

reversible برگشت‌پذیر

reversible process فرایند برگشت‌پذیر

right-handed → right-handed structure

right-handed structure ساختار راست‌گرد
syn. right-handed

ring-opening polymerization بسپارش حلقه‌گشا

RIS → resonance ionization spectroscopy

rocking vibration ارتعاش گهواره‌ای

rotary evaporator تبخیرکُن چرخان
syn. rotavap

rotary polarization قطبش چرخشی

rotational spectrum طیف چرخشی

rotavap → rotary evaporator

rubbing varnish → flatting varnish

S

salt bridge پل نمک

sandpaper کاغذ سنباده

sandwich compound ترکیب ساندویچی

saponification صابونی شدن

saturated سیرشده، اشباع‌شده

saturated colour رنگ خالص

saturation[1] سیرشدگی، اشباع، اشباع‌شدگی

saturation[2] خلوص، نابی
syn. colour saturation, purity

Schottky defect → vacancy

scissoring vibration ارتعاش قیچی‌وار

secondary electrode → auxiliary electrode

secondary structure ساختار دوم

self-consistent field method روش میدان خودسازگار

self curing[1] خودپزش[۱]

self curing[2] خودپزش[۲]

self initiation polymerization → thermal polymerization

self-organization خودسازمان‌دهی
self transfer خودانتقالی
syn. backbiting
self vulcanisation خودولکانش
semiconductor نیم‌رسانا
semidrying oil روغن نیمه‌خشک‌شونده
semimetal → metalloid
separation جداسازی
separation coefficient ضریب جداسازی
separation factor ضریب جداشدگی
separator جداساز
sequestration منزوی‌سازی
sequestring agent عامل منزوی‌ساز
shade[1] سایه، فام‌سایه
shade[2] → hue
seed lac لکادانه
shellac لکا
short oil کم‌روغن
siccative → drier[2]
side reaction واکنش جانبی
sigma bond پیوند سیگما
silica سیلیس
simple harmonic motion حرکت هماهنگ ساده
size exclusion chromatography سَوانگاری اندازه‌ای
skin colouring رنگ‌بخشی سطحی، رنگش سطحی
sludge لجن
soaking خیساندن
soft water آب سبک
sol سُل
solation[1] سُل شدن
solation[2] سُل کردن
sol-gel process فرایند سُل‌ـ ژل
solid state حالت جامد
solubility حل‌پذیری
solubility coefficient ضریب حل‌پذیری
solubility curve منحنی حل‌پذیری
solubility test آزمون حل‌پذیری
solubilization حل‌پذیرسازی
solubilizing agent عامل حل‌پذیرساز
solute حل‌شده، حل‌شونده
solution محلول
solvalysis حلاّل‌کافت
solvated حلاّل‌پوشیده
solvation حلاّل‌پوشی
solvatochromism حلاّل‌رنگی
solvent extraction استخراج با حلاّل
solvent hating → lyophobic
solvent loving → lyophilic
solvophoresis حلاّل‌کوچی
sorbate جذبیده
sorbent جاذب
sorption جذبش
sorptive[1] جذبشی
sorptive[2] مادهٔ جذبشی
spacer group گروه فاصله‌انداز
sparger حباب‌ساز[۲]
syn. perforated pipe distributor

sparging حباب‌سازی

specific heat گرمای ویژه

spin اسپین

spin angular momentum تکانهٔ زاویه‌ای اسپینی

spin decoupling واجفت‌شدگی اسپین

spin-spin interaction برهم‌کنش اسپین ـ اسپین

spirit lacquer لاک‌الکل
syn. spirit vornish

spirit soluble resin رزین الکلی

spirit stain رنگانه الکل‌پایه

spirit varnish → spirit lacquer

spirit thermometer دماسنج الکلی
syn. alcohol thermometer, alcohol-in-glass thermometer

stain[1] رنگانه

stain[2] لک، لکه

staining[1] رنگانه‌زنی

staining[2] لک‌شدگی

staining[3] لکه‌زایی

staining antioxidant پاداُکسندهٔ لکه‌زا

staining power → tinting strength

standard hydrogen electrode الکترود استاندارد هیدروژن
syn. standard reference half-cell

standard reference half-cell → standard hydrogen electrode

stand oil روغن ماندپرورد

steady state حالت پایا

step → elementary reaction

stepwise reaction واکنش مرحله‌ای

stereochemistry شیمی فضایی

stereoselective فضاگزین

stereoselectivity فضاگزینی

stereospecific فضاویژه

stereospecificity فضاویژگی

stereospecific polymerization بسپارش فضاویژه

still دستگاه تقطیر
syn. distillation apparatus

still head سرستون تقطیر

stillman تقطیرگر

strain کُرنش

stretching vibration ارتعاش کششی

strong liquor → filtrate

structural isomer → constitutional isomer

sublimation تصعید

substituent group گروه جانشین

substitution reaction واکنش جانشینی

sulphonated سولفودارشده

sulphonation[1] سولفودار شدن

sulphonation[2] سولفودار کردن

sulphur dye رَزانه‌های گوگردی

superheavy elements عنصرهای اَبَرسنگین

supersaturated اَبَرسیرشده، اَبَراشباع‌شده

supersaturation اَبَرسیرشدگی، اَبَراشباع‌شدگی

suprafacial تک‌رُخی

supramolecular chemistry شیمی اَبَرمولکولی

supramolecule اَبَرمولکول

surface active agent → surfactant

surfactant عامل سطح‌فعال، عاسف
syn. surface active agent, tenside

surfactant macromonomer درشت‌تکپار سطح‌فعال

surfactant tail دُم سطح‌فعال

suspending power توان تعلیق‌کنندگی

suspension[1] تعلیق

suspension[2] تعلیقه

suspension polymerization بسپارش تعلیقی
syn. proliferous polymerization

symmetrical متقارن

symmetrical stretching vibration ارتعاش کششی متقارن

syndiotactic polymer بسپار دوسوآرایش

synthetic membrane غشای مصنوعی
syn. artificial membrane

T

tacticity آرایشمندی

tactic polymer بسپار آرایشمند

tear gas گاز اشک‌آور
syn. lacrimator

telesubstitution دورجانشینی

tenside → surfactant

tensile strength استحکام کششی

termination پایانش

termonomer تکپار سوم

ternary copolymer → terpolymer

terpolymer هم‌بسپارسه‌تایی
syn. ternary copolymer

terpolymerization هم‌بسپارش سه‌تایی

tertiary structure ساختار سوم

thermal equilibrium تعادل گرمایی

thermal expansion انبساط گرمایی

thermal polymerization بسپارش گرمایی
syn. self initiation polymerization

thermochemistry گرماشیمی

thermochromism گرمارنگی

thermogravimetry گرماوزن‌سنجی

thermometer دماسنج

thermonuclear reaction واکنش گرماهسته‌ای

thermoplastic material مادهٔ گرمانرم

thermosetting polymer بسپار گرماسخت

thin-layer chromatography سَوانگاری لایه‌نازک
abbr. TLC
syn. planar chromatography

three-center bond پیوند سه‌مرکزی

three-center four-electron bond
پیوند سه‌مرکزی چهارالکترونی

three-center two-electron bond
پیوند سه‌مرکزی دوالکترونی

tie line خط اتصال

tint رنگ‌آمیزه، سفیدآمیخت

tinting رنگ‌آمیزی

tinting strength قدرت رنگ‌آمیزی
syn. staining power, tint strength

tintometer → colourimeter

tint strength → tinting strength

TLC
→ thin-layer chromatography

torsional angle زاویهٔ پیچش

torsional vibration ارتعاش پیچشی
syn. angular vibration

total ionic equation معادلهٔ یونی کل

trans isomer همپار ترانس

transition element عنصر واسطه
syn. transition metal

transition metal
→ transition element

transition state حالت گذار

transuranic element
→ transuranium element

transuranium element
عنصر فرااورانیم
syn. transuranic element

tray tower برج سینی‌دار

triple bond پیوند سه‌گانه

triple point نقطهٔ سه‌گانه

twinned double bonds
→ cumulated double bonds

twisting vibration ارتعاش رقاصکی

U

UHMWPE → ultra high molecular weight polyethylene

ULDPE → ultra low density polyethylene

ultracentrifuge فراگریزانه

ultrafiltration فراصافش

ultra high molecular weight polyethylene پلی‌اتیلن فراسنگین
abbr. UHMWPE

ultra low density polyethylene پلی‌اتیلن فراکم‌چگالی
abbr. ULDPE

uncertainty principle
اصل عدم قطعیت

undercure ناپختگی، پخت ناقص

unimolecular reaction
واکنش تک‌مولکولی

unsaturated سیرنشده، اشباع‌نشده

unsaturation سیرنشدگی، اشباع‌نشدگی

unshared pair → lone pair

unsymmetrical stretching

vibration ارتعاش کششی نامتقارن
syn. antisymmetrical stretching vibration, asymmetrical stretching vibration

upfield بالامیدان

V

vacancy تهی‌جا
syn. Schottky defect

vacuum filter صافی خلأ

valence band نوار ظرفیت

valence bond پیوند ظرفیت

valence bond theory نظریهٔ پیوند ظرفیت

valence electron الکترون ظرفیت

van der Waals force نیروی وان‌دِروالس

vaporization تبخیر

varnish ورنی

varnish stain ورنی رنگانه‌ای

vat dyes رَزانه‌های خمی

very low density polyethylene پلی‌اتیلن بسیارکم‌چگالی
abbr. VLDPE

vibrational energy انرژی ارتعاشی

vibrational level تراز ارتعاشی

vibrational spectrum طیف ارتعاشی

vibrational state حالت ارتعاشی

viscosity گران‌رَوی

vitreous شیشه‌ای

vitrification شیشه‌ای شدن

VLDPE → very low density polyethylene

VOCs تاف

volatile organic compounds ترکیبات آلی فرّار

volumetric flask بالون حجم‌سنجی

vulcanisate
→ vulcanised rubber

vulcanised rubber لاستیک ولکانیده، لاستیک پخت‌شده
syn. vulcanisate

vulcanising agent عامل پخت[۲]

vulcanising system سامانهٔ ولکانش

vulcanisation/ vulcanization ولکانش

W

wagging vibration ارتعاش جنبانکی

water-based adhesive چسب آب‌پایه
syn. water-born adhesive

water-born adhesive
→ water-based adhesive

water softening نرم‌سازی آب، سختی‌گیری آب

water stain رنگانهٔ آب‌پایه

whipping agent
→ foaming agent

Wiswesser line formula
→ Wiswesser line notation

Wiswesser line notation
abbr. WLN فرمول خطی ویس‌وِسِر
syn. Wiswesser line formula, line-formula method

WLN → Wiswesser line notation

xerogel خشک‌ژل
syn. dry gel

Y

yield بهره

Z

zinc dust گَرد روی

Zwitterion → dipolar ion